امت

۱۶ صفحه

وَکَذٰلِکَ جَعَلْنٰاکُمْ اُمَّةً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَی النّٰاسِ وَیَکُونَ الرَّسُولُ عَلَیْکُمْ شَهِیداً

دوشنبه ۲۷ بهمن سال دوم شماره ۹۶ — نشریه جنبش مسلمانان مبارز — بهاء ۲۰ ریال

بیانیه جنبش مسلمانان مبارز به مناسبت دومین سالگرد انقلاب

درصفحه۱۶

پیرامون رهنمودهای امام در پیام سالگرد انقلاب

درصفحه۱۶

شهید ۲۲ بهمن ۵۹

کاروان شهیدان انقلاب هر سپیده‌دم و شامگاه و نیمروز، سرخ‌گلی را از دامان گسترده‌ٔ خلق برمی‌گزینند، و در تحقق نیاز

بقیه‌درصفحه۱۶

نقش امام در راستای مبارزهٔ ضدامپریالیستی و وظیفه نیروهای مومن به انقلاب

درصفحه۲

تضاد بین خط حرکت امام در مقابله با دشمن و عمل زمامداران، اگرچه نگذاشت که نهضت با سرعت بیشتری ادامه یافته، عمیق شود و دشمن را به عقب براند، اما از طرف دیگر تاکنون اجازه نداده است که توطئه‌ها و نقشه‌های امپریالیسم پیروزی کامل بدست آورد و بهمین جهت این کشمکش با حدت و شدت زیادتری نسبت به گذشته ادامه دارد، با این تفاوت که با توجه به رشد جریانات انحرافی و ضدانقلابی و تقویت پایه‌های نظام و مؤسسات حاکم، خط ضدامپریالیستی امام بیش از پیش زیر فشار قرار می‌گیرد.

سرنوشت جنگ به کجا خواهد انجامید

جنگی که حدود ۵ ماه است از جانب رژیم عراق و با حمایت مستقیم امپریالیسم امریکا و مرتجعین منطقه آغاز و بر ما تحمیل شده است، بدنبال اهدافی بود که امپریالیست‌های امریکائی و اروپائی و صهیونیست‌ها و مرتجعین منطقه همگی متحداً" علیه انقلاب اسلامی ایران دنبال می‌کرده و می‌کنند. منافع مشترکی که در تجاوز عراق برای شکست ایران و سرکوبی انقلاب ایران در سر دارند، محور این اتحاد گشته است و هدف‌های آنان عبارتند از:

۱- امپریالیسم

هدف امریکا و اروپا این بود که با فشار نظامی و اقتصادی و سیاسی، انقلاب را درهم شکنند و با اثبات عجز آن در مقابله با مشکلات گوناگون که در اثر اشغال قسمتی از خاک ایران، قطع صدور نفت و تمام شدن ذخایر ارزش و تعطیل کارخانجات، تورم و گرانی و هرج و مرج و ناامنی و بیکاری و قحطی، و تشدید کشمکشها و اغتشاشات پدید می‌آیند، میدان را برای رشد جریان مخالف سازشکار (لیبرالیسم و متحدین آن) یا جریان "میانه‌رو" و تحمیل سازش، هموار و مساعد گردانند و در عین بتوانند با وابسته کردن مجدد به سلاح‌ها و تجهیزات نظامی و برقراری مناسبات پیشین بر ارتش، منافع استراتژیک خود را تامین نمایند.

۲- صهیونیسم

با مشغول شدن عراق در جنگ باایران و صرف کلیهٔ سلاحها، ارتش عراق راحت شد (هرچند تهدیدات عراق بیشتر جنبهٔ شعاری

بقیه‌درصفحه۳

درحاشیه لایحه بازسازی

اخیراً" لایحه‌ای تحت عنوان لایحهٔ قانونی بازسازی نیروی انسانی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت از طرف هیئت دولت تقدیم مجلس شورا شده است که ضروری دیدیم

بقیه‌درصفحه۱۴

بسیج دهقانان برای اجرای بند "ج" ضروری است

درصفحه۵

باتقویت وگسترش صنایع کوچک ازجمله ریخته‌گری درجهت قطع وابستگی گام برداریم

لازمهٔ قطع وابستگی، تقویت صنایع ملی‌کوچک و دستی است‌که دولت باید این مهم را با شیوه‌های انقلابی و به کمک و همیاری توده‌های مردم و کارگران معتقد به انقلاب که ازنظرماباصلاحیتترین‌متخصصین هستند، جامهٔ عمل بپوشاند. تقویت کارگاههای ریخته‌گری که قادرند با حداقل امکانات مهمترین نیازهای صنعتی ما را تولید کنند، از جملهٔ این برنامه‌هامی‌باشد با در دسترس بودن مواد اولیه، این کارگاهها میتوانندقطعات چدنی مختلف برای استفاده در ابزار و آلات صنعتی‌چون پمپ آب، رنده و ..... و غیره را تولید کنند.

کارگاههای مذکور در حال حاضر با کمبودمواد اولیه چون بوته و خاک نسوز روبرو هستندکه متاسفانه توزیع این مواد

بقیه‌درصفحه ۴

بلوچستان را دریابیم

عدم توجه به خواسته‌های مردم بواقع محروم و مستضعف، باقی ماندن مناسبات و روابط پیشین در بعد از انقلاب و کوششهای آگاهانه و ناآگاهانه‌ای که سعی بر حفظ آن روابط دارد، فعالیت عناصر و گروههای ضد انقلاب و وابسته به خوانین و فئودالها، عدم انجام اقدامات اساسی و برنیاوردن امکانات حتی حداقل، اختلافات وتفرقات مذهبی و... همه و همه منطقهٔ فقرزدهٔ بلوچستان را به منطقه‌ای که شرایط بالقوه آشوب وبلوادرآن‌فراهم میباشد، درآورده‌است.

بویژه که ستم مضاعفی بر این منطقه حاکم بوده و اهالی و ساکنین آن ازحداقل امکاناتی که برای سایر هموطنان فراهم بوده است، محروم بوده وامکان استفاده از آنرا نداشته‌اند.

برقراری روابط ظالمانهٔ فئودالیته و بعضاً" روابط متوحشانهٔ برده‌داری "که در بعضی نقاط هنوز نیز باقی است" چنان فقر فرهنگی را بر منطقه حاکم نموده است که حتی تامدتی پس از انقلاب هنوز بلوچهای محروم به چرائی و علل انقلاب پی‌نبرده و

بقیه‌درصفحه۴

دستاوردهای انقلاب را بارور سازیم

انقلاب شکوهمند ملت‌ایران، با جوهر مکتبی و ویژگی ضدامپریالیستی، پس از گذشت دو سال از پیروزی سیاسی آن، همچنان از جانب امپریالیستها و متحدین آن و از سوی ارتجاع منطقه و همچنین نیروهای ضدانقلاب در داخل و خارج مورد هجوم واقع میشود و تا آندو ویژگی مذکور از یکسو، و حضور فعال توده‌ها در صحنه و سازش‌ناپذیری رهبری از سوی دیگر، در برابر این‌توطئه‌ایستاده‌اند، همچنان در ضمن تداوم راه آزادی و استقلال، با چنگ و دندان دربرابر یورشهای اینسو و آنسوی دشمنان ایستادگی خواهند نمود. طبیعی است که هرکدام از ستونهای انقلاب بنا به علل و عوامل متفاوتی که جای ذکر آنها نیست، اثر فعالانهٔ خویش را از دست بدهند، پیروزی دشمنان بمیزان فقدان تاثیر آن عامل، تسریع میشود و تحقق جمهوری اسلامی در تداوم راه آزادی و استقلال غیرممکن میگردد. آنچه در این رابطه، این معادله را بنفع انقلاب و تداوم آن تغییر میدهد، از یکسو حفظ دستآوردهای انقلاب و از سوی دیگر مبارزه با توطئه‌های دشمن وجوشش دائمی محورهای اصلی اتکاء انقلاب (توده‌ها و امام) و حفظ و ارتقاء ماهیت هر یک از این محورها، و تداوم انقلاب بر مبنای ویژگیهای اصیل آن میباشد.

چه بسیار کسانی که اساساً" منکر وجود دستآوردهای قابل ذکر برای انقلاب بوده و بکلی تمام آنچه‌را که در طول مبارزهٔ قبل از سقوط رژیم و پس از سقوط آن بدست آمده است، نفی کرده و یا نادیده می‌گیرند و با ذهنیت‌های از پیش‌ساختهٔ خویش، بقضاوت دربارهٔ انقلاب می‌نشینند و بدون درنظر گرفتن شرایط تاریخی مبارزهٔ مردم و شناخت جبههٔ دوست و دشمن، حکم ابطال تمامی تلاشها و کوششهای جانانهٔ مردم و جوانان انقلابی و شهادتها و ایثارهای آنانرا صادر نموده و به یاس عمومی در توده‌ها که عوامل اصلی دیگر نیز دارد، می‌افزایند. این خط از جانب دو جریان دنبال میشود یکی از جانب کسانی که در قدرت سهیم نیستند و یا در پی

بقیه‌درصفحه۱۳

مباحث ایدئولوژیک

دکترحبیب‌الله پیمان

مقوله‌های اساسی مکتب ۳۹

در پایان بحث تضاد لازم است بعضی نکات راکه بدلیل فشردگی برای بعضی از علاقمندان مبهم مانده است، توضیح داده و چند نکتهٔ ناگفته را هم بر آن بیفزائیم:

۱- تضاد و توحید

بعضی هنوز بین اعتقاد به اصل تضاد و توحید تناقض می‌بینند، صرفنظر ازالقائات سوء که در این باره صورت گرفته است و شبهه‌ای نادرست را بر اذهان بسیاری افراد کم‌اطلاع حاکم ساخته، حل تضاد بین وحدت و کثرت ویا توحید و تضاد امری ضروری است، چنین وانمودٔ کرده‌اند که اصولاً" اصطلاح و مفهوم و حتی بحث تضاد را معتقدین به این قاعده از دیالکتیک مادی مارکس و لنین و مائو به عاریت گرفته ـ اند و مفهوم مزبور با اسلام و جهان‌بینی توحیدی بکلی بیگانه است. درحقیقت با

بقیه‌درصفحه۶

دستاوردهای پیروزی "۲۲ بهمن" برهبری امام خمینی را، با بسیج یکپارچه خلق، در مبارزه علیه امپریالیسم ونفی هرگونه سازشکاری وانحصارطلبی، تداوم بخشیم.

نقش امام در راستای مبارزهٔ ضدامپریالیستی

و وظیفه نیروهای مومن به انقلاب

یکی از فوری‌ترین نیازهای امروزی ما در مبارزه علیه تهاجم گستردهٔ امپریالیسم تفکیک اصولی‌ترین خط حرکت ضدامپریالیستی از خطوط و جریاناتی است که یا در مقابل این خط و یا منحرف از آن حرکت میکنند. بخصوص که تبلیغات وسیع دشمن و جریان های منحرف در مشوب‌ساختن اذهان بسیاری از مردم و انحراف افکار آنان از توجه به دشمن‌اصلی و مبارزه در جبههٔ واقعی مبارزهٔ ضدامپریالیستی، تا حدود زیادی موفق بوده است.

این وظیفه از آنجهت بسیار حائز اهمیت است که چه بسا اهداف مشروع و

> **اگر امام طی نزدیک هفده سال مبارزه و رهبری، بسیاری دگم‌های حوزه‌ای را با کمک اصول مکتب در هم شکسته و چارچوبهای ذهنی کهنه را در هم ریخته‌اند، و اگرچه نیروی عظیمی از توده‌های میلیونی را از وابستگیهای ذهنی و اجتماعی پیشین آزاد و به میدان عمل و حرکت انقلابی وارد کرده‌اند، لکن هنوز تا تبلور این حرکت مکتبی ـ انقلابی در یک پیشتاز تشکیلاتی، راه درازی در پیش است.**

مردمی که هرکدام به‌تنهایی میتوانند، انگیزهٔ مبارزه و شعار مهم روز باشند، ولی هنگامی که آنها را در کنار هدف اصلی و مرحله‌ای قرار می‌دهیم، اهمیت درجهٔ دوم و سوم پیدا میکنند. برای مردمی که به هر دلیل نمی‌توانند شرایط مبارزه و عمل ـ گردهای دشمن را در کلیت خود نگاه‌کنند و از نقطه‌ای مرتفع وضعیت جامعه و جبهه ـ های نبرد با استکبار جهانی را بررسی نمایند، بسیار دشوار است که ضرورت اصلی و مرحله‌ای را از دیگر ضرورتها تفکیک و جدا سازند. اینعده مردم طعمهٔ مناسبی برای تبلیغات و جوسازیهای دشمنان بشمار میروند، چنانکه هم‌اکنون برای برخی از مردم دشمن اصلی فراموش شده و تحت تاثیر تلقینات و تبلیغات شبانه‌روزی مسائلی دیگر را جانشین مسالهٔ اصلی که حفظ و تداوم انقلاب و رفع تهاجم سیاسی و نظامی امپریالیسم است، نموده‌اند.

* * *

از وقتی برای اولین‌بار ویژگیهای خط حرکت امام را در راستای مبارزه ضدامپریا ـ لیستی در مسیر انقلاب بیرون کشیده به عنوان خط مشی مبارزین ضدامپریالیست مطرح ساختیم، تا امروز که افراد و گروههای زیادی برداشت خاصی از خط امام ارائه داده و یا مدعی بودن در خط امام را داشته‌اند، ایرادات بسیاری بر ما وارد گردید. ریشه بخش مهمی از انتقادات در این واقعیت بود که بسیاری اقدامات و عملکردها از جانب زمامداران کشورکه‌بعضا" موردتائیدامام‌یامنصوب‌ازطرف‌ایشان‌بودند، با آن ویژگیها تطبیق نداشتند و حتی در موارد متعددی متضاد با آن‌ها بودند. یا آنکه در همهٔ نقطه‌نظرها و موضعگیریهای اتخاذشده بجای هماهنگی و وحدت بعضی را با بعض دیگر مغایر می‌دیدند. یاایرادات و حملات مغرضانه کار نداریم، اما عده‌ای بوده و هستند که در واقع در تشخیص و تفکیک خط اصولی حرکت دچار اشکال شده‌اند و قادر به حل بسیاری تناقضات بین گفته‌ها و عملکردها نیستند.

از آن‌سو هم ایراد می‌گیرند که از خصوصیات خط حرکت امام، بعضی را تائید و برخی را نادیده گرفته‌ایم و به‌اصطلاح نومن ببعض و نکفر ببعض، و بهمین دلیل به خود حق داده‌اند که ما را منافق و یا منافق پیچیده بخوانند. کار نداریم که کسانی یا جریاناتی مغرضانه و بخاطر تضاد ماهیتی و سوءنیت خود، این القائات را رواج داده، سعی میکنند اذهان مردم را نسبت به اهداف وعملکرد ما مشوب سازند، ولی برای روشن شدن اذهان مردمی که تحت تاثیر این تلقینات‌هستند، توضیحاتی لازم است. هم‌چنین برای کسانی که در تشخیص و تفکیک خط حرکت اصولی از میان خطهای انحرافی دچاراشکال‌اندونمیتوانند تناقضات موجود بین گفته‌ها و عملکردها را حل‌کنند.

یکی از دلایل دشواری در تحلیل وضعیت فوق اینستکه، بعضی محدودیت‌های اجتماعی و شرایط مشخص این مرحله از مبارزه و رویهم‌رفته شرایط عینی و ذهنی جامعه را در نظر نمی‌گیرند، در صورتیکه لازم است نقش امام‌خمینی در رهبری انقلاب و امامت جامعه، با توجه به آن شرایط بررسی و تحلیل شود. امام‌خمینی با الهام از انگیزه‌های مکتبی، حرکت ضد ـ استبدادی و ضداستکباری مردم ایران را در این مقطع تاریخی هدایت کرده‌اند، تحقق عینی ویژگیهای مکتبی این رهنمودها، دقیقا" محدود به شرایط عینی وذهنی‌حاکم بوده است. اگر امام طی نزدیک هفده‌سال مبارزه و رهبری، بسیاری دگم‌های حوزه‌ای را با کمک اصول مکتب درهم شکسته و چارچوبهای ذهنی کهنه را درهم ریخته‌اند و اگرچه نیروی عظیمی از توده‌های میلیونی را از وابستگیهای ذهنی و اجتماعی پیشین آزاد و به میدان عمل و حرکت انقلابی وارد کرده‌اند، لکن هنوز تا تبلور این حرکت مکتبی ـ انقلابی در یک پیشتاز تشکیلاتی، راه درازی در پیش است. لذا ما بحثی جدا از شرایط تعریف‌شده و ظرف معین شرایط زمانی و مکانی مطرح نکرده‌ایم، چیزی را مطلق و مجرد و ورای واقعیتهای عینی مورد بحث‌قرارندادهایم. به‌دیگرسخن ما نخواسته‌ایم همهٔ گفته‌ها و اقدامات و تصمیمات کوچک و بزرگ در هر زمینه را جمع‌آوری و آنرا بصورت یک سیستم مکتبی خاص نامگذاری وارائه‌دهیم. امامت و رهبری را در چارچوب مکتب در نظر گرفته و چنانکه وظیفه‌داریم درهرحال به مکتب اصالت داده و می‌دهیم. فراموش نکرده‌ایم که شعار تاریخی و مکتبی مردم در انقلاب "خدا ـ قرآن ـ خمینی" بود ـ هر یک از سه جزء این شعار حذف شود، ناقص و انحرافی است و راهنمای عمل مکتبی نخواهد بود، چه به صرف مکتب (خدا و قرآن) تکیه شود و واقعیت عینی آن در این مقطع در رهبری ضد ـ استکباری امام‌خمینی در نظر گرفته نشود و چه فقط شخصیت امام‌خمینی بدون‌معیارهای مکتبی مطلق شود و خود جای مکتب یعنی خدا و قرآن را بگیرد، هر دو برداشت انحرافی است، درست همانست که‌توده‌های آگاه ما در میدانهای نبرد با طاغوت بر زبان می‌راندند. رهبران می‌آیند و می‌روند و آنچه باقی می‌ماند مکتب است. ارزش و اهمیت کار رهبران از روی انطباق اعمال و افکارشان با مکتب در ظرف شرایط مشخص اجتماعی و تاریخی ارزیابی میشود. مسلم است که مکتب را مجرد از شرایط عینی و بصورت الفاظ و اصطلاحات خشک در کتاب‌ها نمی‌نگریم و به این کلام علی در برابر قرآنهای بر نیزهٔ معاویه(مکتب در کتاب) عنایت داریم که فرمود قرآن ناطق منم. گذشته از این رهبر انقلاب بر اساس همان اخلاق اسلامی هیچوقت سعی نکرده اند اشتباهات را پوشیده داشته، ازاذعان به آنها استنکاف کنند. اما این اشتباهات با همهٔ آثار و عوارضی که در بر داشته‌اند، راستای حرکت ایشان علیه استکبار را بر مبنای انگیزه‌های اسلامی مخدوش و منحرف نساخته‌اند.

شک نیست که بین آنچه امام‌خمینی رهبر انقلاب از بعد از پیروزی ۲۲ بهمن تاکنون در رابطه بامبارزه با دشمن اصلی بر زبان رانده‌اند، با آنچه زمامداران کشور و منصوبان ایشان در عمل انجام داده‌اند اختلاف و حتی تضاد بسیار مشهود است و بااینحال امام از ارگانها و مسئولانی که لااقل بسیاری رهنمودهای ایشان را نادیده گرفته و بدانها عمل نکرده‌اند، در مواردی تائید و پشتیبانی نموده‌اند. تبیین و بررسی علل این جریان را به وقت دیگری موکول‌می‌کنیم. اما چند چیز مسلم است، یکی اینکه خط حرکت ضدامپریالیستی امام را نمی‌توان از روی خط حرکت زمامداران کشور و حتی منصوب‌شده‌های ایشان تشخیص داد. دوم آنکه امام اگرچه ارگانها و مسئولان کشوری و لشکری را که در همان خط حرکت نکرده‌اند، طرد ننموده‌اند، لکن ضعفها و انحرافات آنانرا گوشزد کرده، تضاد عمل و گفته‌هاشان را با آن معیارها و ویژگیها به‌کرات تصریح و گوشزد نموده‌اند. سومین حقیقت اینکه‌همهٔ محافل امپریالیستی در داخل و خارج، در منطقه و سراسر جهان خط حرکت امام را دشمن و مانع اصلی اجرای برنامه‌ها و توطئه‌های خود می‌دانند (در این جا نخواسته‌ایم قدرت توده‌ای بسیج‌شده را از رهبری جدا کنیم و نقش اصلی آنانرا نادیده بگیریم) و چنانکه بارها ثابت کرده و بازهم نشان خواهیم داد، هدف اصلی حملات و توطئه‌ها و فشارهای تبلیغاتی، سیاسی و نظامی دشمن درهم‌شکستن مقاومت توده‌ها وکنارزدن خط حرکت امام است.

تذکار این حقیقت نیز برای چندمین بار لازم است که کار مبارزهٔ ما با امریکا و تهدیدهای همه‌جانبهٔ امپریالیستها تمام نشده، بلکه خطر بطور روزافزونی به انقلاب نزدیک میشود. یعنی با پیچیده‌تر شدن وضعیت جنگ، تحریکات در سیستان و بلوچستان و در سایر مرزها و در داخل کشور شدت می‌گیرد، ضدانقلاب بر فعالیت های خود در داخل و خارج افزوده، فعل و انفعالاتی در جریان است و توطئه‌هائی در حال اجرا، احتمال وقوع هر حادثه‌ای بر ضد موجودیت انقلاب وجود دارد. رفت و

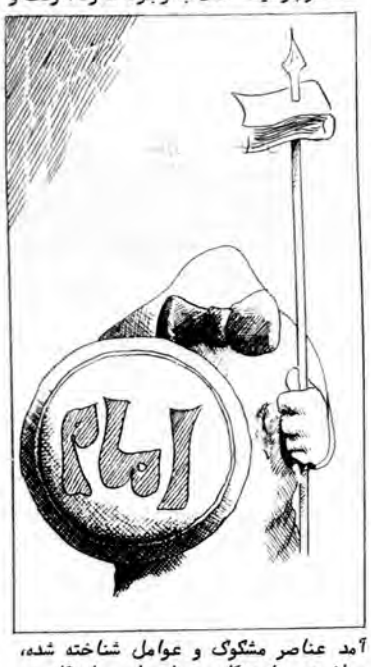

آمد عناصر مشکوک و عوامل شناخته شده، مسافرت نمایندگان جناحهای سازشکار به اروپا و امریکا، اقدامات سیاسی نمایندگان کنفرانس طائف و بسیاری فعالیتهای مخفی و آشکار دیگر، همه مبین این حقیقت‌اند. ما از همه‌سو در معرض توطئه‌های فراوان امپریالیسم هستیم. دشمنی که هرزمان بر پیچیدگی‌ونفاق‌خودمی‌افزاید،اینهمه‌هوشیاری و ایستادگی زیادی را می‌طلبد. با این اوضاع بحرانی و پرتهدید است که ضرورت تشکل و وحدت مردم در اصیل‌ترین خط حرکت ممکن در این شرایط عینی مشخص و پرهیز از انحراف و گمراهی و تفرقه بیش از پیش آشکار میشود.

موفقیت چشمگیر رهبری امام‌درسرنگون ساختن سریع استبداد سلطنتی باعث شده است که مخالفان و منتقدان نسبت به اقدامات و تصمیمات ایشان در آن مرحله کمتر ایراد و انتقادی وارد کنند و یا آنرا به سازشکاری و ارتجاعی‌بودن متهم سازند، در صورتیکه همان ایام هم بسیاری از افراد مورد حمایت و تائید امام که منصوب از جانب ایشان هم بودند، عملکردی مغایر با خط حرکت ضدسلطنتی ایشان داشتند. آنان سر سازش با حکومت و رژیم داشتند، از حکومت احتمالی امینی، از حکومت اتحاد ملی، از بختیار، از شورای سلطنت و ادغام در شورای اسلامی، از بقای سلطنت و جانشین شدن ولیعهد، از مذاکره با رژیم از ضرورت ملاقات با بختیار طرفداری می‌نمودند، با هویزر و قره‌باغی و مقدم نشستند و مذاکره کردند و دستور حفظ آرامش و شکستن اعتصابات می‌دادند و دهها عملکرد دیگری که با سیاست‌های امام در برابر رژیم تضاد آشکار داشت، با اینحال ضمن آنکه امام این دولتمردان روحانی و غیرروحانی طرفدار سازش را طرد نکردند و حتی منصب و مقام هم بخشیدند اما علیرغم سیاست آنها، به کمک و یاری توده‌ها به حرکت خود درهمان خط سازش‌ـ ناپذیری تا سقوط کامل استبداد سلطنتی ادامه دادند.

بعد از ۲۲ بهمن و بدست‌گرفتن قدرت سیاسی‌و ادارهٔ امور مملکت، وضع فرق کرد چنانکه در یکی از سرمقاله‌های‌اخیراشاره‌ای به این تغییر کردیم ـ آنجا نوشتیم که در این مرحله علاوه بر دو عنصر اصلی و موثر در عمل. یعنی توده‌ها وامام عنصر ثالثی هم‌اضافه شد وآن دولت و شورا و زمامداران رویهم سیستم و نظام حاکم بود که تدریجا نقشی بسیار اساسی در هدایت و سرنوشت مبارزه بدست آورد. در راس این سیستم غالبا" کسانی قرار گرفتند که پیش‌ازپیروزی هم ثابت کرده بودند که یا در خط امام نیستند و یا کشش و ظرفیت بودن و عمل کردن کامل بدان‌راندارند. در نتیجه این عنصر سوم بیشتر از آنچه در راستای مبارزه ضدامپریالیستی حرکت کند، دائما" ازآن عدول کرده ویا سد راه این حرکت شده است، بهمین جهت می‌بینیم نظام حاکم و دولتمردان نمی‌توانند به ضرورتهای اساسی این مرحله جامعهٔ عمل‌بپوشانند و از رهنمود ـ های امام‌پیروی‌کنند. بهترین‌رهنمودهای امام در مرحلهٔ‌مبارزهٔ ضدامپریالیستی عبارت بودند از:

۱ ـ بعد از شاه و رژیم سلطنتی نوبت امریکاست و امریکا به عنوان شیطان بزرگ سرکردهٔ مستکبرین جهان، بزرگترین دشمن ملتهاست و مبارزه تا نابودی کامل این قدرت شیطانی و دو متحد دیگرش صهیونیسم و ارتجاع منطقه (مصر، اردن، عراق، عربستان) و قطع کلیهٔ وابستگیها و رسیدن به استقلال کامل باید ادامه یابد.

۲ ـ در مبارزه با قدرت استکباری غرب ما به قدرت استکباری دیگری در غرب یا شرق وابسته نخواهیم شد و در دام ایدئولوژی‌های غیراسلامی نخواهیم افتاد.

۳ ـ اتکاء ما در این مبارزهٔ دشوار، اولا" به خدا و در همین ظرف مکتبی به قدرت توده‌های مستضعف، از زاغه‌نشینان و کوخ‌نشینان است. دشمن با همهٔ نیرو و امکانات خود هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، بشرطی که ما متحد و استوار بمانیم و خدا را فراموش نکنیم.

۴ ـ در این مبارزهٔ سرنوشت‌ساز، ملت باید بمثابه یک ارتش مسلح و آمادهٔ کارزار شود، همه‌جا سنگر و همه سرباز در جبههٔ ضدامپریالیسم‌اند. زمین‌ها باید کشت شوند وهمه تولید کنند، با تقلیل مصرف و روزه‌داری و رسیدن به خودکفائی، محاصرهٔ اقتصادی دشمن خنثی گردد، اختلافات و تضادهای فرعی و غیراصولی در این مرحله کنار گذاشته شود و همهٔ تفنگها و قلمها بسوی دشمن اصلی نشانه روند.

۵ ـ پیام انقلاب بمیان خلقهای مستضعف و زیرسلطه و ستم ارسال گردد و بجای دولتها و قدرتهای استعماری، انقلاب حامیان خود را از میان ملل محروم، جنبشهای آزادیبخش و دولتهای‌ضداستعمار جستجو نماید.

باز هم بر این ویژگیها میتوان مواردی افزود. طبیعی است که در عمل به این رهنمودها بسیار اندک و یا بکلی عمل نشد. زیرا این رهنمودها میباید از طریق نظام و قدرتهای مسئول تحقق یابند، و مانند روزهای پیش از پیروزی نبود که توده ها بلاواسطه و بی‌نیاز از عملکرد سیستم بتوانند وارد عمل شوند (تسریع در تجدید بنا و تشکیل نهادها و تاسیسات حکومتی که جانشین عمل بلاواسطهٔ توده‌ها میشدند، خود یک علت‌عمدهٔ کند شدن حرکت انقلابی‌میباشد کهماباآن مخالف بودیم).

تضاد بین خط حرکت امام در مقابله با دشمن و عمل زمامداران، اگرچه نگذاشت که نهضت با سرعت بیشتری ادامه یافته عمیق شود و دشمن را به عقب براند، اما از طرف دیگر تاکنون اجازه نداده است که توطئه‌ها و نقشه‌های امپریالیسم پیروزی کامل بدست آورد و بهمین جهت این کشمکش با حدت و شدت زیادتری نسبت به‌گذشته ادامه دارد با این تفاوت که با توجه به رشد جریانات انحرافی و ضدانقلابی و تقویت پایه‌های نظام و موسسات حاکم، خط حرکت ضد ـ امپریالیستی امام، بیش از پیش زیر فشار و تهدید قرار می‌گیرد. پیش از این در بارهٔ صلاحیت مسئولان در رهبری و هدایت مبارزه ضدامپریالیستی و بسیج و سازمان ـ دهی توده‌ها صحبت کرده‌ایم و لذا از تکرار آن خودداری می‌کنیم. همینقدر بگوئیم که اشتباهات و انحرافات در مسیر مبارزه اصلی و توقف و کندی، همه ناشی از تناقضات فوق بین واقعیت‌ها و اصول و معیارهای اعلام‌شده است.

جنگ مسلحانه و درازمدت با امپریالیسم اجتناب‌ناپذیراست:

اعلام این نظر و شعار از جانب امام که جنگ و مبارزه با دشمن باید تا پیروزی کامل و نابودی کفر و قطع کلیه وابستگیها و رسیدن به استقلال ادامه یابد، مبین چه حقیقتی است؟ این حقیقت که مبارزهٔ مسلحانه با دشمن که در ۲۲ بهمن ناتمام ماند، باید ادامه یابد و برخورد قهرآمیز و درازمدت بین خلق و امپریالیسم بین جبهه حق و کفر اجتناب‌ناپذیر است. اتخاذ هر شیوه و خط مشی دیگری که نفی ـ کنندهٔ این شعار درازمدت (استراتژیک) باشد، معنائی جز سازشکاری و تسلیم‌طلبی در برابر استکبار جهانی ندارد. ممکن است طی‌این مبارزهٔ درازمدت وقفه‌ها و متارکه ـ هائی بوجود آید که‌اگر در چارچوب مبارزه قهرآمیز و درازمدت مکتبی باشد، نباید سازش تلقی شود. همانگونه که صلح حدیبیه میان پیامبر اسلام و مشرکین قریش چون در کادر جهاد مسلحانه درازمدت و مکتبی با جبههٔ کفر منعقد شد، علیرغم ظاهر آن، بهیچوجه بمعنای سازش با دشمن نبود، اگر چه بسیاری از مسلمانان و یاران نزدیک پیامبر در آنموقع قادر به درک این معنا نبودند و آنرا سازش با دشمن تلقی کردند. پس برای تشخیص ماهیت هرنوع متارکه موقتی جنگ یا صلح باید به مشی درازمدت و ماهیت رهبران مبارزه نگاه کرد، اگر رهبری در خط مشی خود جهادمسلحانه را بعنوان مشی اجتناب‌ناپذیر مبارزه با دشمن کافر پذیرفته باشد، و اگر رهبری دارای بینشی مکتبی و خصلتی الهی‌باشد، مسلما" صلح و موافقت‌نامهٔ وی به سازش با دشمن منجر نمی‌شود. امام‌خمینی به کرات روی ضرورت مبارزهٔ درازمدت تا نابودی کامل جبههٔ کفر و استکبار جهانی تاکید کرده‌اند و با ضرورت تشکیل ارتش ۲۰میلیونی، مسلح‌کردن توده‌ها و دادن آموزش نظامی بهمهٔ‌مردم ازدهقانان وکارگران تامحصلین و دانشجویان، اجتناب‌ناپذیر بودن برخورد مسلحانه و قهرآمیز با دشمن را تائیدکرده‌اند. اعتقاد به‌این خط‌مشی را از آنجا میتوان تشخیص داد که در وقایعی مثل توطئهٔ آذربایجان یا کودتای ۱۸ تیر ماه و یا بالاخره تهاجم امپریالیستی عراق که دوتای‌اول از طرف نیروهای داخلی وابسته و سومی از سوی نیروهای خارجی

> **بر مردم است که مستقل از "سیاست بازها"، مستقل از درگیریهای جناحهای قدرت‌طلب یا انحصارطلب و دیگرگروههای منحرف، از مبارزهٔ ضداستکباری، حرکت اصیلی را بوجود آورند، حرکتی که پاسدار آزادی و استقلال و دیگر دستآوردهای انقلاب بوده، بمبارزهٔ درازمدت و قهرآمیز مکتبی علیه استکبار جهانی و وابستگان داخلی آن اعتقاد و ایمان داشته باشد.**

بقیه‌درصفحه۳

سرنوشت جنگ به کجا خواهد انجامید؟

بقیه‌ازصفحه۱

و از اقدامات قاطع عملی در این مورد خودداری ورزیده است) و قضیهٔ فلسطین تحت‌الشعاع قرار گرفت، بطوریکه اسرائیل توانست امسال در بودجهٔ نظامی خود صرفه‌جوئی زیادی بعمل آورد و به فشار خود به جنوب لبنان و انقلاب فلسطین بیفزاید.

۳-ارتجاع منطقه

انقلاب اسلامی ایران با "سنت شکنی" خود ضربه‌ای بر اندیشه و روحیهٔ مسلمانان وارد آورده، و جزایر ثبات و سکون را در سرزمینهای عربی و شیخ‌نشین‌ها به لرزه درآورده است. اجتهادات انقلابی در مبارزه علیه استکبار، برای توده‌های مسلمان زیرسلطه بیدارکننده است. وجود ایران انقلابی و مسلمان مسلما" با حیات و منافع مرتجعین مسلمان! تضاد قطعی دارد.

اگر عراق در این جنگ بیکی از دو صورت پیروز شود، تمام اهداف مثلث شوم امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع برآورده می‌شود: با نیروهای رزمندهٔ ما را شکست داده و خوزستان و حوزهٔ نفتی رااشغال کند و با اینکار شریان حیات اقتصادی و حتی سیاسی ایران را در اختیار گیرد ـ اینکار بزعم آنان به سقوط رهبری امام و جایگزینی و حاکمیت یک جریان سازشکار و یا بکلی وابسته منجر خواهد شد و یا در نتیجهٔ فشار جنگ زمامداران کشور تن به مذاکره و سازش میدهند و شرایط آنانرا می‌پذیرند که قبول آن شرایط مستلزم بی‌محتوا شدن انقلاب و تامین همان هدف های دشمن است ـ در این صورت نیز رهبری امام شکست خورده است.

پس نتیجه جنگ و تجاوز عراق در سرنوشت انقلاب و مبارزهٔ ضدامپریالیستی تاثیر قاطع و تعیین‌کننده دارد بطوریکه هر هدف یا مصلحت دیگری باید تحت‌الشعاع آن قرار گیرد. جز اصول مکتب که بهیچوجه نباید نقض شوند و همهٔ تلاشها و مقاومتها در آن چارچوب انجام گیرند.

این جنگ درحقیقت تحقق همان اصل اجتناب‌ناپذیر بودن مبارزهٔ مسلحانه با امپریالیزم است. این جنگ در حقیقت دنبالهٔ قیام مسلحانه ۲۲ بهمن‌ایست که ناتمام ماند و اکنون باید تا درهم‌شکستن کامل سیستم وابسته و محو همهٔ پایگاههای امپریالیزم ادامه یابد. با توجه به واقعیت های غیرقابل انکار در تائید دخالت و حمایت مستقیم و ذینفع‌بودن امپریالیستها صهیونیستها و مرتجعین در این تهاجم، جای شگفتی است که چگونه گروههای مدعی مبارزهٔ ضدامپریالیستی در ماهیت این جنگ و ضرورت دفاع از انقلاب تردید دارند، آیا نمی‌بینند که عربستان، با افزایش تولید روزانه، دو میلیون بشکه قطع نفت عراق و صدور آن به غرب را جبران کرده است، آیا نمی‌بینند که از پول همین نفت، میلیاردمیلیارد به عراق کمک مالی و تسلیحاتی می‌کند؟ آیا اردن را نمی‌بینند که محل آموزش نظامیان و دریافت‌تانکهای امریکائی است؟ آیا نمی‌بینند که بندر کویت به پایگاه تدارکاتی بزرگ عراق تبدیل شده است؟ و نیز بندر عقبه ـ آیا نمی‌بینند که میراژهای فرانسه جای خالی میگهای روسی را پر می‌کنند؟ و دهها نشانه دیگر از این نوع کافی نیست که این سازمانها و گروهها در تشخیص جبههٔ اصلی مبارزهٔ ضدامپریالیستی تردید نکنند؟ و سعی نکنند جنگ را از میدانهای نبرد خوزستان به خیابانها و میادین شهرها بکشانند؟

بی‌دلیل نیست‌که باید همهٔ اهداف و مصلحت‌ها تحت‌الشعاع این نبرد ضد ـ امپریالیستی قرار گیرد. اگر شکست ما در این جنگ سبب دستیابی دشمنان سه‌گانه به همهٔ اهداف پلیدشان میشود، در مقابل پیروزی در جنگ (با شرایطی که گفته‌ایم) به درهم‌شکستن شبکهٔ امپریالیسم در داخل و اضمحلال ساخت اقتصادی و تجاری وابسته و بهم‌خوردن روابط فئودالی و سرمایه‌داری وابسته و تحول نظام اداری و ارتشی و حاکمیت بیشتر توده‌ها خواهد شد.

چه جریاناتی درداخل ازتجاوزعراق بهره می‌برند؟

در تحلیلهای گذشته نشان دادیم که از نظر امریکا و متحدین اروپائی، این جنگ میتواند به رشد جریانات سازشکار و ضد انقلاب و انروای نهادها و نیروهای انقلابی و خط امام منجر شود. شاید اگر روزی به این مساله رسیدگی شود که چرا در طول یکسالی که عراقیها به تدارک جنگ مشغول بودند و بخصوص در ماههای آخر کسانی خطر را هشدار می‌دادند، مسئولان کشور عکس‌العملی نشان نداده و اقدام به پیشگیری نکردند و حتی بطوری که بعدها مدعی شدند، لااقل از یکی دو ماه پیش از قصد عراق اطلاع داشته‌اند. پایگاه های نیروهای ارتش را مطلع‌نساخته و تقویت نکردند و اقدامات تدافعی در راه ورود دشمن تدارک ندیدند و فرصت دادند که بسیاری افراد و سلاحها قربانی تهاجم غافلگیرانه! شوند.

ما از ابتدا نوشتیم که پیروزی ما در این نبرد مستلزم اتخاذ یک مشی درازمدت و جنگ توده‌ای است و امروز این حقیقت بخوبی اثبات شده است و نوشتیم جنگ توده‌ای درازمدت بمعنای نفی ورود و شرکت ارتش و نیروهای منظم در جنگ نیست، بلکه هر دو دوش بدوش هم باید بمقابله با دشمن برخیزند و مکمل هم باشند. زیرا قطعی بود که ارتش با آن ساخت و مناسبات داخلی و سیاستهای حاکم برآن به تنهائی قادر به مقاومت در برابر تهاجم نبوده و نیست. باضافه ارتش در کنار نیروهای عظیم مردمی از سپاه پاسداران و دیگر رزمندگان داوطلب و در جریان یک جنگ درازمدت است که متحول میشود و عناصر ناخالص آن که کشش و ظرفیت مبارزه ندارند یا صداقت کافی ندارند، در جبهه نمی‌ایستند و خصلت‌های خود را بروز می‌دهند و خواه‌ناخواه کنار زده میشوند و بجای آن نیروهای اصیل ومومن و انقلابی آن بویژه از کادرهای جوان رشد می‌کنند. و اصولا" هر کس مستعدتحول تعالی‌بخش است، در یک جنگ مردمی با انگیزه‌های اسلامی و مشاهدهٔ فداکاری و ایثار که در اوج خود به نمایش گذاشته شده است، دگرگون میشود.

میتوان گفت سیاست امام در وحدت نیروهای نظامی با نیروهای مردمی و سپاه و ادامهٔ جنگ تا پیروزی نهائی، بر این اهداف و مصالح متکی میباشد.

اما تبلیغات جناح لیبرال در ارتش و خارج از آن درباره جنگ و تخصص، دقیقا" بر ضد این سیاست بود و هدفشان آن بود که ارتش از مردم و سپاه جدا بماند و از تحول و دگرگونی تعالی‌بخش آن بسود انقلاب وتوده‌ها جلوگیری شود. اینکه جناح مقابل با عملکردهای نادرست چقدر خوراک تبلیغاتی برای رقیب فراهم کرده، موضوع بحث دیگری‌است. عدم صداقت درتبلیغات روی تخصص و جنگ کلاسیک از همین یک حقیقت آشکار است که نمایندگان این خط کمترین آگاهی و تخصص و سابقه در امور نظامی و اسلحه ندارند، و دستهایشان هرگز با سلاح تماس پیدا نکرده و شناختی ازآنها ندارند، فرماندهی قوارا می‌پذیرند. پذیرش این مقام با نظریهٔ تخصص که ازآن دفاع می‌کنند تناقض آشکار دارد، بهمین جهت چون شناختی از ارتش و مسایل درون آن ندارند، با استراتژی و تاکتیک و شیوه های جنگ آشنا نیستند، در امر بسیج و سازمان‌دادن ارتش بصورتی که بتواند در صحنه کارآیی جدی از خود نشان دهد، موفقیتی چندان بدست نمی‌آورند، لذا در چند مرحله از عملیات بزرگ این ضعف و ناتوانی خود را بروز می‌دهد. بعلاوه با تبلیغات و تلقینات و حرف‌ها و کرده‌ها، تضاد سپاه و ارتش‌دامن زده میشود و با تکیه بر امر تخصص، سپاه و نیروهای مردمی منزوی و تاحدودی منفعل می‌گردند. تا امروز که بعد از ناکامی آخرین آزمایش (حملهٔ اخیر) سیاست "سکون" پیش گرفته میشود. زیرا تازه معلوم میشودکه حفظ انسجام در تحرک نیست، که در سکون و توقف است. جریان لیبرالی بعد از آنکه بهره‌برداری سیاسی و تبلیغاتی کافی ـ بهمان شیوه ـ از جنگ کرد واکنون که جبهه از فعالیت افتاده و خوراک تبلیغاتی بدرد بخور ندارد، راهی شهرها شده تا پایگاه خود را با تکیه برمواضع دیگر تبلیغاتی تحکیم و توسعه دهد.

باید دانست که سیاست‌اصلی امریکا در برابر انقلاب و پایگاه توده‌ای آن از اقشار مستضعف این بوده است که اقشار و طبقات مرفه و مستکبر از سرمایه‌دار و فئودال و بورژواهای اداری ونظامی‌وطبقات مرفه‌الحال و متوسط را بسیج نمایدـ کاری که شاه بدلیل سیاست سرکوب و خشن خود از انجام آن عاجز بود و بختیار هم فرصتی کافی برای آن بدست نیاورد (تنها توانست میتینگ امجدیه طرفداران قانون اساسی را از این اقشار برگزار کند). جریان لیبرالی طرح خود را برای بسیج این اقشار بطور دقیق تنظیم کرد و از روشهای بررسی افکار عمومی و سنجش تمایلات و خواستهای مردم که در دفتر رئیس‌جمهور متمرکز است، برای تعیین سیاستهای تبلیغاتی و تکیه ـ کلامها در سخنرانیها و مقالات بخوبی استفاده شد. لازم به توضیح است که حاکمیت سی‌سالهٔ سرمایه‌داری و وابسته به امپریالیزم و اجرای کامل سیاستهای اقتصادی و فرهنگی رژیم سابق موجب رشد کمی، سریع طبقهٔ متوسط و مرفه‌الحال و پای‌بند به فلسفهٔ مصرف و الگوهای فرهنگ غربی گردیده ـ بهمین جهت امپریالیستها می‌دانستند که اگر کسی بتواند این به‌اصطلاح "اکثریت خاموش" را بیدار کند و وارد "صحنه" نماید، بخوبی میتواند در برابر امام بایستد و قدرت را قبضه کند.

شعار 'رفاه، آزادی، پیشرفت'

تنها شعاری که میتوانست این طبقات و اقشار خاموش را بسیج و بصحنه بکشاند، شعار رفاه و آزادی و پیشرفت بود که باب دل همهٔ طبقات و اقشار فوق‌الذکر است و بختیار نیز آنرامطرح ساخت و مقداری هم عمل نمود (ازجمله آزادی احزاب و نشریات تظاهر به انحلال ساواک و...) ماموران دفتر بررسی و پژوهش بدنبال مظاهر مختلف این خواستها در اقشار فوق هستند و نمایندگان این جریان در سخنرانیها و مقالات خود این تمایلات بر انگیزه‌ها را تقویت کردند. این شعارها هنگامی طرح میشود که تهدید امپریالیزم از بین نرفته و با تهاجم عراق تشدید شده است. طرح شعار نان ـ مسکن و آزادی هم در قبال شعار استقلال و مبارزه با شیطان بزرگ از ناحیهٔ گروههای مارکسیستی هم بهمان اندازه انحرافی است که شعار لیبرالها. این شعار توانست بسرعت سرمایه‌داران و فئودالها و مالکان وهمهٔ اقشار مرفه را که منافعشان با ادامهٔ نهضت انقلابی در خطر افتاده بود، جمع کند. سیاست امریکا بعد از آنکه در قبضه‌کردن قدرت از طریق دولت و ارگانهای حاکم توسط لیبرالها شکست خورد، بر این قرار گرفت که با تکیه بـــه دموکراسی و رای اکثریت در مجلس موسان و سپس خبرگان و قانون اساسی، راه را برای پیروزی بعدی لیبرالها باز نگاهدارد، زیرا بر آنان مسلم بود که "آن اکثریت خاموش" وقتی بصحنه بیایند، رای خود را به نمایندگان لیبرال خواهند داد. بهمین دلیل همهٔ کسانی که روی اصل مراجعه به آراء اکثریت، در شرایط تاریخی کنونی پای فشردند، دانسته یا ندانسته به این هدف خدمت کردند.

آثار و عوارض جنگ ومحاصرهٔ اقتصادی و اصولا" مشکلات ناشی از انقلاب برای اقشار و طبقات مرفه قابل تحمل نبود، بهاضافه هر انقلابی بویژه اگر فاقد رهبری تشکیلاتی و کادرهای تربیت‌شدهٔ مکتبی باشد، ضعفها و انحرافات زیادی از خود بروز می‌دهد.

جریانات سازشکار با انگشت گذاشتن و بزرگ‌کردن این ضعف‌ها، چند کار انجام دادند: اولا: دشمن و تضاد اصلی را پشت پردهٔ فراموشی بردند و اهمیت آنرا ناچیز جلوه دادند، ثانیا: اقشار و طبقاتی که از اقدامات نهادهای انقلابی علیه مقامات رژیم سابق، ساواکیها و تصفیهٔ عناصر وابسته و مصادرهٔ اموال سرمایه‌داران و فئودالها ناراضی بودند، جذب خود کردند، ثالثا: افراد و اقشاری از مردم که صادقانه از ضعفهای موجود رنج میبردند بخود جلب نمودند و در همانحال خود را وارث خون شهدای ۱۷ شهریور معرفی کردند و بقول امام کسانی که سهمی و حضور در مبارزه خونین و مقاومت دلیرانهٔ خلق نداشتند و آسوده در خانه‌های امن خارج از کشور بر بالشهای نرم تکیه زده بودند، اکنون میوه‌چین انقلاب شده، حتی حاضر نشدند سهمی ناچیز به صاحبان باغ و وارثین واقعی خون شهدا که خلق و توده های مستضعف باشند، بدهند.

در بهشت زهرا خود را ادامه‌دهندهٔ راه طالقانی و در حسینیهٔ ارشاد دنبال ـ کننده راه شریعتی و در میدان آزادی، مبشر آزادی و استقلال خوانده، مردم را بصحنه فراخواندند. کدام مردم؟ مسلما" منظور توده‌ها نبودند، که آنان خیلی پیش از ورود آنان در صحنه بودند و آن روزها هم یا در جبهه می‌جنگیدند و یا در پشت جبهه تدارک وسیله و غذا و سلاح برای رزمندگان می‌کردند. پس چه کسانی را به صحنه فراخواندند؟ "اکثریت خاموشی!" را که نه در سنگر نبرد با امپریالیزم، نه در پشت جبهه تدارک وسایل نبرد و حمایت از رزمندگان، بلکه در خانه‌های گرم، منتظر پناهگاه و رهبر هم‌شانی بودند که آنانرا برای بازگشت دوران رفاه‌وپیشرفت‌اقتصادی و "آزادی" به صحنه فراخواند.

نمایندگان و سرکردگان لیبرال برای جلب حداکثر اقشار و طبقات جامعه ونیروها و شخصیت‌ها، از ارائهٔ شعارها میان گفته های متناقض دریغ نکردند، با هر کس مطابق سلیقه‌اش رفتار کردند، مثلا" هنگامی که کار بدست بودند، با شوراها مخالفت نمودند، ولی بعد برای جلب توده‌های حاضر در میدان از آن دفاع کردند، وقتی کار بدستشان بود، با گروگان گیری مخالفت کردند و برای آزادی‌گروگانها همه‌نوع تلاش آشکار و پنهان انجام دادند ولی‌حالا آزادی‌گروگانهارا سازش‌میخوانند. یکروز از مالکیت کارگر بر کارخانه و دهقان بر زمین صحبت کردند و امروز از تقدس مالکیت و آزادی فعالیت اقتصادی و داشتن سرمایه حرف میزنند. روزی که مسئولیت داشتند، چارهٔ بیکاری و گرانی و کمبود کالا را نتوانستند و ندانستند، امروز مسئولان را در چاره‌جویی مشکلات فوق ضعیف و نالایق می‌خوانند.

احرازمقام رهبری

اگر قانون اساسی به دلخواه لیبرالها منظم و تصویب شده بود، نیازی نبود که برای رسیدن به مقام رهبری و ولایت با جناح رقیب به مبارزه ونزاع برخیزند، اما اکنون موانعی بزرگ در راه قبضه‌کردن قدرت وجود دارد و لذا باید بطریقی زمینه برای وصول به این مقام مساعد شود و یکی از آنها استفاده از آراء و حمایت اکثریت برای رسیدن بمقام رهبری جامعه است. برای تحقق این منظور شرایطی باید جمع شود و طرفداران و حامیانی ـ آن شرایط که برطبق اظهارات خودشان، همه در اوج و کمال و جمع‌اند و کم و کسری وجود ندارد از علم دین و دانش دنیا و سیاست تا تقوی و زهد و کیاست و... مانده است حمایت و رای اکثریت از مردم و فقها ـ لذا همراه با بسیج نیروهای خاموش و جلب اقشار جدا شده از جناح رقیب، به جلب روحانیون و فقها می‌پردازند. چند دسته از این قشر بخوبی جذب میشوند، اول: مرتجعین و قشریون و مخالفان شناخته شدهٔ خط امام مخالفان اصلاحات ارضی و تعدیل ثروت و هر تغییر انقلابی و طرفدار جدائی دین از سیاست، دوم: روحانیون مرفه و صاحبان مستغلات و اراضی، سوم: آزادیخواهان و افراد مستقلی که از جناح مقابل میبرند و قابل جذب هستند.

گروههای انقلابی!!

چون سیاست این جریان برای داشتن آراء اکثریت بر جلب همهٔ مخالفان خط امام از هر نوع و ماهیت متکی است، پس جای شگفتی نیست اگر مثلا" سازمان مجاهدین را کـــه روزی التـــقاطی خوانده و حتی صالح برای شرکت در جبههٔ اسلامی ندانسته است، به دوستی و اتحاد بپذیرد و حزب دموکرات را که بخشی از آن وابسته به بعث عراق و بخشی به صهیونیسم و جیره‌خوار نانو و کوس رسوایی و سازشکاری آن در همه‌جا و بویژه در میان خلق کرد زده شده است پس از آنکه روزی دستور سرکوب و نابودی آنانرا صادر کرد، امروز به همراهی و همگامی دعوت کند. بر این جریانات باید گروههای مائوئیست و چپ‌های امریکائی و مشابه آنها را به اعضای این جبههٔ متحد علاوه کرد.

سرنوشت جنگ

با تقویت این جبههٔ متحد در داخل کشور و حمایت اقشاری از مردم از آن، امکان حاکمیت بلامنازع آنرا درآینده خبر میدهد، سیاست امپریالیست‌ها و متحدین آن در منطقه، طبیعتا" باید فرق کند. زیرا هم‌چنان‌که در اخبار هم آمده بود، اگر این اطمینان خاطر برای دول مرتجع منطقه فراهم آید که زمامداران ایران در پی صدور انقلاب خود نیستند و تصور دارند بعد از این عاقلانه! عمل نمایند، حاضر هستند با پادرمیانی زمینه‌های مصالحه و ترک مخاصمه طرفین جنگ را فراهم آورند و طبق این طرح‌که ضمن کنفرانس طائف پی‌ریزی شد، بدین نحو عمل خواهد کرد که ابتدا گروهی از کشورهای اسلامی با طرفیـــن جنـــگ مذاکره کرده و آنگاه پس از رسیدگی به گفته‌ها و دعاوی طرفین شرایط صلح را برقرار خواهند کرد و خود بعنوان ناظر و مجری طرح صلح باقی خواهند ماند. در این طرح عربستان سعودی نقش حساسی را ایفا خواهد نمود و باقبول‌حداقل پرداخت مقداری از خسارات جنگی طرفین، پدر ـ بزرگی خود را در منطقه تثبیت خواهدکرد. سفر آقاشاهی (عنصری که معلوم نیست با اتصال بکدام شبکهٔ جهانی پس از این‌همه تغییر و تحولات در شکل حکومت پاکستان همچنان بر مصدر حکومت باقی است!) و ملاقاتش با دولتمردان کشور در حالی که موضع حمایت ازایران را داشت ـ سفر چند تن از سازشکاران به امریکاو اروپا، و انتخاب چند کشور اسلامی در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد برای مذاکره با طرفین جنگـ ایران و عراق ـ همگی تمهیدات صلحی است که قرار است با پادرمیانی پدر بزرگ منطقه! و ایادی و وابستگان دیگر امپریالیسم در جنگ ایران و عراق صورت بگیرد.

ما همچنان که از ابتدا هشدار دادیم، تنها نبرد درازمدت توده‌ای میتوانست و میتواند سرنوشت جنگ را تغییر دهد و اکنون نیز تنها مفـــری که میتواند بنفع انقلاب سمت پیداکند، جنگ درازمدتی است که با شرکت توده‌های مردم و مبارزان صادق و جان‌برکف صورت بگیرد، چنین جنگی میباید تا آنجا که دشمن راازسرزمین اشغالی بیرون رانده و ضعف و زبونی آنرا به اثبات رساند، ادامه یابد، وآنگاه است که میتوان از موضع قدرت طرح متارکهٔ جنگ را بر دشمن تحمیل کرد و پیروزی انقلاب را در منطقه تثبیت کرده و پوزهٔ امپریالیسم و ایادیش را در منطقه بخاک مالیده، هر شیوهٔ دیگری که ما را مجبور بترک مخاصمه از موضع ضعف بنماید خواه‌ناخواه موافق میل امپریالیسم و مخالف مصالح انقلاب خواهد بود.

نقش امام در ...

بقیه‌ازصفحه۲

وابسته انجام گرفت، بلافاصله دستور مقاومت مسلحانه داده شد و هیچ‌نوع سازش و مماشاتی مورد قبول قرار نگرفت.

به اعتقاد ما همهٔ‌کسانی که در راستای مبارزه با امپریالیسم خود را پیرو خط‌امام می‌دانند باید مبارزه درازمدت مکتبی و قهرآمیز با دشمن را به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بپذیرند. میگوئیم این مبارزه محتوای مکتبی دارد، اگرچه در وهله اول صرفا" متوجه منافع و پایگاههای امپریالیسم‌است. زیرا معتقدیم که‌پیشتازاین‌مبارزه خواه‌ناخواه توده‌های مسلمان و انقلابی خواهند بود و در نتیجه ایدئولوژی این توده‌ها که اسلام است، راهنمای عمل و حاکم خواهد گردید. بر اساس این قانون ـ مندی است که امام در این مرحله از مبارزه ازهمهٔ اقشار و نیروهای مردمی صرفنظر از عقیده و مسلک درخواست میکنند که در جبههٔ خلق قرار گیرند و همراه با توده‌ها حرکت کنند. این وحدت برخلاف نظر افرادی نزدیک‌بین و ظاهربین بهیچوجه بمعنای نفی مبارزهٔ مکتبی نیست، بلکه تنها با این نوع وحدت تعالی‌بخش است که مکتب تحقق می‌یابد و دشمن منزوی‌میشود. اگر اصالت باحق است، اگر اصالت با قدرت توده‌هاست، و اگر توده‌ها پیشتاز مبارزه باشند و نمایندگان واقعی توده‌ها در راس جنبش قرار گیرند، وحدت همهٔ نیروهای خلقی، وحدتی است تعالی‌بخش که به حاکمیت‌ایدئولوژی برتر و متعلق به توده‌ها، یعنی اسلام منجر خواهد شد. چنانکه در مبارزه با شاه و مرحلهٔ ضد ـ استبدادی انقلاب، وحدت همهٔ نیروهای خلقی صرفنظر از مسلک و مذهب و ایدئولوژی ـ چون پیشتازی آن با توده‌ها بود ـ لذا ایدئولوژی برتر توده‌ها که اسلام بود، حاکم گردید و انقلاب، اسلامی شد.

بقیه‌درصفحه۵

متوقف شدن بند "ج" واوج گیری توطئه فئودالها

پس از توقف بند "ج"، ناحیه‌ای که از مدتها پیش انتظار آن میرفت، درروستاهای سراسر کشور بوقوع پیوست. و یورش تیاحمی فئودالها و ایادی مسلح آنها به روستائیان و هیئت‌های هفت‌نفره، در پی یافتن فرصت جدیدی که اینبار مسئولان برای آنها ایجاد کرده بودند، آغاز شد. اگر تا قبل از توقف آشکار این طرح کم و بیش از جانب مرتجعین و مسئولان سازشکار و بتوصیه‌های مکرر مراجع وابسته‌کرا، توطئه‌های پراکندهٔ فئودالها در اقصی نقاط کشور، فاجعه می‌آفرید، پس از جلوگیری از اجرای بند "ج"، با اتکا و اطمینان بیشتری به اعمال توطئه‌آمیز خویش آنهم از موضع حق ـ طلبانه! پرداخته و وقایع دردآور و درگیریهای متعدد روستائیان با فئودالها و خوانین و ایادی مسلح آنها، بطور روز ـ افزون ادامه یافته، استثمار روستائیان از جانب فئودالها همچنان در روستاها جریان دارد. در ادامهٔ این اعمال جنایتکارانه فئودالها که در روستاهائی به شهادت روستائیان با اعضای هیئت‌های هفت‌نفره نیز منجر شده است، در هفته‌های گذشته در بجنورد، در اثر توطئه‌های فئودالهای منطقه، نمایندهٔروستائیان منطقه، اسدالله مکری تانزدیک‌مرگ‌پیش‌رفته وخوشبختانه با پی‌گیری سریع اعضای خانوادهٔ او، از مرگ نجات یافته است.

او که نمایندهٔ مردم منطقه در هیئت هفت‌نفرهٔ منطقهٔ بجنورد است، بواسطهٔ درگیریهای متعددی که با فئودال معروف فتح‌اله شادلو داشته است، در یکی از شبها توسط ایادی وی ربوده شده و در یکی از باغها بدار آویخته میشود. پی‌گیری‌خانواده او سبب نجات‌او از مرگ شده و وی را به بیمارستان انتقال میدهند. پس از شکست توطئهٔ کثیف و خائنانهٔ فئودالها و بدنبال اعتراض و شکایتهای مکرر مردم محروم منطقه، سه تن از عوامل اصلی ماجرا که فئودال منطقهٔ شادلو نیز جزوآنان بوده، توسط دادسرای انقلاب بجنورد دستگیر میشوند.

متاسفانه پس از مراجعات نمایندگان روستاهای بجنورد که باتفاق یکی از اعضای هیئت به‌تهران‌رفته‌بودند، تاجهت‌پی‌گیری مساله اقداماتی نمایند ـ که متاسفانه از جانب‌مقامات‌عالی قضائی نیز با بی‌توجهی روبرو شده‌اند ـ با آزادی فئودالها از طرف دادسرای انقلاب به این دلیل که آنها سوگند خورده‌اند!!. روبرو میشوند. دست‌های مکار فئودالها در دست ایادی خونخوارسان و مجریان آلت دست آنها در ادارات و فرمانداری و سایر نهادهای دولتی منطقه، بار دیگر موفق به جلوگیری از اجرای عدالت و تحقق خواسته‌های بحق روستائیان گردید. نقش معاون فرمانداری حسینی و همکاری او با فئودالها و باباگاهی که در ادارات دارند، بدون تردید در آزاد سازی فئودالها نقش حساس داشته است.

هرچند مردم روستا با اتکاء به نیروی خویش و با اعتقاد به حقانیت خود و حمایت امام و آیت‌الله‌منتظری و آیت‌الله مشکینی‌ازبند "ج" به اعتراضات و شکایات خود ادامه میدهند، اما مطمئنا" با اوج ـ گیری توطئه‌های فئودالها و با مهر تائیدی که مسئولان با عدم اتخاذ مواضع قاطع در این مورد بر اعمال فئودالها میزنند، نطفه های سرکوب روستائیان محروم درمناطق مختلف کشور بسته خواهد شد و مجددا" روابط سلطه واستثمار و غارت و اثرات فاجعه‌آمیز فقر و درماندگی درمحیط روستاها برقرار خواهد شد.

بدون شک ادامهٔ توطئه‌های فئودالها و همکاری عملی مسئولان و عدم اقدام عملی و فوری و توجه به خواست برحق روستائیان از یکطرف منجر به از دست دادن تدریجی این پایگاه عظیم توده‌ای انقلاب، یعنی دهقانان و روستائیان محروم و زحمتکش شده، و از سوی دیگر اختناق و سرکوب و استثمار خوانین را بر روستاها حکمفرما می‌گرداند. یادآوری این نکات بخصوص به مجلس که قرار است روی قانون واگذاری زمین تصمیم‌گیری‌کنند، از اهمیت ویژه برخوردار است. بدون شک جریانات لیبرال و سازشکار و مرتجع در این نهاد به جلوگیری از تصویب این طرح مبادرت خواهند کرد. عدم تسلیم در مقابل این جریانات و تنها منافع مستضعفین ودهقانان رامد نظرداشتن، ازوظایف اصلی نمایندگان مجلس بوده، تصویب این قانون، تحولی اساسی در کشاورزی خانگزیدهٔ روستاهای ما خواهد شد.

ضمن تاکید مجدد بر نیاز فوری اقدام قاطع و فوری از جانب مسئولان، از برادران هیئت‌های هفت‌نفره و روستائیان محروم و دردمند و محترم میخواهیم به مقاومت خود در برابر توطئه‌های فئودالها ادامه داده و با وجود دستهای کثیفی که عمل میکنند، با اتکاء به نیروی خویش همچنان به مبارزه با آنها و تقسیم زمین فئودالها ادامه دهند که زمین تنها متعلق به آنهائیست که بر روی آن کار می‌کنند.

***

باتقویت وگسترش صنایع کوچک ازجمله ریخته‌گری درجهت قطع وابستگی گام برداریم

هنوز هم در اختیار سرمایه‌داران وابسته، قرار دارد. امید است مسئولین امور با توجه به اهمیت مسئله در جهت تقویت این نوع صنایع کوشا بوده و از تجارب و کمکهای کارگران معتقد به انقلاب و علاقمند به استقلال کشور استفاده شکل کارگران در شوراها، و توزیع مواد اولیه بدست خود آنها، میتواند از اولین راه حلهای مشکل فوق باشد. گزارش زیر از یکی از کارگاههای ریخته‌گری تبریز تهیه است.

این ریخته‌گری از نوع چدن ریزی در این کارگاه ۳ نفر کار میکنند که دونفرشان باهم شریکندو نفر سوم کارگر جوانی است با ۲۲ سال سن.

کارگاههای مذکور در حال حاضر با کمبود مواد اولیه چون بونه و خاک نسوز روبرو هستند که متاسفانه توزیع این مواد هنوز هم در اختیار سرمایه‌داران وابسته قرار دارد.

از تولیدات این کارگاه میتوان از پمپ آب و رنده و لنت نام برد که در صورت وجود قالب قادر به ساختن انواع قطعات چدنی می‌باشند. صاحبان کارگاه با ۳۵ ـ ۴۰ سال سن در حدود ۲۰ سال سابقهٔ کار در ریخته‌گری دارند. در این‌کارگاه‌چدنهای کهنه و قطعات چدنی از کار افتاده با وسایل دستی از جمله پتک خرد می‌شوند و در بونه قرار گرفته، ذوب میگردند. قالبهای قطعات ازماسهٔ ریز ساخته میشوند که یکی از کارگران مسئول ساختن قالب می‌باشد و دیگری مسئول ذوب. کارگاه در روز حدود ۲۰۰ کیلو قطعه تولید میکند که در صورت افزایش تقاضا امکان ازدیاد دارد

از جمله مشکلات برادران کارگرتهیهٔ بونه‌چدن، خاک‌نسوز و خاک بونه است یکی از برادران به نام محمد میگفت قبلا تهیهٔ بونه و چدن خیلی ساده بود و ارزان بو نه دانه‌ای در حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان براحتی در دسترس قرار می‌گرفت، ولی حالا با حدود ۱۵۰۰ تومان بالارفته،و تهیهٔ آنهم مشکل شده است. محمد میگفت بعد از انقلاب چون تهیهٔ بونه مشکل شد، من اقدام به ساختن بونه کردم و با حدودی هم موفق شدم، ولی بعلت عدم همکاری مهندسین ریخته‌گری ماشین‌سازی تبریز و عدم دسترسی به خاک بونه و خاک نسوز، باندازهٔ کافی نتوانستم به نتیجهٔ مطلوبی برسم. وی اظهار می‌داشت: حتی‌به دانشگاه تهران هم نامه نوشتم که جنس‌بونه و ترکیب آنرا برای ما روشن کنندولی تابحال جوابی داده نشده است. اما بازهم به فعالیت خود ادامه میدهم و تابحال ۴ تا ۵ هزار تومان هم در اینراه خرج کرده‌ام، اما احتیاج مبرمی به خاک‌بونه دارم (خاک بونه ماده‌ای شبیه ریزه‌های آهن و برنج آهن که به بدنهٔ بونه مالیده میشودتا در مقابل درجهٔ حرارت بیشتر مقاوم باشدو بصورت سهمیه در اختیار ریخته‌گرهاگذاشته میشود) وی در ادامهٔ سخنانش‌به‌کمی‌درآمد بعد از انقلاب اشاره کردو گفت باتوجه به بالا رفتن قیمت چدن و بونه و دیگر وسائل و ابزار و ثابت ماندن قیمت قطعات ریخته شده، عملا درآمد ما پایین رفته است و تقاضا هم کمتر شده است. برادر دیگر مرتضی از عدم اتحاد بین ریخته‌گران می گفت که ما باهم اتحاد نداریم‌تابتوانیم وسایل مورد نیازمان از جمله بونه را ساده و ارزان تهیه کنیم. وی‌میگفت با اتحادمان میتوانیم ازدست واسطه‌ها راحت بشویم و از بالا رفتن قیمت وسائل هم جلوگیری‌کنیم این برادر اضافه کرد که قیمت قطعاتی که ما تولید می‌کنیم کمتر از قیمت تمام شده، همان قطعه در کارخانهٔ ماشین‌سازی می‌باشد

بلوچستان رادریابیم

بقیه‌ازصفحه۱

حتی از وقوع آن در بعضی‌نقاط نیزبی‌اطلاع بوده‌اند.

فقر عمیق و احتیاج به‌تامین نیازمندیها از یکطرف و نبودن کار و فراهم نبودن زمینه‌های اشتغال و بکارگیری اهالی، سبب گردیده بود تا بسیاری از جوانان بلوچ برای گذران زندگی به شیخ‌نشینهای عربی نظیر ابوظبی و دبی مسافرت کنند. عدم برنیاوردن خواسته‌های حداقل مردم محروم سبب گردیده است تا آنان رژیم‌ودولت‌های روی‌کار آمدهٔ بعد از انقلاب را با رژیم شاه مخلوع مقایسه کرده و به رخداد این واقعه مهم که می‌توانسته دگرگونی اساسی در اوضاع نابسامانشان پدید آورد، اهمیتی و ارزشی ندهند.

فئودالها، خان‌ها و سردارها که در زمان رژیم سابق دارای پستهائی مانند وکالت در مجلس و نظایر آن بودند، در زمان انقلاب فرار کردند، اما پس از مدت کوتاهی بازگشتند که بازگشتشان در برخی موارد با استقبال مسئولین مواجه شده و با تحویل اسلحه‌به‌آنان، خواستارآن گردیدند تا حفظ نظم و امنیت منطقه را بعهده گیرند حتی پس از وقوع جنگ تحمیلی نیز با گذاردن امکانات در اختیار آنان، امر بسیج و مسلح کردن عشایر منطقه را نیز به آنان سپرده‌اند!

باتوجه‌به تکیه‌برقدرت‌خانها وفئودالها (سردارها) در منطقه و عدم به حساب آوردن توده‌ها و برنداشتن موانع، جهت رفع مشکلات آنان، جو برای فعالیت گروه های ضدانقلاب نیز خودبخود فراهم آورده شد که با تبلیغات و ایجاد جو توانسته‌اند بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان را نیز به سوی خود بکشانند.

عده‌ای از مولوی‌ها "روحانیون" مرتجع که همواره توجیه‌کننده استثمار اعمال‌شده از طرف خوانین بوده‌اند، پس از انقلاب از جانب مسئولین حقوق و مستمری دریافت می‌کنند، در حالیکه در ارتباط کامل با خانهای منطقه قرار دارند. از طرف دیگر افراد ژاندارمری نیز همچون سابق متحد خانها بوده و همکاری‌های نزدیک! میان فئودالها (سردارها) و پاسگاهها دیده میشود.

مبارزهٔ قاطعانه با فئودالیسم در منطقه فراهم کردن امکانات اشتغال‌بکار برای اهالی، کمک به کشاورزان و گذاشتن زمین و وسایل لازم در اختیار آنان، کوتاه‌کردن دست بازاریان و واسطه‌های سودجو که اغلب غیربومی بوده وزمینه‌های نارضائی بوجود آورده‌اند، احقاق حقوق مذهبی ـ سیاسی به مردم منطقه و جلوگیری از هرگونه تبلیغ علیه اعتقادات مردم، دخالت دادن مردم در سرنوشت و امور مربوط به خویش از طریق سپردن مسئولیتها به خود مردم و قراردادن افراد بومی در پستهائی نظیر بخشداری و شهرداری وغیره...، برطرف نمودن سریع احتیاجات غذائی

بویژه آنکه هنوز در بعضی نقاط منطقه، کوپن سهمیه نیز توزیع نگردیده است، برگزاری انتخابات واقعی در شهرهائی که هنوز نماینده‌ای در مجلس ندارند، فراهم نمودن امکانات بهداشتی که در حدی نزدیک به صفر است، طرد و کنار گذاردن مولوی‌های مرتجع و وابسته به خوانین، حذف کامل عملکردهای انحصارطلبانه و ارتجاعی از قبیل دستگیری دانش‌آموزان در مدارس و اقداماتی از این دست، تا موجب فراهم کردن زمینه‌های اغتشاش بیش از این نگردد و... از حداقل اقداماتی است که در مقطع کنونی، با انجام‌آن میتوان احتمال آشوب و اغتشاش را در این منطقه کاهش داد، بخصوص با توجه به آنکه ارتباطاتی میان خانها باعوامل خارجی شنیده شده و از رفت‌وآمدهای خان‌ها به پاکستان و شیخ‌نشینها نیز صحبت میشود و نشانه‌هائی از ورود اسلحه به منطقه و تجهیز و مسلح‌کردن عوامل فئودالها هم مشاهده میگردد، رسیدگی فوری وانقلابی به وضع بلوچستان ضرورت تام دارد چرا که در شرایط زمانی‌حاضر با توجه به زمینهٔ آماده برای اغتشاش که از نارضائی‌های موجود و اعمال فئودالها و وابستگان در منطقه سرچشمه می‌گیرد، احتمال میرود که این نقطه ازکشور نیز به آشوب کشیده شود. با در نظر گرفتن این نکته که تضادها و کشمکش‌های درون‌خلقی و سرگرم‌شدن‌نیروها در جبههٔ داخلی چیزی است که‌امپریالیسم و مرتجعین منطقه‌همواره مترصد و خواهان آن بوده‌اند. و چنانکه در اخبارنیز آمده بود، ارتجاع منطقه در صدد ایجاد آشوب در منطقه بود، ولی گویا بنا بملاحظاتی که باکستان گوشزد کرده و خطراتی که از این طریق ممکن است گریبان آن کشور و دیگر کشورهای منطقه را بگیرد وامکان نفوذ شوروی و... باعث گردیده تا در ظاهر فعلا" آن طرح اجرا نشود، ولی خبرهائی نیز حاکی از آن است که مدنی و اویسی در منطقه آمده و با برخی سردارها و خانها تماس گرفته و رفته‌اند، پیش از آن هم اطلاعاتی مبنی بر تعلیم عده‌ای از بلوچها توسط رژیم بعثی عراق وجود داشت و همگی اینها با توجه به طرح‌های امپریالیسم مبنی بر ایجاد آشوب‌های منطقه‌ای و استفاده و بهره‌برداری از آن برای بزانو درآوردن حکومت‌های مخالف امپریالیسم، طبیعتا" چه جنگ تمام شود و چه ادامه یابد، بلوچستان با زمینه‌هائی که ذکر شد و هنوز بهمان قوت باقی است بلکه هر روز شدیدتر هم میشود، میتواند برای بهره‌برداری امپریالیسم و ایادیش موقعیت مناسبی برای تشدیدبخشیدن به بحران داخلی باشد.

مسئولین کشور وظیفه دارند با توجه به خطراتی که ذکر شد، هرچه سریعتر در صدد ریشه‌کن کردن علل اساسی بوده و اطمینان داشته باشند اگر با علل اساسی با روش و بینش انقلابی مبتنی به مکتب مواجهه شود، ریشه‌های خطر خشکانده خواهد شد و آرزوی امپریالیسم و ایادیش بگور خواهد رفت. بلوچستان منطقه‌ای است که تضاد عمیق آن از نظر امکانات و وسایل باردیگر استانهای کشور قابل توصیف نیست و این امری است که هرچه سریعتر اگر به آن رسیدگی نشود، افسوس و دریغ نتیجه‌ای نخواهد داشت.

برگزاری سالگرد پیروزی انقلاب در کارخانه شیشه و گاز

بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب اسلامی ایران، مجلس جشنی با شرکت عدهٔ کثیری از برادران کارگر در کارخانهٔ شیشه و گاز از طرف شورای اسلامی کارگران برگزار گردید که برادر دکترحبیب‌ـ الله پیمان نیز در این مجلس شرکت‌کرد. در ابتدای برنامه پس از قرائت قرآن و اجرای یک سرود، یکی از برادران کارگر قسمتی از فعالیت‌های شورا را در طول دو سال گذشته شرح‌داد، وی در قسمتی از سخنان خود گفت، علیرغم کارشکنی‌ها و سنگ‌اندازیهائی که در آغاز میشد، این شورا توانست به کار خود ادامه دهد و حقوق کارگران را بازپس گرفته و با راه ـ اندازی کارخانه و تهیهٔ مواد اولیه، شیشهٔ مورد نیاز هموطنان ایرانی را تامین کند. هم‌چنین این برادر از انتخاب وزیر کار جدید اظهار خوشنودی کرده و ایشان را دریچهٔ امیدی برای بهبود وضع شوراهای اسلامی دانستند.

سپس برادر پیمان سخنرانی کرده و ضمن تبریک دومین سالگرد انقلاب به کارگران و امام و امت قهرمان ایران، گفت: در زمان شاه رژیم سعی میکرد تا با دادن اجازه به تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری مبارزات کارگران را در یک کانال مشخص هدایت کرده و خواست‌های صنفی آنها در درگیریهای با کارفرما و وزارت کار و غیره حل و فصل شود و از اینکه کارگران به ریشهٔ اصلی مشکلات توجه کنند، جلوگیری شود و در تمام این مدت نیز کارگران به حق واقعی خود نمی‌رسیدند زیراسیستم سرمایه‌داری حاکم بر ایران با رژیم شاه پیوند خورده بود و در نتیجه ریشهٔ تمام مشکلات کارگران مسکن ـ قوانین و سرمایه‌داران و غیره همه مربوط به رژیم میشد و لزوم مبارزه با خود رژیم را پدید می‌آورد و وجود رژیم شاه بعنوان مانع اصلی در راه رسیدن کارگران به دستاورد ـ هایشان محسوب میشد.

وی در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: حالا نیز سرنوشت شما و ما پیوند مستقیم با سرنوشت انقلاب دارد، حالا نیز هنگامی خواست واقعی کارگران برآورده میشود که ما در مبارزه با امپریالیسم پیروز شویم، اکنون نیز خواستهای کارگران در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته برآورده میشود. ایشان ضمن برشمردن توطئه‌های امپریالیسم از آغازتاکنون‌گفتند:

امپریالیسم سعی دارد با تضعیف روحیه مردم و بسیج متحدان خویش در داخل و تحمیل جنگ و امید بستن به خط سازشکاری در ایران و ناامید کردن توده‌ها و از صحنه خارج کردن آنها، انقلاب را به شکست کشانیده و یا سازش را به آن تحمیل کند. در پایان برادر پیمان به سوالات کارگران پاسخ داد.

در قسمت دیگر برنامه، تئاتری با نام شیطان بزرگ برگزار گردید که نقش سازش ـ کاران وتوطئه‌های امپریالیسم رابرای‌کارگران تشریح میکرد که مورد استقبال کارگران واقع شد.

بسیج دهقانان برای اجرای بند "ج" ضروری است

در هر مقطعی از یک انقلاب و حرکت اجتماعی، اقدام به انجام عملی که در آن مقطع به تعمیق و تسریع حرکت کمک می‌نماید، ضرورت می‌یابد.

اجرای بند "ج" از طرح اصلاحات ارضی با وجود تمام موانع موجود بر سر راه آن، در مقطع حاضر بسیار ضروری و حیاتی است، چرا که از یکطرف با توجه به شرایط جنگی، بحران اقتصادی، کمبود قابل توجه بعضی از محصولات و از بین رفتن محصولات و قابل کشت نبودن زمینهای مناطق جنگی بویژه خوزستان، بلااستفاده ماندن برخی از زمینها در بعضی نقاط کشور، و از جانب دیگر برای جلب حمایت دهقانان محروم و فعال نمودن آنان در صفوف انقلاب، فراهم آوردن زمینه‌های کار برای آنان، رسیدن به مرحلهٔ خودکفائی کشاورزی که از آغاز مورد نظر بود و نهایتا" برچیدن زمینداری بزرگ و محو مناسبات ظالمانه ناشی از آن و رساندن دهقانان به محصول کار خویش، این اقدام، اساسی بنظرمیرسد.

این ضرورت وبرخوردقاطع، بامرتجعین مخالف آن بارها تذکر داده شده است، اما تاکنون این طرح با بهانه‌هائی از قبیل: شرایط جنگی، پائین آمدن سطح تولید و... متوقف و بلااجرا مانده و به بوتهٔ تعویق افکنده شده است.

بطور مشخص، عمده‌ترین نیروئی که از ابتدا در راه تحقق اجرای بند "ج" به صورت عملی، صادقانه تلاش نموده است، افراد تشکیل دهندهٔ هیئت‌های ۷نفرهٔ تقسیم زمین بوده‌اند که اقدامات صادقانهٔ آنان چنانچه با ارائهٔ آمار و ارقام از زمینهای مصادره‌شده و دیگر اقدامات آنان در این زمینه مورد ارزیابی قرار گیرد، با توجه به کارشکنی‌های مستمر، بسیاربراهمیت می‌نماید، که در بعضی نقاط از حمایت عناصر صادق سپاه و جهاد نیز برخوردار گردیده‌اند. تلاشهای مداوم این برادران و خواهران بخاطر ایجاد جو ازطرف نیروهای مخالف‌طرح، ونیزعدم تبلیغات‌کافی‌ازجانب خود آنان، تاکنون سبب گردیده است که اقدامات مؤثر آنان که در جهت کلی بنفع حرکت انقلابی بوده‌است، ناگفته و ناشناخته بماند. این امکان موجود بود تا هیئت‌های تقسیم زمین بیش از این با انتشار بولتن و جزوات و نیز با استفاده از وسایل موجود از قبیل رادیو تلویزیون (علیرغم آنکه در آنجا هم جریاناتی از حمایت از طرح تقسیم اراضی ممانعت بعمل می‌آورند) و مطبوعات اهداف مردمی طرح وکارهای انجام‌شده را به اطلاع توده‌ها رسانده تا از طریق جلب حمایت توده‌ای، با مرتجعین و حامیان فئودالیسم مقابله شود.

حمایت‌های آیت‌الله منتظری و مشکینی در موارد متعدد ازتقسیم اراضی نیز قابل توجه است که در این رابطه مواضع صریح آیت‌الله مشکینی در حمایت از طرح براهمیت می‌نماید. ایشان بر این اعتقادند که پس از اتمام جنگ و بوجود آمدن جوی آرامتر، بند "ج" به اجرا افتد. همچنین در قسمتی از اطهاراتشان مذکر گردیده‌اند. کسانی که زمینهایشان در خطر بود و با توسط هیئت هفت‌نفری گرفته شده بود، فتوای این آقایان را برداشتند و الم‌شنگه درست کردند، در همه‌جا فریاد وااسلاما سردادند و گفتند اسلام دارد از بین میرود و کمونیستی می‌آید".

و آیت‌الله منتظری نیز صریحا"زمینهای شهری راکه مسبوق به احیاء نباشند، در مالکیت دولت معرفی کردند.

هنگامیکه در آغاز سال جاری طرح تقسیم اراضی بتصویب رسید وهیئت‌های هفت‌نفره تشکیل و شروع به فعالیت در این زمینه نمودند، فئودالها و ایادی و برخی آیات عظام و روحانیون مرتجع و سایر نیروهای حامی فئودالیسم، فعالانه و متحد بمبارزه با آن برخاسته و عملا" و قلما" از هیچ کوششی در راه جلوگیری از تقسیم زمین میان دهقانان محروم و زحمتکش فروگذار ننموده و با صدور فتاوی مرتجعانه، خواستار توقف آن گردیدند که در این میان زدن برچسب کمونیستی! بر آن بعنوان عمده‌ترین حربه به کار گرفته شد.

کارشکنی‌های متعدد و پی‌گیرانهٔ آیات عظام چون‌قمی، شیرازی، مرعشی، گلپایگانی و سفارشات آنان در حمایت از فئودالها و خوانین و فرامین آنان نسبت به‌بازگرداندن اموالشان! اقدامات فعالانهٔ بخشی از مدرسین حوزهٔ علمیه قم و ضدیت مشخص آنان با محرومترین طبقات، و ممانعت‌های فقهای نگهبان قانون اساسی و وزیر کشور مهدوی کنی عضو پیشین شورای نگهبان و... با اجرای طرح، اقداماتی از این دست‌میباشد، این جبهه خواه‌ناخواه همگام با فئودالها و عوامل مسلح و مزدورشان چونان سدی سدید در مقابل اجرای بند "ج" قد علم کرده‌اند.

> *اگر به نظرگاههای آیت‌الله منتظری و مشکینی در امر تقسیم زمین و مالکیت عمل شود، تسلط خانمان‌برانداز خوانین و مباشرین آنها از سر روستائیان سلب شده و فقه انقلابی و حقانیت مکتب بعنوان حامی محرومین اثر خود را نه‌تنها در ایران، بلکه در منطقه و ممالک مسلمان‌نشین دیگر و گیتی خواهد گذاشت.*

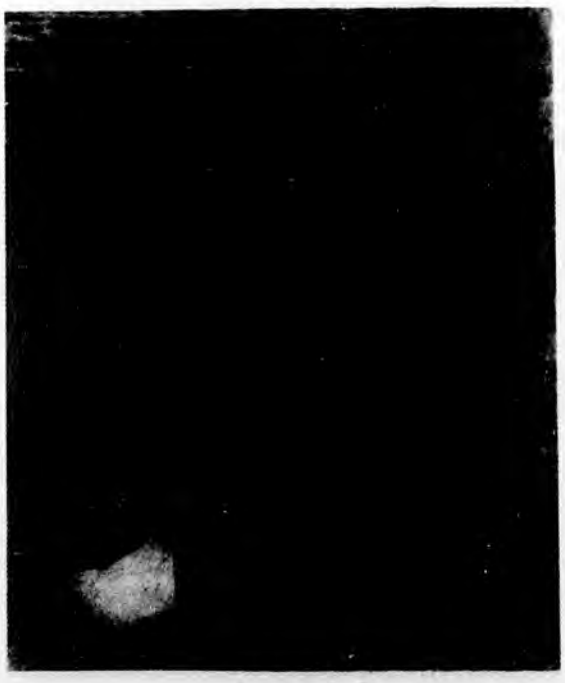

> *علیرغم مشکلات ناشی از کمبود امکانات ضروری، تاکنون بیش از ۸۵۰،۰۰۰ هکتار از اراضی جهت کشت سال جاری توسط هیئت‌های موجود به کشاورزان واجد شرایط سراسر کشور واگذار شده است.*

عده‌ای از عناصر این جبهه جه با ملاقاتهای حضوری و با باارسال نامه‌های فراوان از جانب فئودالها به امام، مجدانه به تلاش افتاده‌اند. "شرایط جنگی"! و "جلوگیری از بارشدن جبههٔ مخالف"! که تشکیل‌دهندگانش "فئودالها و حامیان آنانند"! سبب گردیده است تا طرح با رکود و توقف کامل روبرو گردد.

بی‌شک با توجه به این مرحله از انقلاب، ادامهٔ توقف طرح، ضرباتی چند وارد آورده و چه بلحاظ اوضاع سیاسی انقلاب و چه از نظر اقتصادی اثراتی بدنبال خواهد داشت، در صورتیکه توقف طرح‌ادامه یابد، سبب خواهد شد تا حاکمیت این جریان ارتجاعی مخالف طرح، جرات ابراز وجود و رشد پیدا کرده و هر آنجا که طرحی بنفع خط انقلاب و مغایر با منافع و ماهیت وایسگرایانهٔ آنان مطرح شود، مخالفت ورزند و باعث میشود همواره توجیه و تفسیر و نظر حضرات موثر واقع شود، همچنان که این موضوع در رابطه با شورای نگهبان قابل پیش‌بینی است.

از طرف دیگر با به اجرا نیافتادن طرح اعتماد توده‌های محروم دهقان از انقلاب و دست‌آوردها سلب گردیده و به سردی می‌گراید و از جانب دیگر سبب تضعیف نهادهای انقلابی همچون هیئت‌های زمین و انفعال و سرخوردگی آنان میگردد. همچنین فئودالها با توجه به حمایتهای مرتجعین بی‌پرواتر به استثمار دهقانان پرداخته و از این پس سرسختانه به دفاع از "حقوق قانونی!" خود می‌پردازند. با توجه به اینکه مسالهٔ تقسیم اراضی از بدو انقلاب همواره حساس ـ برانگیز و مساله‌ساز بوده است، سبب خواهد شد تا جریانات ضدانقلاب فعال شده و بهانه‌ای جهت تحریک بدست‌آورند. تثبیت و باقی‌نگهداشتن مناسبات ظالمانه و استثماری، عدم رسیدن به خودکفائی کشاورزی، بیکاری روستائیان و هجوم آنان به سوی شهرها جهت یافتن کار، کناره‌گیری تدریجی دهقانان مؤمن به انقلاب از صفوف جنبش، بازگشت فرهنگ ارباب و رعیتی و خدشه‌دار نمودن اصول صریح مکتب در این خصوص از دیگر عواقب و پی‌ـ آمدهای توقف طرح تقسیم‌اراضی خواهد بود.

بی‌شک خود دهقانان ستمدیده با توجه به نقش حساسشان در مقطع کنونی و باری که در تامین تولیدات بدوش می‌کشند، و با درنظر گرفتن کمیت قابل توجه آنان، میتوانند بعنوان مهمترین نیروی حمایت ـ کننده، اجرای تقسیم اراضی قلمداد شده و میباید که از طرق گوناگون قاطعانه علیه جبههٔ متحد فئودالیسم، ارتجاع و سازش ـ کاران به مقابله برخاسته و حق طبیعی و منطقی خود را طلب کنند.

تقسیم عادلانهٔ زمین. واگذاری ابزار تولید، بذر و کود و دیگر امکانات لازم، از وظایفی بود که انقلاب در قبال این طبقه محروم بعهده داشت، حال که این امکانات و اقدامات بطور اساسی وهمه‌جانبه بعمل نیامده است، دلیلی موجود نیست تا دهقانان از حقوق طبیعی خویش صرفنظر کرده و چشم‌پوشی نمایند که در این رابطه بسیج و یکپارچگی و اتفاق‌نظر دهقانان بروی مسالهٔ تقسیم زمین قطعا" میتواند مؤثر و کارساز واقع شود. بار دیگر بر این ضرورت حساس تاکید می‌شود که بازوان زحمتکش انقلاب با باجرا درآمدن طرح بعنوان نیروئی عمده و قابل حساب در حمایت از جنبش انقلابی درخواهند آمد، علیرغم آنکه هنوز نیز با توجه به محقق نشدن خواسته‌های حداقلشان از صفوف انقلاب خارج نشده‌اند.

هیات‌های هفت‌نفره زمین وجودشان و حضورشان در روستا نه‌تنها در جهت تقسیم زمین تاکنون دستآوردهائی داشته‌است، بلکه حضورشان موجب شد تا نور امیدی در دل روستائیان دمیده شود و از فشار و اختناق فئودالها کاسته گردد.

علیرغم مشکلات ناشی‌ازکمبودامکانات ضروری، تاکنون بیش از ۸۵۰،۰۰۰ هکتار از اراضی جهت کشت سال‌جاری توسط هیات های موجود به کشاورزان واجد شرایط سراسر کشور واگذار شده است. و به منظور احیاء و بهره‌وری از زمینهای واگذارشده، ۴۰ میلیارد ریال بودجه بمنظورپرداخت‌وامهای طویل‌المدت‌به‌کشاورزان‌داده‌شده‌است وبرای جلوگیری از کاهش تولید و سهولت امر و پیشگیری از قطعه‌قطعه شدن زمین‌های واگذاری، بصورت دسته‌جمعی و مشاع انجام می‌گیرد و این خوددر بالا بردن روحیهٔ تعاونی و اخوت و برادری سهمی اساسی دارد.

تبدیل ۱۵۰،۰۰۰ هکتار از اراضی موات به کشتزارهای جو و گندم و... به کمک واحدهای تولید مشاع عامل موثری در پای‌بند شدن روستائیان به محیط روستا بوده است. هرچند فئودالها برای تامین منافع خود در امر کشت اخلال کنند، اما هوشیاری هیات‌های هفت‌نفره و روستائیان، جلوی توطئهٔ آنها را تاکنون گرفته است. اگر به نظرگاههای اقتصادی آیت‌الله ـ منتظری و مشکینی در امر تقسیم زمین و مالکیت عمل شود، تسلط خانمان برانداز خوانین و مباشرین آنها از سر روستائیان سلب شده و فقه انقلابی و حقانیت مکتب بعنوان حامی محرومین نتیجهٔ خود را نه ـ تنها در ایران، بلکه در منطقه وممالک

> *با باجرا نیافتادن طرح، اعتماد توده‌های محروم دهقان از انقلاب و دستآوردها سلب گردیده و به سردی می‌گراید و از جانب دیگر سبب تضعیف نهادهای انقلابی همچون هیئت‌های زمین و انفعال و سرخوردگی آنان می‌گردد. همچنین فئودالها با توجه به حمایتهای مرتجعین بی‌پرواتر به استثمار دهقانان می‌پردازند.*

مسلمان‌نشین دیگر و گیتی خواهد گذاشت.

هیات‌های هفت‌نفرهٔ تقسیم زمین و نیروهای انقلابی و مؤمن در دیگر نهادها و گروهها وظیفه دارند با بسیج دهقانان برای تقسیم زمین و به اجرا درآمدن بند "ج" از هر طریق ممکن‌اقدام کنند. اگر فئودالها و خوانین و حامیان آنان برای امیال پست و غیرانسانی خود فعالیت میکنند، آیا نبایستی نیروهای انقلابی در امر بسیج دهقانان برای اجرای بند "ج" تلاش‌کنند؟ عدم توجه به این امر ضروری در این مرحله حساس خطرات جبران‌ناپذیر را گریبانگیر کشور وانقلاب خواهد ساخت.

اگر روستائیان برای اجرای بند "ج" بسیج شوند و بامراجعهٔ مکرر به مراکز مسئول و شکوائیه بدفتر امام از بتعویق افتادن بند "ج" و اعزام نماینده و ارسال نامه و اعلام از طریق مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی و دیگرطرق ممکن اقدام ورزند تلاش فئودالها و حامیانشان عقیم مانده و زمین‌ها تقسیم خواهد شد و روستائیان، این توده‌های عظیم میلیونی و زحمتکش، به پشتیبانان دائمی انقلاب تبدیل شده و پشتوانهٔ بسیج توده‌ای آنرا همواره فراهم خواهند ساخت.

حمایت از تقسیم زمین و اجرای بند "ج" اینک بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد.

نقش امام در ....

بقیه‌ازصفحه۳

درمرحلهٔ مبارزه‌ضدامپریالیستی هم اگر چنانکه امام خواسته‌اند وحدت جبهه خلق در مبارزه علیه دشمن اصلی تامین شود و اگر پیشتاز مبارزه، توده‌ها باشند و رهبری جنبش با کسانی باشد که صلاحیت اینکار را داشته باشند، بدون تردید جنبش با محتوای مکتبی ادامه یافته، وحدت خلق در زیر حاکمیت اسلام تحقق خواهد یافت.

بر این اساس هرنوع مرزبندی غیر اصولی در جبههٔ خلق که صف متحد ملت را علیه امپریالیسم متفرق سازد، بر خط امام منطبق نیست. بلکه صف‌بندی دوستان و دشمنان خلق باید در این مرحله با معیار مشی درازمدت مبارزه با امپریالیسم انجام گیرد. با این معیار حتی میتوان مسلمان راستین را از مسلمانان منحرف و رهبران و زمامداران صالح را از غیرصالح تشخیص داد. اگر شخصی یا نیروئی مسلمان از راستای مبارزهٔ ضدامپریالیستی خلق منحرف و یا در مقابل آن قرار گیرد، در خط مکتب قرار ندارد. با این‌معیار دشمنان انقلاب را در خارجو داخل میتوان تعیین کرد:

در خارج جبههٔ کفر را با سه چهرهٔ برجستهٔ آن می‌شناسیم: اول ـ امپریالیسم جهانی‌بسرکردگی‌امریکا، دوم ـ صهیونیسم و سوم ـ ارتجاع منطقه. هم‌اکنون این سه عامل که منافعی پیوسته و مشترک دارند، دست بدست هم علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند و با تهاجم نظامی و سیاسی و تبلیغاتی می‌کوشند آنرا سرکوب و بسازش و تسلیم وادارند. این چیزی است که در پیام ۲۲ بهمن امام هم مورد تاکید بود.

در داخل، جبههٔ ضدانقلاب را در وهله اول اقشار و طبقات سرمایه‌دار، مالک و مرفه‌الحال تشکیل می‌دهند که اکنون در پناه جریانات سازشکار و مرتجع و گروههای ضدانقلاب به میدان آمده، حضور فعال پیدا کرده‌اند و جبهه‌ای گسترده در داخل بوجود آورده‌اند. حاکمیت سی‌سالهٔ امپریالیسم و رژیم وابسته بدان موجب رشد کمی فوق‌العاده این اقشار شده است. بدیهی است که‌اگر انقلاب در راستای مبارزهٔ ضدامپریالیستی و خط تعیین‌شده از جانب امام با قاطعیت پیش میرفت، این اقشار و نیروها فرصت تشکل پیدا نمی‌کردند. از همین‌جا به ضعف اساسی انقلاب پی می‌بریم، ضعفی که تا جبران و رفع نشود، تداوم جنبش و آیندهٔ انقلاب تضمین نخواهد شد و آن فقدان یک قدرت و تشکیلات انقلابی ـ مکتبی در راس قدرت است. به‌اعتقادما فعالیت‌مجدد ضدانقلاب و تشکل جبههٔ سازشکاری و تنگ‌تر شدن حلقهٔ محاصره و فشار دشمن و نزدیک‌شدن خطر سازش و افزایش تعداد توطئه‌ها و تشدید تضادهای داخلی چه در میان مردم و چه بین جناحهای هیات حاکمه، همه را نباید به عامل خارجی یعنی اقدامات و تحریکات دشمن نسبت داد. دشمن فراهم ـ کنندهٔ شرط و زمینهٔ انحراف است، علت اصلی را باید در داخل یعنی در کیفیت دستگاه رهبری کشور جستجو کرد. ضعفی که امام هر بار و از جمله در پیام ۲۲ بهمن با صراحت یکبار دیگر روی آن انگشت گذاشتند. حرف ما اینست که تجربه نشان داده است برای رفع این ضعف و تناقض بین آنچه باید بشود و آنچه عملا" انجام می‌گیرد، تنهاتذکار و نصیحت کافی نیست امام به‌کرات از دولتمردان، از سران حزب

بقیه‌درصفحه۱۶

بقیه از صفحه ۱

مباحث ایدئولوژیک ۳۹
دکتر حبیب الله دیمان

مقوله‌های اساسی مکتب

این ادعا میخواهند بگویند که ما چیزی از دیالکتیک ماتریالیستی را با چیزهائی از اسلام تلفیق داده و مکتبی التقاطی بنام اسلام معرفی می‌کنیم. بحث درباره التقاط وافکار و اندیشه‌های التقاطی در اسلام، در گذشته و حال را به فرصت دیگری موکول می‌کنیم، لکن بر افراد مطلع و آگاه از تعالیم و فلسفهٔ اسلامی پوشیده نیست که مبحث تضاد سابقه‌ای بسیار کهن‌تر از زمان پیدایش ماتریالیسم دیالکتیک در قرن اخیر دارد و پیش از آنکه اندیشه‌ای برخاسته از تفکرات مادی‌گرائی فلسفی باشد، توسط فیلسوفان الهی و ایده‌آلیست مطرح گردیده در فرهنگ اسلامی تضاد دقیقاً" با همین اصطلاح و مفاهیمی مشابه هم ابتدا در نهج ـ البلاغه بکار رفته و چنانکه دیدیم امام علی‌بن ابیطالب در خطبه‌های پرمغز و عمق خود دربارهٔ توحید و تبیین جهان هستی، تضاد بین امور را بعنوان یک واقعیت مسلم طرح می‌کنند و از "اضدادالمتعادیه" و "تضاد بین امور" سخن به‌میان می‌آورند. در این لحظه کار نداریم که هر یک از فلاسفه و یا ائمه ازاصطلاح تضاد چه مفهوم و برداشتی را در نظر داشته‌اند، فرهنگ قرآن و نهج‌البلاغه و دیگر متون مذهبی از ائمهٔ شیعه، آکنده از این مفهوم در پدیده های جهان خلقت و بویژه در انسان، جامعه و تاریخ است و اگر می‌بینیم این مفهوم بهمان دقت و تفصیلی که‌درباره انسان و تاریخ بکار رفته درباره سایر پدیده های طبیعی توضیح داده نشده است، دلیلش اینستکه رسالت انبیاء و کتب الهی و امامان تعلیم قوانین طبیعی نبوده، بلکه هدایت انسان و جامعه در طریق صواب و تکامل است، لذا در درجه اول به بحث و توضیح مسائل‌انسانی و اجتماعی پرداخته ـ اند. گذشته از قرآن و نهج‌البلاغه، فیلسوف بزرگ صدرالمتالهین، بطور مشخص‌تری قاعدهٔ تضاد رابمیان کشیده است و آنرا بستر حرکت و فیضان خلقت و امر از جانب خدا معرفی نموده است، بنابراین اعتقاد به اصل تضاد در عالم پدیده‌ها بهیچوجه امری تازه نبوده و از خارج وارد فلسفه و مباحث اسلامی نشده است و کسانی که ما را به فقط جرم باور داشتن به این اصل اصیل اسلامی و توحیدی، التقاطی می‌نامند یا از این حقایق بکلی بی‌اطلاعند یا مغرض.

اما نکتهٔ دیگری در این میان هست که بعضی تضاد را می‌پذیرند ولی نه در درون اشیاء بلکه بین اشیاء و پدیده‌ها و اعتقاد به تضاد درونی را با توحید متناقض می‌دانند و بر این اساس ما را به التقاطی ـ گری متهم می‌کنند. این دسته مدعی‌اند که تضاد امری خارجی است، در جوهر پدیده ـ ها تضادی وجود ندارد، تضاد از خارج عارض بر پدیده میشود، تضاد در شکل و صورت است نه در محتوا و جوهر شئ. این مساله‌ایست‌که در مباحث گذشته بدان پرداختیم. همینقدر اضافه کنیم که این برداشت بهیچوجه از متن تعالیم اصیل اسلامی بدست نیامده، بلکه متاثر از تعالیم فلاسفهٔ یونان، بویژه ارسطو و دیگرفلاسفهٔ ایده‌آلیست میباشد. این افراد توجه ندارند که با انکار تضاد در درون پدیده و قبول آن در خارج، جهان پدیده‌ها را به دو قسمت تقسیم کرده و بر هر قسمت، قانون و اصلی را حاکم کرده‌اند. یعنی به دو جهان و دو قلمرو در پدیده‌ها قائل شده‌اند که در یک قلمرو تضاد را راهی نیست و در یک قلمرو تضاد وجود دارد. بتصور آنان اگر در جائی اصل تضاد حاکم باشد، توحید بمعنای حاکمیت الله نفی شده است، بهمین جهت بعضی سرسختانه در برابر این واقعیت مقاومت نشان می‌دهند و چون نمی‌توانند در عالم واقع بکلی منکر وجود اضداد بشوند، برای حل مشکل خود یعنی قبول تضاد بصورتی که انکار خدا و توحید نشده باشد، جهان را به دو قلمرو با دو منطق و دو قانون تجزیه می‌نمایند. در صورتیکه اینکارخودنقض ـ کنندهٔ توحید و حاکمیت مطلق و تامه خدا بر همهٔ امور است. درحقیقت باید گفت که این طرز فکر و یا برداشت التقاطی است زیرا زیر تاثیر افکار غیراسلامی قرار دارد و با توحید ناب و خالص قرآن مغایر است.

باعتقاد ما یکی از مفاهیم اصیل توحید آنستکه جهان پدیده‌ها زیر سیطرهٔ یک قانون و یک منطق است زیرا همه از یک ارادهٔ واحد ناشی شده‌اند. تفاوت دو نوع برداشت فوق، یکی قبول تضاد به عنوان اصل و قاعدهٔ عام یا بستر مشترک حرکت در درون و برون هر پدیده، و دیگری اعتقاد به تضاد به عنوان امری خارجی، نتایج عملی بسیار متفاوتی در قلمرو مسایل فردی و اجتماعی به‌دنبال دارد و نباید به عنوان اینکه اختلافات کلمی و نظری صرف هستند، به آسانی از آن گذشت. برای مثال یادآور می‌شویم، کسانی که آزادی ملت‌ایران از قید استبداد داخلی را وابسته به تضاد بین قدرتهای‌استعمارگرمی‌دانستند در ریشهٔ تفکرشان منکر تضاد در درون پدیده‌ها هستند. این اشخاص همیشه چشم به خارج می‌دوختند و می‌دوزند. تبیین آنان از نهضت مشروطیت آن بود که تضاد بین روس و انگلیس سبب ظهور جنبش مشروطه‌خواهی شد والا تضادی بین مردم محروم و ستمدیدهٔ ایران و حکام مستبد وجود نداشت. یعنی تضاد درونی را منکراند. هم‌اینها در تبیین نهضت ملی ایران و قیام مردم برای ملی‌کردن نفت باز هم به تضاد بین انگلیس وامریکا اصالت بخشیدند و بالاخره انقلاب اسلامی ایران را نیز زائیدهٔ تضاد بین امپریالیستها و حقوق بشر کارتر قلمداد می‌کنند.

اکنون نیز این اشخاص آزادی و استقلال ایران را می‌خواهند در تضاد بین قدرتهای اروپائی و امریکائی حل کنند و بهیچوجه به عوامل و تضادهای درونی جامعه اهمیت و اصالت نمی‌دهند.

نتیجهٔ دیگر این تفکر یعنی انکار تضاد درونی، سازشکاری با طبقات مستکبر، سرمایه‌دار و استثمارگر در درون جامعه است اینگونه افراد و جریانات یعنی کسانی که منکر درونی بودن و عام بودن اصل تضاد در پدیده‌ها هستند، به نفی کامل طبقات پای‌بند نیستند، چنانچه ارسطو هم بنا بر زیربنای فکری خود، به طبقات اصالت می‌داد و ضرورت وجود آنهارا تائید و تضادی بین برده و برده‌دار نمی‌دید، بلکه این تقسیم‌بندی طبقاتی را بعنوان یک تقسیم کار طبیعی در کل جهان تلقی می‌کرد، همچنانکه دست‌کارش بلند کردن اشیاء و کلنگ‌زدن واره‌کردن است و مغز ـ کارش فکر کردن. و بین دست و مغز و قلب تضادی وجود ندارد. در جامعه هم وظیفهٔ بردگان کار یدی کردن، شخم زدن و تولید اقتصادی است و کار اربابان فکر کردن و رهبری و اداره جامعه و تولید فکری‌میباشد. در تفکر ارسطوئی طبقات جامعه بر مبنای تقسیم کار و وظایف بوجود آمده‌اند، آنان قادر به درک تضاد ماهیتی ناشی از رابطهٔ استثماری بین ارباب و رعیت و کارگر و سرمایه‌دار نیستند. نادیده‌گرفتن تضاد در درون اشیاء و پدیده‌ها نه‌تنها به انکار تضاد طبقات استثمارکننده و استثمارشونده و سازشکاری با طبقات منحر میشود، که بالمآل به سازشکاری با قدرتهای‌امپریالیستی هم می‌انجامد. چنانکه ما در شیوه‌های سیاسی اشخاص و یا جریاناتی که منکر درونی بودن تضاد، یا بکلی منکر اصل تضاداند، روحیهٔ سازشکاری را به عیان می‌بینیم. ناپی‌گیری و تزلزلی که در مبارزه با امپریالیسم و دشمنان خلق از فئودال و سرمایه‌دار تا ساواکی و ضدانقلاب از خود نشان می‌دهند. ریشه در تفکر ارسطوئی آنان دارد. این نرمش و سازشکاری و تزلزل و ناپی‌گیری را با شیوهٔ انبیاء و ائمه مقایسه کنید، و ملاحظه کنید که آنان چگونه سرسخت و آشتی‌ناپذیر با مستکبرین نبرد کردند و هرگز حاضر به مماشات و سازش با آنان نشدند. نفی درونی بودن تضاد علاوه بر آثار سوء اجتماعی و تشویق و تائید سازشکاری و همزیستی با طبقات استثمارگر و با قدرتهای استعماری، آثار منفی در تربیت فردی و خودسازی هم دارد. انکار اصل تضاد در عمل به انکار تضاد درونی بین شیطان نفس و روح الهی میشود و شخص بجای مبارزه قاطع و پی‌گیر علیه هواهای نفسانی و تمایلات شیطانی، سعی در سازش با آنها می‌نماید، همیشه می‌کوشد بین خواستهای متعالی روح و ضمیر انسانی و تمایلات سرکش نفس‌آشتی برقرار کند. به‌اصطلاح هم خدا و هم خرما را داشته باشد. این سازشکاری مانع از حذف خصلتهای غیرتوحیدی شده، شخص را متظاهر و ریاکار، منافق و متلون بار می‌آورد. برتمایلات نفس لباس تقوی و زهد و مبارزه و مردم‌خواهی می‌پوشاند. استکبار را در پوستین حق‌خواهی پنهان می‌کند و نفع‌طلبی، خودخواهی و پی‌گیری امیال و خواستهای پست و سلطه‌جویانه را توجیه شرعی می‌نماید. نفوذ تفکر ارسطوئی در بینش مسلمانان سبب بروز رفتاروخصلتهایی شده است که برآنان عادی و اسلامی ولیکن با معیارهای یک‌مؤمن واقعی فرسنگها فاصله داشته ودرتضادمیباشد. تفکرارسطوئی سبب شده است که مسلمانان بین دنیا و آخرت تمایز قائل شوند، کار دنیا را برای دنیا و آخرت را برای آخرت بخواهند، تصور کنند هر عملی جایگاه و آثار مخدود به خود دارد. میتوانی همه‌سال رباخواری، دزدی تجاوز، استثمار و دروغگویی کنی و در روز عاشورا هم آش و پلو نذری خیرات کنی و پای برهنه برای صواب در عزاداری شرکت جوئی. میلیونها از راه ربا و غارت‌خلق‌الله و استثمار و دزدی به جیب بزنی و در نهایت امر با دادن سهم امام و صدقه و خیرات، بهشت را هم داشته‌باشی. اینگونه بین دنیا و آخرت ـ گناه و ثواب ـ سازش برقرار می‌شود. اگر قرار باشد درباره آثار نفوذ این تفکرات غیرتوحیدی در اندیشه و رفتار مامسلمانان و حتی متفکرین و محققین مسلمان صحبت شود، صفحات زیادی را باید بدان اختصاص داد.

اگر بین عمل واعتقاد رابطهٔ قائل هستیم، بایدبین‌علت‌رفتارغیراسلامی‌خود و زمینه‌های اعتقادیمان رابطهٔ جستجو کنیم و با تصحیح زیربنای فکری، مکتب اصیل توحیدی را راهنمای عمل‌قراردهیم. چه بسیار جوانان پرشور و صادقی که با تمام قوا و علاقهٔ وافر تصمیم به خودسازی و مبارزهٔ اجتماعی علیه ظلم و انحراف داشته‌اند، اما تدریجاً" تحت تاثیر زیربنای فکری نادرست (رسوخ تفکرات التقاطی ارسطوئی) از قاطعیت و پی‌گیری افتاده و

> حد بسیار جوانان پرشور و صادقی که با تمام توا و علاقهٔ وافر تصمیم به خودسازی و مبارزهٔ اجتماعی علیه ظلم و انحراف داشته‌اند، اما تدریجاً" تحت تاثیر زیربنای فکری نادرست (رسوخ تفکرات التقاطی ارسطوئی) از قاطعیت و پی‌گیری افتاده، و زهد سیر و با زهد سارس، و تهاجم را با انروا و احتیاط تعویض کرده‌اند.

انزوا و احتیاط تعویض کرده‌اند، به بعضی رویه‌کاریها و تغییرات و اصلاحات سطحی و در شکل قناعت کرده، بیش از آنچه به ماهیت و درون خویش توجه داشته باشند، ظواهر اعمال و رفتار خود را با شرع منطبق ساخته و بجای استقامت در تغییر بنیادهای جامعه و دگرگون کردن ماهیت روابط، تن به رفرم و اصلاح‌طلبی داده‌اند. بویژه در پنجسال گذشته، که مجدداً" تفکرات و منطق ارسطوئی بطور واکنشی اعتبار و اهمیت پیدا کرد و منطق مزبور به‌اشکال مختلف در پوشش اندیشه‌های اسلامی به خورد جوانان داده شد، ما شاهد افول تدریجی و گهگاه سریع روح مبارزه‌جوئی و استقامت در این‌قشرمیباشیم با استفاده از جو و زمینهٔ روانی مساعدی که بعد از انحراف ایدئولوژیک در سازمان مجاهدین پدیدار شد، نویسندگانی وارد میدان شدند و بینشهای التقاطی (و بیشتر ارسطوئی) را در قالب مفاهیم اسلامی در خلاء ذهنی جوانان جای دادند، با وجود تفاوتهائی که در شکل بین آنان وجود دارد همگی از همین آبشخور فکری سیراب می‌شوند. نویسندگان مزبور متاثر از منطق و تفکر ارسطوئی، وحدت جهان پدیده‌ها را برهم زدند و ماده و معنا، دنیا و آخرت، عین و ذهن، جوهر و عرض، شکل و محتوا دین و علم، هست‌ها و بایدها، واقعیت‌ها و ارزش‌ها، مذهب و سیاست، طبیعت و ماوراء طبیعت را بکلی از هم جدا نمودند. در هر زمینه به دو منطق و دو قلمرو مستقل از هم قائل شدند و نیز تضاد رامنکر شدند و آنرا خارجی و عارضی قلمداد کردند و بالاخره انکار سنت‌ها و قوانین اجتماعی و تاریخی کردند.

اکنون بتاسفانه این نوع برداشتها و تفکرات غیراسلامی، به دلایل اجتماعی و سیاسی و بنای مبانی [illegible] در سرنوشتی [illegible] جوانان و در جامعه مقبولیت و حتی مشروعیت پیدا کرده‌اند، اگرچه به مناسبت و بطور پراکنده، بی‌پایگی و بیگانگی این تفکرات را با تفکر اصیل توحیدی نشان داده‌ایم، اما با توجه به خطرات و زیانهای سنگینی که رواج و حاکمیت این منطق و رسوخ آن در منطق و تفکر اسلامی برای مسلمانان و جامعهٔ اسلامی و انقلاب و نهضتهای فکری و سیاسی و اجتماعی اسلامی دارد، آن کارها در حکم صفراند. لازم است‌وجدان روشنفکران و محققین و متفکران مسلمان و پیشروان نهضتهای توحیدی را به آثار سوء یک‌چنین تفکرات التقاطی جلب کنیم. همه وظیفه دارند که در بازکردن و افشای مبانی غیراسلامی این برداشتها و نشان‌دادن آثار سوء آن در سرنوشت انقلاب فکری و سیاسی اسلامی نهایت تلاش را بعمل آورند.

ادامه‌دارد

> یک نتیجهٔ انکار تضاد درونی، سازشکاری با طبقات مستکبر، سرمایه‌دار و استثمارگر در درون جامعه است. اینگونه افراد و جریانات، یعنی کسانی که منکر درونی‌بودن و عام بودن اصل تضاد در پدیده‌ها هستند، به نفی کامل طبقات پای‌بند نیستند، چنانچه ارسطو هم بنا بر زیربنای فکری خود، به طبقات اصالت می‌داد و ضرورت وجود آنها را تائید می‌کرد.

معرفی کتابهای منتشره از سوی جنبش مسلمانان مبارز در دومین سال انقلاب (۲)

* رسالت دانشجو و دانشگاه

سالها فشار و خفقان و دیکتاتوری نظام شاهنشاهی نتوانسته بود مبارزات خلق رنجدیده و محروم ما را به سازش و سکوت بکشاند. در طول این سالها جنبش‌دانشجوئی بعنوان تجلی و تبلور مبارزه‌خلق‌قهرمانمان همچون آذرخشی روشنگر راه پرنشیب و فراز پیکار توده‌ها علیه نظام کفر شاهی و اربابان امپریالیستش بود و دانشگاه را میدان سنگر مقاومت و مبارزه‌علیه‌خودکامگی های رژیم پهلوی دانست. قرار گرفتن در این موقعیت خاص اجتماعی،عاملی بود که باعث میشد توده‌های تحت ستم همواره به دانشگاه بعنوان پایگاه مبارزه و انقلاب چشم داشته باشند.

کتاب رسالت دانشجو و دانشگاه‌تبیینی است از مسئولیت و رسالتی که قرار گرفتن در این جایگاه خاص اجتماعی بعهدهٔ دانشجو و دانشگاه می‌گذارد. این کتاب که مدون شدهٔ یک سخنرانی است، بوسیله دانشجویان هوادار ج. م. م دانشگاهها و مدارس عالی کشور انتشار یافته است.

* ترازنامهٔ یکسالهٔ انقلاب

این کتاب شامل یک سخنرانی‌است که به مناسبت دومین سالگرد پیروزی مرحله‌ای انقلاب ایراد شده است. در این سخنرانی سعی برآن بوده که با مروری بر سیر حرکت یکسالهٔ انقلاب، نقاط قوت و ضعف آن مورد ارزیابی قرار گیرد و با ذکر کمبودها و نقصهای حرکت انقلابی ـ اسلامی، تحلیلی از گذشته و آیندهٔ انقلاب با توجه به واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر آن ارائه گردد. کتاب توسط هواداران جنبش مسلمانان مبارز شیراز منتشر شده است.

* سیاست و مکتب در اوضاع جاری انقلاب ایران

پیچیدگی شرایط اجتماعی و مسئولیت ادامهٔ مبارزه تا نفی هرگونه ستم و ظلم، و برقراری جامعهٔ توحیدی، بار سنگینی بر دوش مبارزان مسلمانی می‌نهد که اتخاذ روش‌های سیاسی را در چارچوب و تنگاتنگ با ایدئولوژی و مکتب دیده، و مبارزه را بر اساس اصول مکتب بعمل می‌آورند.

شناخت قانونمندیهای حاکم بر حرکت اجتماعی ـ سیاسی، اتکاء بر اصول مکتب و داشتن بینش تاریخی از جمله عواملی هستند که یک مبارز مکتبی را در شرایط پیچیدهٔ زمان خود به مثابه چراغی در دل تاریک شب، برای شکافتن ظلمت و ادامه راه یاری می‌دهند.

کتاب "سیاست و مکتب" در بر گیرنده یک سخنرانی است که در مورد رابطهٔ تنگاتنگ ایدئولوژی و استراتژی به بحث نشسته و سپس به بررسی مرحلهٔ حساسی که انقلاب اسلامی ایران در آن بسر میبرد، پرداخته و نقش روشنفکران متعهد و مسئول را برای تداوم انقلاب و جهت‌گیری صحیح در مقابل آن یادآور گردیده است.

* به امداد مجروحین بشتابیم

با شروع جنگ تحمیلی امریکا و عراق به ایران و شرکت فعال بسیاری از مردم در جبهه‌ها در ابتدای جنگ وهمچنین بمباران شهرها و روستاها و خانه‌های مردم توسط توپخانه‌های عراق که باعث مجروح و شهید شدن بسیاری از آنان می‌گشت، لزوم فراگیری اصول اولیه امداد برای کمک به مجروحین جنگ (با حادثه‌های‌مختلف‌دیگر) یکبار دیگر کاملاً" احساس شد. کتاب "امداد مجروحین" که توسط هواداران ج. م. م در اصفهان تدوین شده است، تلاشی برای آموزش کمک‌های اولیه به مردم برای آمادگی در مقابله با پیشامدها و حادثه‌ها، و بکار بردن‌آموزش‌ها در جنگ‌های مردمی و هسته های بسیج ارتش ۲۰ میلیونی میباشد.

* حیله‌های امپریالیسم در سرنگونی آلنده

قرآن و پیامبر اکرم و امامان همواره بر مطالعه در احوال اقوام و ملتها تاکید داشته و عبرت گرفتن از سرگذشت آنان را برای ایفای صحیح مسئولیت اجتماعی لازم شمرده‌اند. شناخت انقلابات و حرکت‌های مردمی و نتایج و سرنوشت آنان و علل شکست و پیروزی نهضت‌های مختلف و نقش وعملکرد نیروهای شیطانی در نابود ساختن نهضت‌ها از جمله مسائلی است که تمامی مبارزان باید از آنها آگاه بوده و در حرکت های خود آنرا مد نظر قرار دهند. کتاب "حیله‌های امپریالیسم در سرنگونی آلنده" ترجمه‌ای است که قبلاً" در "امت" و طی چند شماره بچاپ رسیده بود. این نوشته سعی بر شناخت عملکردها و حیله‌های امپریالیسم امریکا درسرنگونی حکومت مردمی آلنده و روی کار آمدن دیکتاتوری چون پینوشه دارد.

مطالعه و تفحص درشیوه‌های‌امپریالیسم در رابطه با سرنگونی آلنده میتواند بعنوان بار مثبتی از آگاهی، ما را در موضعگیری در قبال انقلاب ایران یاری داده و از هرگونه چپ‌روی و راست‌روی برحذر دارد و انتشار کتاب فوق نیز قدمی است در این راه.

* خودآگاهی، انتقاد ـ انتقاد از خود

درک پیچیدگی درون انسان مطلبی نیست که بتوان با خواندن چندکتاب بدان دست یافت. شناخت مبادی اولیهٔ روانشناسی و علم نفس تا حدودی میتواند انسان را بر معرفت و چگونگی غلبه بر نفس هدایت کند.

کتاب خودآگاهی، انتقاد، انتقاد از خود، با وجود اینکه مباحثش در شرایط اختناق تدوین گشته و از این نظر با مقایسه با شرایط فعلی دارای نواقصی است، اما میتواند بعنوان یکی از کتابهائی که در این زمینه کوشیده گام بردارد مورد استفاده قرار گیرد.

کتاب فوق بوسیلهٔ هواداران جنبش مسلمانان مبارز اصفهان تهیه شده است.

☆ ☆ ☆

انقلاب در آینه زمان

۵۹/۲/۹

قطب‌زاده: تنها از طریق مسالمت آمیز می‌توان مسئله گروگانها را حل کرد و استفاده از زور و فشار به اعتقاد من نتیجه ای دربر ندارد.

قطب‌زاده: عملیات نظامی آمریکا در ایران متاسفانه اثر منفی داشته لیکن ما سعی خواهیم کرد محیطی بوجود آوریم که امکان داشته باشد مسئلهٔ گروگانها را با طریق مسالمت آمیز حل کنیم.

۵۹/۲/۱۰

کارتر: به این نتیجه رسیده بودم که اگر این عملیات با توفیق روبرو شود و حتی بدون موفقیت کامل باشد به ختم این بحران کمک میکند. وی گفت پایان دادن باین بحران، اگر بقیمت جان گروگانها تمام می‌شد، ما بدان اهمیتی نمیدادیم.

حادثه: نمی‌شود معترض مردم شد یا مثلاً بگوئیم این یا پسر شاه رفیق بوده پس مالش را مصادره کنیم یا مسکن و خانه های مردم و باغ و زمین مردم‌را بگیرند برای ضعفا. ضعفا که مال حرام به دردشان نمیخورد میخواهند نماز بخوانند.

۵۹/۲/۱۳

در راهپیمائی کارگران در مقابل جاسوسخانه، آنان خواستار اعلام حالت جنگی با امپریالیسم امریکا شدند.

امام در دیدار با فرماندهان پاسداران ـ شیطانهای داخل را شناسائی و معرفی کنید.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: پانزده سال با امریکا مستقیم می‌جنگیم. ملت ما آماده است و ملت ما از ملتهائی که ۱۵ سال جنگیده اند و به خدا هم اعتقاد نداشتند کمتر نیست.

محافل دیپلماتیک گفته اند ایران از والدهایم رسماً" دعوت کرده است که در یک گردهمائی بین المللی برای بررسی تجاوز آمریکا علیه ایران تشکیل خواهد شد شرکت نماید. دعوت از والدهایم از طریق منصور فرهنگ نماینده ایران در سازمان ملل تسلیم او شده است.

بنی‌صدر در اصفهان گفت: یقین داریم که امروز افراد نیروهای مسلح میدانند که ما بوعده خود عمل میکنیم و با تجدید سازمان ارتش، یک ارتش توانا برای دفاع از همه نهادهای کشور بوجودمی‌آوریم. شما خواهران و برادران مطمئن باشید که بیدار و مراقب هستیم. شما از ارتش جمهوری اسلامی خیانت نخواهید دید.

۵۹/۲/۱۴

سپاه پاسداران خمین و جهاد سازندگی خمین در نامه‌ای به آقای قدوسی نوشتند: دادستان انقلاب خمین چرا هنگام رسیدگی به اتهامات سرمایه داران و فئودالها فرا خوانده شد.

بنی‌صدر در پایان دیدار با امام گفت: شایعات در مورد ارتش را نباید دامن زد. باید اعتماد به استواری ارتش داشت.

۵۹/۲/۱۵

سپاه پاسداران شیراز گفت: احکام دادگاه انقلاب شیراز را اجرا نمی‌کنیم.

۱۶ اردیبهشت ـ بنی صدر، با وجود توطئه های روزافزون امریکا و با توجه باینکه سرمایه داری اروپا تا حدود زیاد وابسته به امریکاست و ما نتوانستیم با اتخاذ سیاستی انقلابی، نیروهای جانبدار استقلال از ابرقدرتها را در اروپا از یاری خود مطمئن و بدینسان تغییرات مطلوبی را در آنسامان ممکن بگردانیم، این خطر وجود دارد که اروپا بدنبال امریکا برود. در این صورت ما باید با مشکلات روزافزون اقتصادی در داخل کشور تنها بمانیم و یا ابرقدرت روسیه و اقمار آن کشور را جانشین غرب کنیم، مصر ناصر باین راه رفت و مصر انورسادات نتیجهٔ قهری این سیاست است.

۵۹/۲/۱۶

میرسلیم: حزب‌الله اکثراً" مردم هستند که بمناسبت شعارهای نامناسب و اهانتی که از سوی گروههای سیاسی به عقاید آنها میشود تحریک شده از خود عکس العمل نشان میدهند.

۵۹/۲/۱۸

مهندس سحابی گفت در بارهٔ بحران کردستان از ۳۶ میلیون ایرانی نظرخواهی میشود.

امام در پیامی به مناسبت دور دوم انتخابات گفتند: احتیار نوشتن رای یا بصندوق انداختنش را به هیچکس ندهید.

۵۹/۲/۲۰

قطب‌زاده با والدهایم وزیر امور خارجه سوئیس ملاقات و گفتگو کرد. وی گفت: سرنوشت گروگانهای امریکائی در دست دولت امریکاست و هر چیزی بستگی به نقش این دولت و رلی که بازی می‌کند دارد.

۵۹/۲/۲۱

حجت‌الاسلام دعائی سرپرست وزارت اطلاعات شد.

منصور فرهنگ در مورد ارتباط با شوروی گفت: ما زیر فشار امریکا داریم به جائی نمی‌رسیده می‌رویم، این موضعی نیست که خود ما انتخاب کرده‌باشیم وی در مورد اسنادی وسیع گفت: اگر درست باشد که او سیا یعنی آشنی جویانه ای راست که رژیم انقلابی ایران توصیه می‌کرده، اسنادی او نوشتی عقب نشینی مستقیمی در سیاست خارجی آمریکاست. وی در مورد اقدامات امریکا گفت: کنترهٔ آمریکاست، آنها میخواهند به تحقیق صادقانه از روابط ایران و امریکا برخیزند و این اقدام نه تنها بحل کشمکش کمک میکند بلکه به مصلحت واقعیت تاریخی و مصالح مردم امریکا هم خواهدبود.

شمس اردکانی سفیر ایران در کویت در مورد تصمیم ایران دایربر خارج کردن نیروهای ایرانی از ظفار که مستقیماً" بعد از پیروزی انقلاب اسلامی‌اتخاذ شد شدیداً" حمله کرد و گفت در همان موقع من به مسئولان وزارت خارجه تاکید کردم که این تصمیم یک خیانت است. و الان هم میگویم آنانکه چنین تصمیمی را گرفته بایددر برابر خلق محاکمه شوند و بگویند که این تصمیم را بنفع چه قدرتی گرفته اند وی‌گفت: این تصمیم عجولانه باعث شد که ما الان به سلطان قابوس امکان دهیم که‌سرزمین خود را علیه انقلاب، وارد کارزار کند اگر ماآن‌تصمیم را نگرفته بودیم و اگر نیروهای خود را هنوز، در آنجا نگهداشته بودیم امروز هرگز قابوس نمیتوانست عمان را وسیله حمله علیه ایران قرار دهد. وی گفت اخراج نیروهای ایرانی‌از ظفار یک توطئه بود علیه ایران و مردم ایران و در خدمت امپریالیزم و منافع امریکا.

بازرگان در نماز جمعه همدان گفت: گروگان گیری اگرچه باعث نشان دادن روح دشمنی ایرانیان و بخصوص دانشجویان با امپریالیزم آمریکا بود، اما بخاطر تبلیغات وسیع در امریکا مبنی براینکه ایرانیان قوانین بین المللی را نقض کرده و دهها مورد دیگر، این گروگانگیری باعث تقویت سازمان جاسوسی سیا که دیگر کاری‌بآن صورت سابق نداشت که انجام دهد، شد و محبوبیت کارتر را چند برابر ساخت.

۵۹/۹/۲۲

استاندار فارس استعفا داد. وی وجود خانها و فئودالها و مخالفت ربانی شیرازی اشاره کرده است.

شون مک برایت دیپلمات ایرلندی و برنده جایزه صلح نوبل مدعی شده است که توافق محرمانه ای برای رهائی گروگانهای امریکائی نزدیک بود در اواخر مارس به نتیجه برسد، بر اثر دیدار محرمانه وزیر خارجه ایران، قطب زاده و هامیلتون جردن دستیار کاخ سفید برهم خورد.

سناتور گاری هارت گفت امیدی ندارد که بنی صدر که مردی معقول است بتواند قدرت کافی برای تثبیت اوضاع بدست آورد و همین مسئله است که‌خبر خوبی برای گروگانهانیست.

هفته‌نامهٔ انگلیسی ساندی تایمز از قول مک برایت گفته است که مک برایت و لئونادر بودین حقوقدان نیویورکی ومشاور بانک مرکزی ایران توانسته بودند با بنی صدر در اینمورد به توافقی برسند. مذاکرات محرمانه مزبور به تائید وانس هم رسیده بود. اما مذاکرات محرمانه قطب‌زاده و جردن آنرا بر هم ریخت. این روزنامه افزوده است قطب زاده و جردن مذاکرات محرمانه خود را جدا از تلاشهای مک برایت بودیس و بنی صدر آغاز کردند و مقامات عالیرتبه در ایران و امریکا در هردو مذاکره آگاه‌بودندوی‌گفت‌معلوم نیست که‌گفتگوگران‌در گروه هر کدام از تلاش دیگری مطلع بوده‌باشد مک برایت گفته است که جردن محفیانه باروپا سفر کرده و حتی موی مصنوعی خاکستری رنگی با عینک دودی بکار برده که شناخته نشود و در هتل هائی در رم و موناکو برای مذاکرات محرمانه‌با قطب زاده دیدار کرد و این دو نفر نامه ای را تهیه کردند که بنا شد کارتر برای امام خمینی ارسال دارد.

کارینگتون وزیر خارجه انگلیس در سفر اخیر خود به امریکا مسائلی را مطرح کرده است، ظاهراً" پیشنهاد تشدید تلاشهای دیپلماتیک، تجدید سفر والدهایم و تلاشهائی مشابه گذشته و همچنین نشست به دولتهای اسلامی شده است که تا در ایران نفوذ کرده و راه حلی پیدا کنند. کارینگتون گوشیده است رهبران امریکا را قانع کند که عملیات نظامی مانع این بحران نخواهد بود، او وعده داده است که انگلیس بخاطرکمکی‌که‌در رفع اشغال سفارت ایران کرده و میتوانددراین بحران میان امریکا و ایران نقش سیاسی را بازی کند.

شورای انقلاب با شرکت قطب زاده در کنفرانس اسلامی پاکستان موافقت کرد.

شورای انقلاب تصویب کرد که ۵۰٪ تجارت خارجی را بدست وکنترل دولت در آورد.

۵۹/۹/۲۴

نتیجهٔ نهائی انتخابات مرحله دوم تهران اعلام شد.

آیت‌اله ربانی شیرازی ضمن اعلام دلائل مخالفت خود با استاندارفارس در قسمتی از مصاحبه خود گفت: از خارج به عشایر پول داده بودند که آنها را بخرند تا در منطقه آشوب بپا کنندولی چون عشایرزیر بار نرفتند، از راه دیگری وارد شدند ومی‌خواستند با توطئه هائی از قبیل دستگیری شیوخ در اهواز و کلانتران و سران عشایری‌در فارس، عشایر منطقه را تحریک کنند، اما بموقع فهمیدیم وآنان را آزاد کردیم. وی گفت: استاندار چطور بخود اجازه میداد که در مقابل استانداری شعارهای ضد اسلامی بنویسند و شعار بدهند که"خلع سلاح مردم توطئهٔ ارتجاع" و این را آقای استاندار ببینند ولی بروی خود نیاورند.

۵۹/۲/۲۵

احمد سلامتیان از سوی بنی صدر بعنوان دبیرکل کنفرانس بین المللی بررسی مداخلات امریکامنصوب شد.

۵۹/۲/۲۷

مسئول روابط عمومی سپاه پاسداران ساوه گفت: بدنبال دستگیری ۱۱ نفر از عوامل فئودالها، شخصی ازتهران تلفن کرد و از جانب رئیس جمهورخواستار آزادی بدون قید و شرط ۱۱ نفر شد.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: باید مسئله کردستان از طریق نیروهای مسلح حل شود تاامپریالیزم مایوس گردد.

وزرای خارجهٔ کشورهای فرانسه، انگلیس و آلمان به ادموند ماسکی گفتند که تحریم اقتصادی علیه ایران‌رابطور کامل اجرا نمی‌کنند.

حجت‌الاسلام خامنه‌ای: امروز وارد مرحله ای شده ایم که هرگونه عقب‌نشینی در مقابل امریکا مرگ ما خواهد بود و ملت رضا به این عقب نشینی نخواهد داد.

۵۹/۲/۲۸

رضا اصفهانی در مورد طرح اصلاحات ارضی گفت. طرح اصلاحات ارضی بخاطر انقلابی بودنش با یک سلسله‌مخالفتهای شدید مواجه‌شد، این مخالفتها نشان میدهد که فئودالها نسبت به منافع خود احساس خطر کرده اند. بعضی افراد هم بتصور اینکه این طرح یک طرح‌اسلامی نیست با آن مخالفت می‌کردند و احیاناً" این طرح را طرحی کمونیستی معرفی میکردند و حتی به شخص من‌نیز اتهام کمونیست بودن می‌زنند.

ادیب داوری حقوقدان سوری از طرف والدهایم عازم ایران می‌شود. در اعلامیه ای که از طرف والدهایم منتشرشد این مسئله ذکر شده است. در این اعلامیه آمده است: در طی این دیدار از سرگیری کار کمیسیون تحقیق سازمان ملل منتشر و تکمیل ماموریت آن منجمله گزارش‌آن بمنظور حل بحران روابط‌ایران و امریکا بحث خواهدشد.

صادق قطب‌زاده در پاکستان گفت. جزئیات کوششهای خود را برای آزاد ساختن برادران مسلمان خود در افغانستان بزودی اعلام خواهیم داشت و این مسئله یکی از اساسی ترین مسائل مورد بحث دراین کنفرانس خواهد بود.

۵۹/۲/۲۹

امام‌خمینی: ما از محاصره اقتصادی و نظامی ابرقدرتها نمی‌ترسیم.

ستاد ارتش طی صدور اعلامیه ای گفت: هر نوع اظهار نظر غیرواقعی و نشر اکاذیب نسبت به جامعهٔ ارتش بمنزله کوشش تلقی خواهد شد که بیگانگان و عمال آنها در جهت‌تضعیف روحیه‌ارتشیان و جلوگیری از بازسازی و در نهایت‌اضمحلال آن معمول می‌دارند کما اینکه در روزهای‌اخیر بطور جسته و گریخته در رابطه با تهاجم نافرجام امریکا و انتصاب بعضی فرماندهان نظامی مطالبی در برخی جراید بچشم‌میخورد

۵۹/۲/۳۰

اهالی گویم استان فارس در شکوائیه ای نوشته اند: زمینهائی که حاکم شرع قبلی شیراز از یک فئودال مصاره کرده و به کشاورزان واگذار کرده بود، توسط حجت‌الاسلام عندلیب حاکم شرع جدید شیراز بار دیگر به همان شخص برگردانده شده است.

چمران: کردستان باید با قدرت تمام پاکسازی شود.

۵۹/۲/۳۱

آیت‌الله بهشتی: تا پاکسازی کامل منطقه غرب هیچ صلحی را نخواهیم پذیرفت.

۵۹/۳/۱ ـ امام: در چهارچوب انقلاب اسلامی همهٔ فرقه ها آزادند.

اول خرداد ـ آیت الله منتظری، از جانب امام به امامت نماز جمعه قم برگزیده شد.

۵۹/۳/۲

فئودالهای ترکمن‌صحرا تهدید کردند مزارع را آتش می‌زنند.

۵۹/۳/۴

سه‌تن از رهبران سوسیالیست لیست به تهران آمده با بنی صدر ملاقات کردند. این هیئت با بهشتی ودیگر شخصیتها نیز دیدار می‌کند. کراپسکی گفت ما برای میانجیگری بایران نیامده ایم، سفر ما جنبهٔ آگاهی از حقایق را دارد.

رئیس‌جمهور از کشورهای اروپائی خواست که بامریکا فشارآورند و او را از دخالت در امور داخلی ایران منصرف سازند. وی گفت: بمصلحت ما نیست که با امریکا کشمکش داشته باشیم.

۵۹/۳/۶

محمدعلی‌رجائی، آموزش‌وپرورش کردستان را منحل کرد.

۵۹/۳/۸

با صدور حکم دادگاه لاهه امریکا تحریم اقتصادی ایران را به تعویق انداخت. این عمل امریکا باین خاطر انجام شده است که ببینند آیا مقامات تهران به‌حکم دادگاه بین المللی لاهه که خواستار آزادی گروگانهای امریکائی گردید توجه خواهندکرد یا نه.

آیت‌الله مشکینی در یک مصاحبه گفت.، مالکیت کوچک هم اگرموجب اضرار بجامعه گردد سلب میشود.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در پیام خود به مجلس گفتند. تصمیم دربارهٔ گروگانها باید بدون توجه به وسوسه‌ها و سودجوئی های شیطان بزرگ اتخاذ شود. همچنین گفتند: دشمن هیچ چیز جز به اسارت صد درصد ما راضی نمیشود. پس هر گونه تصمیمی دربارهٔ گروگانها ناشی از ترس‌و تهدیدات امریکا باشد جهنم و اسارت وتسلیم محض را در برابر امریکا برایمان ارمغان می‌آورد.

اولین مجلس جمهوری اسلامی با پیام و توصیه های ۱۱ گانه امام گشایش یافت.

امام در پیام خود گفتند: رژیم سابق کشور را در تمام زمینه های فرهنگی، اقتصادی سیاسی و نظامی وابسته به اجانب مخصوصاً" امریکا کرد، ببینیم شما و دولت منتخب شما با ملت مستضعف که به حرکت انقلابش همهٔ ما را از انزوا خارج نمود چه خواهید کرد. امام همچنین گفتند: امید آنست که رسیدگی به حال مستضعفان وستمندان کشورکه قسمت‌اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد در راس برنامهها قرار گیرد.

۵۹/۳/۱۰

حجت‌الاسلام امیدنجف‌آبادی گفت: کسانی که میخواهند مساله گروگانها در صدر مسائل باشد، خواسته های‌والدهایم‌و امریکا را دنبال میکنند.

۵۹/۳/۱۲

کمیتهٔ بررسی مسائل افغانستان در ایران تشکیل می‌شود، اعضای این کمیته عبارتند از: قطب زاده، آقاشاهی وحبیب شطی.

کنفرانس بررسی جنایات امریکا فردا آغاز بکار میکند. سلامتیان گفت کار کنفرانس بررسی ۲۷ سال گروگانگیری و جنایت امریکا در ایران است هدف راجع به ۴۵ یا ۵۰ گروگان امریکائی در ایران نمی‌تواند باشد.

۵۹/۳/۱۲

امام: امیدواریم نتیجهٔ بررسی جنایات امریکا، محکوم کردن ظالم باشد.

رضا رمضانی نمایندهٔ مجلس در یک مصاحبه گفت: برخی از فئودالها با اعمال نفوذ به مجلس راه یافته اند و عناصری هم هستند که به طریقی وابسته به رژیم سابق بودند و از طریق اعمال فشار فیزیکی بمجلس آمده اند که جلوی اینگونه افراد باید گرفته شود.

هیئت اعزامی از حوزهٔ های علمیه قم و مشهد که برای دیداری از پاکستان رفته بود، بازگشت، سید محمد علی شیرازی سرپرست این هیئت در مورد دیدار با ضیاءالحق گفت: ما تصور می‌کردیم که دولت پاکستان وابستگی شدیدی به امریکا داشته و موضع مساعدی در برابر انقلاب‌ایران ندارد، در حالیکه برداشت ما خلاف‌بود. وی گفت ضیاءالحق منکر وابستگی به امریکا شد و آنرا در روابط دیپلماتیک خلاصه دانست.

بر مبنای تصمیم شورای انقلاب، ایران در المپیک مسکو شرکت‌نمیکند.

۵۹/۳/۱۳

چگونگی روبطه دریادار علوی با امریکا فاش شد.

تیمسار باقری فرمانده نیروی هوائی استعفا کرد.

قطب‌زاده در مورد کنفرانس بررسی جنایات امریکا گفت. در این کنفرانس ما امریکا را محاکمه نمی‌کنیم این کنفرانس نوعی تبادل نظر آزاد است.

۵۹/۳/۱۴

معاون سابق وزارت بازرگانی عبدالحسین نیک خلق دستگیر شد.

شیکاگو تریبون نوشت: معلوم نیست که شرکت کلارک و همراهانش در کنفرانس چه حاصلی میتواند داشته باشد. اینها هیچکدام تجربه ای در دیپلماسی‌ندارند و سفرشان از جانب کمیته خدمت دوستان امریکائی سر و سامان یافته و باین امید که تشنج میان دو کشور را کاهش دهد.

اعتبارنامهٔ خسرو قشقائی بعلت عضویت در سیا باطل شد.

سه‌روز نبرد بین تانکهای ایران و عراق ادامه دشت.

۵۹/۳/۱۷

رئیس‌جمهور: به همهٔ نهادها در حضور شما برای چندمین بار اخطار میکنم که اگر از آنها بخصوص آنها که نام اسلام بر خود دارند و برای اسلام و انقلاب اسلامی بوجود آمده اند، اگر از خط مستقیم وظایف خودشان بیرون بروند و براه زورگوئی خدای نکرده بروند، من اگر در گذشته به دلائل

بقیه‌در صفحه ۸

انقلاب در آینه زمان

بقیه‌ازصفحه۷

مهم هائی که گفتم و آنها را نمی‌خواستم قربانی این موارد کوچک بکنم ، اینک که‌اینها را حل کردم از لحظه ای که از آنها خلاص بشوم ، بجان آنها خواهم افتاد و با همان قاطعیتی که در آنجا عمل کردم در اینجا هم عمل خواهم کرد .

حبیب‌نطی گفت : امریکا بهیچوجه نه در اسلام آباد ، نه در جده ونه در تهران هیچگونه ارتباطی با کنفرانس‌وزرای امور خارجه اسلامی نداشته است .

دکتر یدالله سحابی در نامه‌ای به رئیس جمهور خواستار رسیدگی به‌چگونگی دستگیری خسرو قشقائی شد .

مدنی دستگیری خسرو قشقائی را محکوم کرد .

بنا به دستور بنی‌صدر رئیس جمهور ، خسرو قشقائی آزاد شد .

بنی‌صدر در مورد قشقائی گفت ، این چند برگ انگلیسی هیچگونه‌دلائلی بر جاسوس سیا بودن ایشان ندارد .

۵۹/۳/۱۸

امام خمینی : جمهوری اسلامی یک امانتی الهیست بدست ملت ایران و ماها ، شماها ، بی استثناء ملت ایران نگهدار آن باید باشند . امام گفتند : بترسید از آن روزی که بار دیگر یک دیکتاتوررا بیاورند و بالای سر شما بگذارند و من امیدوارم که‌یک چنین روزی نشود ، باید ما غفلت نکنیم این طور نباشد که ما غرور پیدا کنیم که نه دیگر کسی بما کباری نمیتواند داشته باشد ، البته از محاصره اقتصادی خیلی ازش نترسید و از دخالت نظامی هم‌نترسید ، اما از این وسوسه ها بترسید .

۵۹/۳/۱۹

جلسهٔ بررسی مسائل قوه قضائیه با شرکت بهشتی ـ بنی صدر ، موسوی اردبیلی و قدوسی انجام شد . بهشتی‌درپایان جلسه در مورد دستگیری قشقائی و اینکه‌آقا ی قدوسی حکم دستگیری او را صادر کرده یا نه گفت : با حکم ایشان نبوده بلکه با یک حکم کلی بوده است که آن مسئول داشته ، یعنی بعضی از مسئولان سپاه پاسداران و کمیته ها احکام کلی در زمینهٔ دستگیریها دارندوآقای قدوسی گفتند که ایشان حکم خاص شخصی نداده اند .

سپاه پاسداران شیراز اعلام کرد چهار روز پیش از آنکه خبر دستگیری خسرو قشقائی را که مدارک همکاری ایشان با سازمان جاسوسی امریکا از طرف دانشجویان پیرو خط امام افشا شده بود و در اختیار مقامات مسئول مملکتی قرار گرفته بود ، ایادی ایشان وجوجه خانهائی که دستشان تا مرفق درآب و نان کشاورزان زحمتکش منطقه فرو رفته است اقدام به بستن راههای فیروزآباد و حمله به مردم و ضرب و شتم و غارت اموال آنها نمودند ، بلافاصله پاسداران از جان گذشته که تا کنون هیچ قدرتی اعم از گروههای فشار و خیانتکار و سازشکاران و دولت مردانی خائن و دزدهای سرگردنه نتوانسته اند در اراده خلل ناپذیر آنها تاثیر سوء بگذارند ، دست بکار شدند .

بدعوت رهبران سوسیالیست بین المللی ، قطب زاده به کنفرانس بین المللی سوسیالیست ها میرود .

رهبر حزب کارگر نروژ خبر مزبورراتایید کرد و گفت که قطب زاده چهارشنبه این هفته در اسلو با رهبران سوسیالیست گفتگو کرد ه و در نروژ می‌ماند تا در کنفرانس دو روزهٔ ـ سوسیالیستها که پنجشنبه و جمعه در این شهر تشکیل میشود شرکت کند . وی گفت ، ما امیدواریم قطب زاده جزئیات بیشتری را در مورد نظر دولت ایران نسبت به موضع گروگانها بما بدهد .

۵۹/۳/۲۰

خسرو قشقائی پس از دیدارش با دکتر بنی صدر در یک گفتگو نتایج دیدارش با دکتر بنی صدر را بسیار ثمربخش توصیف کرد .

هیاتی از سوی بنی صدر رئیس جمهوری برای بررسی اوضاع جنوب کشور با تفاق خسرو قشقائی به فارس میرود .

۲۲ خرداد ـ اعضای شبکه خبرابکاری در ارتش دستگیر شدند .

امام در دیدار با استانداران سراسر کشورگفتند : اختلافات جزئی که بین افراد است این را کنار بگذارید ، امام همچنین گفتند : اینطور نباشد که هر کدام بگوید ما اسلامی هستیم و دیگران نیستند .

داریوش فروهر : رفتار نادرست و خلاف قانون با خسرو قشقائی نماینده مردم اقلید وضع را در آن سامان‌بکلی ناآرام شد .

۵۹/۳/۲۴

درگیریهائی بین‌ارتش‌ایران سازمان‌مجاهدین درامجدیه ، تعدادی زخمی ویک‌تن کشته‌شدند .

انتصاب در سازمان جریکهای فدائی خلق رسما " اعلام شد .

سیداحمد خمینی خواستار پی گیری عوامل و علل درگیریهای امجدیه شد .

میرسلیم طی اعلامیه‌ای در مورد درگیریهای امجدیه توضیحاتی را گوشزد نمود .

بنی‌صدر در اجتماع مردم رشت گفت : هیچوقت با چماق یک غیرمسلمان مسلمان نمیشود .

سیداحمد خمینی در یک مصاحبه گفت : حمله به اجتماعات را خیانت به اسلام می‌دانم . وی گفت . آخر شرم‌ندارد که عده ای که اکثرا " هم تحریک شدندوبجان عده ای که میخواهند به یک سخنرانی گوش دهند هجوم کنند ، این با چه منطقی‌میخواند

۵۹/۳/۲۷

ابوشریف از سرپرستی سپاه پاسداران استعفا داد .

۲۷ خرداد ـ رمزی کلارک یک طرح ۹ ماده ای برای حل بحران روابط ایران و آمریکا پیشنهاد کرد .

داوودی گفت : سازمان ملل بهترین وسیله حل بحران گروگانهاست .

قطب‌زاده گفت : بزرگ ـ ترین یورش امریکا مخصوصا " بعد از جریا ن گروگانگیری منزوی کردن ایران بوده است که در همین حال بزرگترین موفقیت آنها نیز بحساب میآید . از طرفی طرفداران روسیه و احزاب کمونیست دنیا نیز در دامن زدن باین انزوا فعالیت های زیادی انجام دادند .

۵۹/۳/۲۸

ـ توسط روزنامهٔ انقلاب اسلامی طرحی فاش شد که این روزنامه مدعی شدحسن آیت در یک نوار طرح توطئه‌ای را علیه رئیس جمهور فاش کرده است .

در دیدار اعضای جهاد سازندگی با امام ، امام‌گفتند : در ضمن‌جهاد سازندگی جهاد نفس‌هم داشته باشید ، امام گفتند هیچ حزبی و گروهی هیچ شخصی حق ندارد که بگوید این را من ایجاد کردم ، یا ایجاد کردیم ، این را ملت ایجاد کرد،واین را خدا درست کرد . امام گفتند : نهادهائی که در ایران از خود ملت پیدا شد اول با یک قصد خالصی الهی پیدا شد و ظاهر شد ، اگر این قصد خالص از شما کوچ بکند ، دست خدا هم برداشته میشود .

در حزب دمکرات انشعاب ایجاد شد ، آنشعابیون خود را کمیته مرکزی حزب دمکرات طرفدار کنگره چهارم نامیدند سازمان جوانان حزب حمایت خود را از انشعابیون اعلام کرد .

۵۹/۳/۲۹

رئیس جمهور ، رئیس ستاد مشترک و فرماندهان نیروی زمینی وهوائی را تغییر داد .

۵۹/۳/۳۱

قطب‌زاده : برای پایان دادن به بحران افغانستان همچنان تلاش میکنیم . قطب زاده و حبیب شطی آقاشاهی وارد ژنو شدند .

دکتر بهشتی گفت : سخنان آیت ارتباطی به حزب جمهوری اسلامی ندارد .

۵۹/۴/۱

دفتر سیاسی حزب دموکرات انشعابیون از حزب را خائن خواند .

جزئیات واگذاری اراضی کشاورزی اعلام شد .

۵۹/۴/۲

اعضای ۶ گروه تازه در شبکه براندازی ارتش دستگیر شدند . این عده که ۲۷ نفرند در رابطه با تشکیل "ارتش آزادیبخش" زیر نظر پالیزبان فعالیت می‌کردند .

امام : اگر اسلامی بودن نهضت محفوظ باشد دیگر آسیبی نمی‌بینید .

در بیانیه کنفرانس سران ۷ کشورصنعتی ـ آمریکا ، فرانسه ، آلمان غربی ، انگلیس ، ایتالیا ، کانادا و ژاپن ـ گروگانگیری در ایران محکوم شد . و از همه دولتها خواسته شد که اقدامات شایسته را صورت دهندتا "تروریستها" نتوانند از چنین اعمال "جنایتکارانه‌ای"اندک نتیجه ای ببرند .

اعلام جرم انجمن های اسلامی‌وسازمان های دانشجویان مسلمان علیه دکتر آیت .

۵۹/۴/۴

بنی صدر با سران حزب جمهوری به تفاهم رسید .

آیت الله بهشتی : رئیس جمهوری و دوستان دیگر اعلام کردند سخنان آیت‌ربطی به حزب ندارد .

انفجار بمب در اهواز ۹ کشته و۵۰مجروح بجا گذاشت .

در تهران هیچ مدرسه ای خصوصی نخواهد بود و حق گرفتن شهریه ندارد .

قطب زاده : اعتقاد ندارم که پاکستان کاملا " وابسته به آمریکاست .

دکتر باهنر و شمس‌آل احمد : دانشگاهها از اول مهر بتدریج باز می‌شوند .

۵۹/۴/۵

بمب‌گذاران شبکه براندازی ارتش‌اعدام شدند .

امام : شهدا و معلولین بودند که شما را بر مسند قدرت نشاندند . . . رئیس جمهور ، شورای انقلاب ، قدری هم به حرفهائی که می‌زنید عمل کنید . . . اگر مشکلات در اسرع وقت اصلاح نشود ، من به اسرع وقت اصلاح می‌کنم .

۵۹/۴/۹

موسوی نماینده تبریز : انقلاب لیبی حداکثر ۱۰٪ اسلامی است .

بنی صدر : وقتیکه مردم به من رای دادند یعنی به یک خطی رای دادند .

سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" بکمک مصر از ماه مه به اینطرف برنامه های رادیوئی را در جهان اسلام منتشر می‌کرده که هدفش متزلزل‌کردن‌رژیم جمهوری اسلامی ایران‌بوده است .

سادات در دسامبر گذشته با تقاضای برژینسکی موافقت کرد که "سیا" از دستگاهای فرستنده در خاک مصر برای تبلیغات علیه ایران و جمهوری های آسیائی مرکزی شوروی استفاده کند .

بنی صدر : رابطه من با امام هم رابطهٔ فرزند است با پدر و هم رابطه مرید است به مراد .

۵۹/۴/۱۰

امام . اعلام می‌کنم به همه کسانیکه دست اندرکارند ، من با هیچکدامشان عقد اخوت نبسته ام .

عوامل دربار و ماموران امریکائی که در بنیاد مستضعفان به توطئه مشغول بودند ، شناسائی و بزودی بنحوی انقلابی محاکمه میشوند .

۵۹/۴/۱۲

قطب زاده وزیر امورخارجه : عده‌ای فرصت طلب لجنها را پراکنده و افشاگری کرده اند و الان قضاوت مشکل و امکان بی‌عدالتی زیاد شده است .

راهپیمائی سراسری به دعوت آیت الله منتظری .

امام : تعرض به زنان را حرام دانست .

۵۹/۴/۱۴

رئیس جمهور : طرح بازسازی ارتش طی ۲ روز آینده ابلاغ میشود .

سفارت ایران در پاریس اشغال شد . . . اشغال کنندگان طی بیانیه ای گفتند که علیه کسانی اعتراض دارند که خود را طرفدار آیت الله خمینی اعلام می‌دارند اما مطلقا " کاری برای محرومین و شهدای ما انجام نمی‌دهند .

کلیه قراردادهای انرژی اتمی ایران با خارج لغو شد ۵۹/۴/۱۵

ستاد مرکزی واگذاری زمین های‌کشاورزی تشکیل شد . ۵۹/۴/۱۶

امام : ارتش اسلام ، ارتش سلطه نیست ، ارتش هدایت است .

نبرد ایران و عراق در ۱۲ نقطه مرزی

۵۹/۴/۱۷

امام در ملاقات با سرپرست‌خبرگزاری پارس : درست آنچه هست بگوئیدوبنویسید .

۵۹/۴/۱۸

عراق مجددا " به قصر شیرین حمله کرد

۵۹/۴/۱۹

میگ های عراق سردشت را بمبا ران کردند .

۵۹/۴/۲۱

توطئه کودتا شکست خورد

همزمان با توطئه کودتا ، حملات عراق به مرزهای ایران افزایش یافت

رئیس جمهور : دستگیری تیمسارباقری در رابطه با کودتا دروغ محض است .

شاهپوربختیار از شکست توطئه کودتاگران اظهار تاسف کرد .

در جریان تظاهرات دکه داران عده‌ای دستگیر شدند .

محمدی ری شهری رئیس دادگاه انقلاب ارتش پس از دستگیری سپهبد مدیون‌وسپهبد محققی به اتهام شرکت در کودتا گفت : دستگیرشدگان طراحان اصلی کودتا بودند .

ریگان : آمریکا باید حضور نظامی خود را در خاورمیانه‌افزایش دهد .

نه ، خط مکتبی ما هستیم .

رئیس جمهور بنی صدر : کجای دنیا انقلاب می‌کنند و بعد می‌آیند و می‌گویند نیات نداریم . اینها اینکار را می‌کنند ، کاز این می‌توانی به نفع خودشان استفاده‌کنند .

۵۹/۴/۲۵

مرکز بزرگ جاسوسی اسرائیل در تهران کشف شد . مجتمع آموزشی اندیشه وابسته به بنیاد "دن بسکو" یکی از ۲۰۰۰ مدرسه زیر نظر سفارتخانه های واتیکان بود .

حقوق بازنشستگان ارتش،ژاندارمری و شهربانی مقیم خارج قطع شد .

اسامی ۹۳۰ ساواکی خوزستان اعلام شد .

دکتر مدنی در مورد انتشار اسنادرابطه خسرو قشقائی با سیا گفت : اول باید این نکته را متذکر شوم که نااصالت سندی محرز و مشخص نشد نباید بهیچ صورت آنرا منعکس

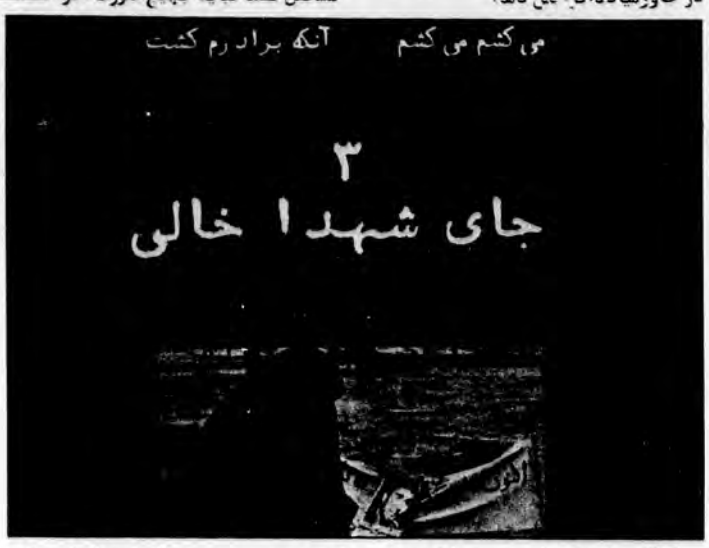

اعلامیه ای که قرار بود توسط کودتا ـ گران پخش شود چنین بود :

همقطاران عزیز ساعت موعود فرا رسید ، ارتش وطن پرست ایران حکومت پوسیده آخوندها را برچید . کلیه واحدهای ارتش ـ ژاندارمری و شهربانی اعلام همبستگی‌نمودند. هرگونه مقاومت بشدت سرکوب خواهد شد . آماده اخذ دستورات باشید .

شورای نظامی کشور ایران

امام : ما از این امور نمی‌ترسیم (کودتا) ما از قشرهای خودمان می‌ترسیم

استاندار خوزستان فرماندهان سپاه پاسداران را جهت سرپرستی پادگانهای مهم نظامی منطقه قرار داد .

اعتبارنامه نمایندگی خسرو قشقائی رد شد .

۵۹/۴/۲۲

امام : همه افراد ملت الان در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف میدانند . اگر یک مطلبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد اینطور نیست که بی تفاوت باشند مردم ، کار نداشته باشند و مشغول کار دیگری باشند ، خیر اینطورنیست .

رئیس جمهور : من از آنها که ایمان دارند با صمیمیت و برادری میخواهم که‌رادیو و تلویزیون را میدان جنگ اعصاب نکنند ، روزنامه را وسیله بی اعتبار کردن مسئولان قرار ندهند .

۳ ستون نظامی عراق قرار بود به کودتاچیان کمک کند .

شرکت های بیمه آمریکائی ۳۵ میلیون دلار از ایران خسارت خواستند .

اسناد همکاری خسرو قشقائی با ساواک دربار و سیا فاش شد . ۵۹/۴/۲۳

رضا اصفهانی : بسیاری از این افراد که در این کودتا سهیم بودند ، کسانی‌بودند که‌اول زندانی و بعد آزاد شدند .

وزیر نفت (معین فر) : هرگونه دخالت در امر مدیریت خارج از طریق مسئولین رسمی از طرف هر کس و هر دسته بعمل آید مردود بوده و مورد تعقیب قرارخواهدگرفت .

۵۹/۴/۲۴

نوبری رئیس بانک مرکزی : مدارک در مورد "خسرو قشقائی " کذب محض است چرا که مدارک موجود از نوع مدارک دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام است و بی پایه‌واساس .

رئیس جمهور : تبلیغ میکردند که ما در خط غربی هستیم ، ما لیبرال هستیم همانهائی که معلوم شد اگر پیش بینی آنان تحقق پیدا می‌کرد بر سر ما چه می‌آمد ، چون اگر ما بودیم آنها نباید بر ضد ما توطئه‌کنند پس این توطئه های که می‌چینند معلوم شدکه کرد و چون خود من با اینگونه اسنادی که‌فاقد اصالت بودند برخورد کرده ام باید یادآور شوم که این اسناد اصالت ندارد .

۵۹/۴/۲۶

اسامی ۸۰ ساواکی و اسامی ۱۵۰ همکار ساواک‌درنوشهر و چالوس و بهبهان اعلام شد .

دکتر بنی صدر : به مجرد اینکه‌مجلس آماده شد نخست وزیر معرفی میشود .

دکتر مدنی : من بارها گفته ام که این مسئله گروگانگیری نهایتا " بسود ما نیست . ما در عرصه گیتی ملت مظلوم و مبارزی‌بودیم و امروز در عرصه گیتی متجاوز به حقوق بین الملل وانمود شده ایم .

۵۹/۴/۲۹

فرمانده نیروی زمینی و ژاندارمری : فرماندهان ارتش در رده های مختلف تغییر می‌کنند .

کمیته خنثی سازی توطئهٔ کودتا ازمردم خواهان دستگیری ۸ عامل کودتا که دکتر مهدی بهار نیز در میان آنان است ، شد .

۱۰ پاسدار توسط عوامل خوانین در سیستان و بلوچستان به شهادت رسیدند .

اسقف کاپوچی که برای بازدیدازمدرسه اندیشه وارد تهران شده بود گفت : سعی دارم مساله مدرسه اندیشه را با همکاری واتیکان حل کنم .

تشکیلات مرکزی جبهه ملی و حزب‌ایران پس از پایان مراسم نماز جمعه اشغال شد .

کار ۱۸ ماهه شورای انقلاب پایان‌یافت.

امام : تمام کودتاگران به حسب قرآن حکمشان قتل است .

اولین گروه کودتاگران تیرباران شدند در بین تیرباران شدگان سرتیپ محققی نیز ، قرار داشت .

کلیه مدارس خصوصی دولتی شد .

با حضور۱۲ عضو شورای نگهبان‌اولین جلسه رسمی مجلس تشکیل شد .

با تائید امام و از طرف رئیس جمهور فرمانده سپاه پاسداران تعیین شد .

اعظم طالقانی به سنگسار نمودن زنان اعتراض کرد .

آیت الله مشکینی : ما از دولت می‌خواهیم برای سپاه پاسداران ترتیبی انجام دهد تا آموزش وسائل جنگی سنگین‌وخلبانی بیاموزند .

بقیه‌درصفحه۹

انقلاب در آینه زمان

بقیه‌ازصفحه۸

۵۹/۴/۳۰

امام: وزیران جمهوری اسلامی باید کارآمد، اسلامی، انقلابی و قاطع باشند.

باید اشتباهات گذشته را باکمال‌قدرت و بطور انقلابی جبران کنیم.

مردم به خیابانها ریختند و این جرثومه فساد را بیرون کردند ولی وقتی امر بدست ما افتاد انقلابی عمل نکردیم.

یک جمعیتی را که در دست ما بود رهایشان کردیم، یک دسته ای را که باید بگیریم نگرفتیم، اینها ریختند و مسئول توطئه شدند.

از اول باید دولتی که قاطع وجوان‌باشد انتخاب می‌کردیم، منتهی آنوقت فردی را نداشتیم و آشنا نبودیم که انتخاب کنیم.

این اشخاصی که انقلابی نیستند باید در راس وزارتخانه ها نباشند و آقای بنی‌صدر باید امثال اینها را معرفی به مجلس نکند و اگر کرد مجلس رد بکند و هیچ اعتنا نکند.

هاشمی رفسنجانی برای یکسال بعنوان رئیس مجلس شد همچنین حجت الاسلام موسوی خوئینی ها، علی اکبر پرورش به‌سمت نایب رئیس‌مجلس انتخاب شدند.

سپاه پاسداران شیراز با انتشار اعلامیه ای دادگاه انقلاب اسلامی این شهر را مورد حمله قرار داد و آنرا حامی فئودالها و خانها معرفی کرد.

گلزاده غفوری: حکومت هائی که الان بنام اسلام حکومت می‌کنند، ماسفانه وقتی بقدرت می‌رسند، حقوق مردم از یادشان میرود... من عقیده ام اینست که مردم، تماما" باید در جریانات‌امور باشند.

۵۹/۴/۳۱

اسامی ۳۶۵ ساواکی کرمان‌اعلام شد.

رئیس جمهور در مجلس سوگند یادکرد

دکتر بقائی با سپردن تعهد آزاد شد.

هادی غفاری: تصمیم ما بر این است تمام دفاتر و سازمانهای غیر ازخط امام را بگیریم، چه بنام اسلام باشند و چه غیره ــ در عرض یکماه تمام دفاتر را درسراسر ایران خواهیم گرفت... امروز در مجلس پس از پیام امام چند تا نمایندگان لایحه ای تقدیم کردند که نام مجلس مشخص شود دو نفر بلندشدند که نام مجلس اسلامی باشد، یکی بازرگان و دیگری گلزاده غفوری، بود، آقای غفوری اگر بیگانه ای بگو تا تکلیفمان را با شما روشن کنیم آنهائیکه دیکتاتوری پرولتاریا میخواهند بدانند حالا دیکتاتوری ملائی است.

۵۹/۵/۱

نام مجلس به "مجلس شورای اسلامی" تغییر پیدا کرد.

۳ انفجار شدید در تهران باعث مجروح شدن دهها نفر شد.

روزنامه بامداد اشغال شد.

رئیس جمهور پیشنهادی مبنی برنخست وزیری سید احمد خمینی به امام داد.

امام: من بنا ندارم اشخاصی منسوب به من متصدی امور شوند.

۱۴ پاسدار در درگیری های ارومیه به شهادت رسیدند.

شورای نویسندگان روزنامه بامداداعلام کرد که این روزنامه از هفته آینده منتشر نمیشود.

۵۹/۵/۲

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: مگر شوراهای اسلامی کارگران قدرت اداره صنعت و مسائل مربوط به کار و کارگران مانند اداره کار را ندارند. مگر برادران غیور و جان بر کف سپاه که امتحان خود را بارها داده اند نمی‌توانند در اداره امور نقشی داشته‌باشند. نگه داشتن سیستم سابق ولو یک لحظه‌برای این انقلاب جز خسران نتیجه ای ندارد.

تقی شهرام اعدام شد.

در اثر حمله ته‌پخانه عراق به‌نفت‌شهر

۵۹/۵/۴

توافق بر سر میرسلیم بعنوان نخست وزیر قطعی شد.

اعتبارنامه آیت تصویب شد.

آیت الله مشکینی: حسن نزیه وقتیکه وزیر نفت شد، رفت آبادان اولین کاری که کرد برای خودش ماهی ۶۰٫۰۰۰ تومان‌حقوق دریافت کرد. آن وقت امام وقتی که به این آقا دستور فرمودند یک یا دو روز پول نفت‌را برای مردم ستمدیده و مظلوم کردستان خرج کنید از انجام اینکار طفره می‌رود و امروزاین وضع در کردستان پیش میآید.

آیت الله خامنه ای: کشف توطئه اخیر (کودتا) توسط برادران ارتشی نشان می‌دهد که ارتش ما پیکره سالمی دارد

دکتر بنی صدر طی نامه ای میرسلیم‌را بعنوان نخست وزیری برای مجلس پیشنهادکرد.

۵۹/۵/۵

دکتر یزدی: مرا متهم‌می‌کنند با دفتر آزادیبخش همکاری نکرده ام در حالیکه من اولین نفر بودم که اصلا" در وزارت امور خارجه اداره ای درست کردم بنام اداره آزادیبخش دنیا و تمام نهضت هارا شناسائی میکردند و در الجزایر نیز دو ساعت در محل نهضت آزادیبخش برای آنها صحبت کردم فیلمبرداری شد ولی هیچکدام پخش نشد.

شاه مخلوع مرد

دکتر سروش: دانشگاهها در نیمسال اول مطلقا" بسته خواهد بود.

بنی صدر رئیس جمهوری: اگر دولت آینده از یک گروه و یا حزب خاص باشد مسئولیت در قبال آن نخواهم پذیرفت.

۵۹/۵/۶

در تظاهرات موافقان رژیم جمهوری اسلامی پلیس آمریکا ۱۵۰ تن از آنان‌رادست گیر و تعدادی را نیز مضروب و مجروح‌ساخت.

سادات: من در مرگ دوستم (شاه) عزادار هستم.

نیکسون: شاه بیش از ۳۰ سال دوست وفادار آمریکا بود.

راکفلر و کیسینجر: به یاد داشته‌باشید که شاه در ۳۷ سال سلطنتش چه خدماتی‌برای ما انجام داده است.

مهندس بازرگان: سرمایه داری بمعنای مشروط و مشروع چیزی نیست که در اسلام ممنوع شده باشد. خود پیغمبر اصلا" کارش تجارت بوده، منتهی تجارت اموال خدیجه‌را میکرد. اساس سرمایه داری و استفاده‌ازسرماید منتهی با رعایت حدود و شرایطی در اسلام هست.

۱۹۵ تن از عناصر و همکاران ساواک شیراز و بوشهر افشا شدند.

۵۹/۵/۷

بدنبال جلسه غیر علنی مجلس مساله انتخاب نخست وزیر به تعویق افتاد.

۵۹/۵/۸

توسط هیات مشترک رئیس جمهور و مجلس، بررسی صلاحیت نامزدهای نخست وزیری آغاز خواهد شد.

سپاه پاسداران خوی اسامی ۱۱۱ساواکی این شهر را اعلام کرد.

بنی صدر: من اطمینان دارم تا مردم مطمئن نشوند دولتی که روی کار می‌آید با رئیس جمهوری هماهنگی خواهد کرد او را نخواهند پذیرفت و کسی می‌تواند‌این‌اطمینان را به مردم بدهد که رئیس جمهوری آنهاست.

اسامی ۴۰۷ ساواکی آذربایجان شرقی اعلام شد.

قانون سهیم کردن کارگران در سود واحدهای تولیدی لغو شد.

نامه کنگره آمریکا در مورد گروگانها تسلیم مجلس شد.

۵۹/۵/۹

انفجار بمب در اهواز باعث کشته شدن ۸ نفر شد.

رئیس ساواک خارک و بوشهر تیرباران شدند.

هاشمی رفسنجانی: مردم و توده‌انقلابی از کم کاری دولت گذشته ناراضی هستندوپیام امام تاثیری بسیار در کار مجلس و دولت‌آینده و تشکیل کابینه گذاشته است و این تاثیر

۵۹/۵/۱۳

سپاه پاسداران: خسرو و ناصر قشقائی زودتر از موعد مقرر به گرمسیر کوچ کرده وبین عشایر فارس اسلحه توزیع می‌کنند.

اسامی ۳۷۱ ساواکی شهرداری تهران منتشر شد.

کانون شوراهای اسلامی و بسیاری از انجمن های کارگری به لغو قانون سهیم کردن کارگران در سود ویژه اعتراض کردند.

بنی صدر: کسانی که خود را قیم مردم مستضعف می‌دانند مستکبرند

ارتش عراق به پاسگاههای مرزی ایلام و کرمانشاه حمله کرد.

امام: چرا یک وقت گوش ما نمی‌شنود از پاپ که طرفداری مظلومین که مال ایران است و یا افرادی که در خود مملکت آمریکا و تحت ظلم و شکنجه هستند، یک بازخواستی نمی‌کنند.

امام: دیگر ما نمی‌توانیم زیربار آمریکا برویم. آمریکا اگر تمام افراد را از بین ببرد، دیگر نمی‌تواند در اینجا بیاید و منافع‌خودش را جبران و تامین بکند و ملت ما را به ستم و زور و شکنجه و اختناق قرار دهد... ما در مقابل آمریکا تا آخر ایستاده ایم و نخواهیم گذاشت آمریکا باز گردد و یا آن اشخاصی که تبعه او هستند برگردند.

۵۹/۵/۱۴

بنی صدر در اجتماع مردم نیشابور. برای اینکه این جمهوری از خطر مصون ماند باید که همه به حمایت از دولت جمهوری برخیزند، هیچکس در هیچ جای ایران نباید بخود اجازه خودسری، تک روی و اجرای دستورات من در آوردی و کارهای خود سرانه را بدهد.

اعظم طالقانی: زن ابتدا باید برای استقلال و آزادی از بردگی امپریالیسم مبارزه کند.

اسامی ۳۷۱ ساواکی شهرداری تهران اعلام شد.

نعمت زاده وزیر کار و امور اجتماعی: لغو قانون سهیم کردن کارگران در سود کارخانه ها به نفع اکثریت کارگران است.

۳۴۲ ساواکی رشت، بابل، بابلسر و تنکابن افشا شدند.

آیت: از نیمه دوم سال ۴۱ امام‌رهبری مبارزه را بعهده گرفت‌که فجایع فیضیه‌وبانزده خرداد بوجود آمد و دکتر بقائی و من در این موارد پشت سر امام قرار داشتیم.

۵۹/۵/۱۵

بنی صدر (پس از دیدار با هیئت تشخیص نخست وزیر): احتمالا" تا دو روز دیگر نتیجه بررسی تعیین نخست وزیر اعلام میشود.

موسوی اردبیلی دادستان کل کشور طی سخنانی اشغال دفاتر گروهها و دامن زدن به جو تفرقه از سوی رادیو و تلویزیون و ارگانهای مملکتی و مطبوعات را محکوم کرد.

اعتبارنامه مدنی از سوی نمایندگان مجلس رد شد.

حجت الاسلام ری شهری: چند تن از روحانیون رده بالا نیز با افراد و اعضای این گروه (رهبران کودتاچیان) رابطه داشته اند... قرائنی بر صحت امر در دست است که انشاءالله پس از تحقیقات و بررسی های دقیقی که در جریان است بزودی نتیجه نهائی و اسامی این چند تن اعلام‌خواهد شد

۵۹/۵/۱۶

بنی صدر (در اجتماع کارکنان صدا و سیمای جمهوری اسلامی): ما در دنیائی هستیم که جنگ با بمب و موشک انجام‌میشود اصلی ترین اسلحه جنگ اطلاعات است، مهم ترین صحنه جنگ، جنگ تبلیغاتی است.

رجائی: دولت آینده باید از سرمایه داران بزرگ بخواهد که در اعمال خود تجدیدنظر کنند.

ستاد انقلاب فرهنگی با انتشاراطلاعیه ای تعطیل کلیه دانشگاهها و مدارس عالی را در نیمسال اول سال تحصیلی ۶۰ـ۵۹ اعلام کرد

۵۹/۵/۱۷

امام. قبرستان پر است از جوانهای ما و قبرستان های شهرستانها پر است‌از جوان های ما که در راه این مملکت و در را این اسلام کشته شده اند، حالا که اینهاکشته شده اند گویا آقایان آمده اند از خارج و داخل حالا با هم نشسته اند با هم دعوا می‌کنند. سر چه میراثی دعوا می‌کنید؟ میراث پدر کدامتان است.

امام: (آمریکا) از ملتی که می‌گوید اسلام سیلی خورده است. نه از من سیلی خورده است و نه از آقای رئیس جمهورسیلی خورده است و نه از اشخاصی که در مجلس هستند و نه دولت ها. از اینها سیلی‌نخورده است از این زاغه نشینها سیلی خورده است. از این ملت سیلی خورده است و او در صدد است که اگر توطئه کند بر ضد ملت توطئه می‌کند نه اینکه بر ضد من یا بر ضد کسی یا کس دیگر.

امام: ما باید جدیت کنیم‌که‌اسرائیل را برانیم از این زمین های اعراب. نه‌اینکه، بگوئیم در بیت المقدس پایتخت قرار نده. خیر. و نباید گول بخوریم از آمریکا یا از این مجالسی که درست کرده اند و تعزیه گردانی می‌کنند برای خوردن ما، از آنها گول بخوریم.

۵۹/۵/۱۸

در پس درگیریها و اختلافات و زد و خورد بین کردها و ترکهای اشنویه، ۱۵۰نفر از کردهای اشنویه در فرمانداری مهاباد متحصن شده و برای جلوگیری از گسترش جنگ داخلی از رئیس جمهور تقاضای رسیدگی کردند.

۵۹/۵/۱۹

بنی‌صدر رئیس‌جمهوری طی نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، دکترمحمدعلی‌رجائی را بعنوان نخست‌وزیر به مجلس معرفی کرد.

۵۹/۵/۲۰

رجائی با رای تمایل مجلس، نخست ــ وزیر جمهوری اسلامی ایران شد.

بدنبال درگیریهای پراکنده در اشنویه نقده و راههای کردستان، شهر مهاباد نیز منتشج شد.

۵۹/۵/۲۲

درگیری مخالفان و هواداران مجاهدین خلق در گورستان شیراز ۲۰۰ مجروح بجای گذاشت.

کیلومترها از نوار مرزی عراق در نواحی قصرشیرین و سومار و نفت‌شهر توسط ارتش بعث عراق تخلیه شده و مردم این نواحی به عقب رانده شده‌اند و تنها نیروهای نظامی عراقی در این نقاط موضع گرفته‌اند.

خلع سلاح منطقه کردنشین نقده توسط سپاه پاسداران انجام شد.

امام (دردیدار با سفرای کشورهای مسلمان‌نشین): مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بایستند و مسائل خودشان را اخذ کنند و حق خودشان را بگیرند و باید بدانند که حق گرفتنی است والا نخواهند اعطا کرد.

فرمانده سپاه‌پاسداران فارس در مورد درگیریهای فیروزآباد که منجر به شهادت ۵ پاسدار شد، گفت شخص خان و ایادی نزدیک او عامل این درگیریها بودند.

حجت‌الاسلام ابراهیم اسلامی (حاکم شرع مستعفی آباده) گفت: عواملی هستند که مانع از مجازات خانها میشوند ولی خانها هیچگونه پایگاهی در بین عشایر ندارند.

دولت مالکیت ۸ شرکت بزرگ حمل و نقل را بعهده گرفت.

۲۵ ساواکی کهگیلویه و بویراحمد معرفی شدند.

رجائی نخست‌وزیر: همانطور که در حضور هیئت انتخاب بررسی شرایط نخست ــ وزیر آقای رئیس‌جمهور فرمودند، ایشان هیچ نظری ندارند (در مورد انتخاب اعضاء کابینه) و من را آزاد گذاشته‌اند و فقط در باره وزیر دفاع و وزیر کشور فرمودند که من نظر دارم.

رجائی: من در تشکیل کابینه از همه نهادهای انقلابی تقاضای کمک وهمکاری خواهم کرد.

۵۹/۵/۲۳

سازمان عمران اراضی شهری اصفهان تعطیل شد.

رئیس‌جمهور: کسانی را که فکرمیکردند با رئیس‌جمهور هماهنگی کامل دارند، از ۲ ماه به اینطرف و از روی قرار و قاعده کوبیده‌اند: سلامتیان و نوبری

۵۹/۵/۲۵

۱۹ تن از کودتاچیان و همکاران رژیم پهلوی اعدام شدند، در بین اعدام ــ شدگان سپهبد مهدیون فرمانده اصلی کودتا و فرمانده نیروی هوائی در زمان دولت موقت و همچنین یوسف خوش‌کیش مدیرکل بانک مرکزی در زمان شاه مخلوع، قرار داشتند.

هاشمی رفسنجانی: آقای آیت عضو شورای مرکزی حزب جمهوری هستند و طبعا" حزب جمهوری او را تائید میکند.

۵۹/۵/۲۸

۱۰۵ نفر در انفجار انبار راهسازی گچساران کشته شدند.

مردم‌در راهپیمائی برای آزادی قدس شرکت کردند.

۵۹/۵/۲۹

ادموند ماسکی گفت در ایران‌این‌فرضیه که ادامه نگهداری گروگانها برای منافع ایران مفید نیست تقویت میشود و این نظریه‌میتواند به آزادی گروگانها منجر شود.

اسامی ۳۱ سرمایه دار ممنوع المعامله در شهرهای مختلف اعلام شد.

امام خواستار رسیدگی فوری به فاجعه گچساران شدند.

۵۹/۵/۳۰

حکم نخست وزیری رجائی از طرف رئیس جمهور صادر شد.

۵۹/۶/۱

اسامی ۱۹۵ ساواکی و عامل رژیم‌سابق، در سیستان و بلوچستان اعلام شد.

۴۱ ساواکی قزوین و ۴۴ ساواکی‌نهاوند معرفی شدند.

۵۹/۶/۲

شبکه عوامل کودتا در رادیووتلویزیون کشف شد. همکاران کودتاگران در ارتباط با کودتا "نزدیک به ۳۰ ساعت برنامه تلویزیونی تهیه کرده بودند.

رئیس جمهور: ما نمی‌توانیم درمرزخود ببینیم که سربازان یک دولت بزرگ برادران ما را می‌کشند بناچار باید غمخوار آنهاباشیم و به‌آنها کمک کنیم و اگر لازم شد دوش به دوش آنها برای استقلال کشورشان بجنگیم.

۵۹/۶/۳

رژیم نظامی فیلیپین ارسال برنج به ایران را تحریم کرد.

رضا اصفهانی: طرح اصلاحات آبی به موازات طرح اصلاحات ارضی اجرا میشود.

قطب زاده: همه کشورها به مامیگویند در مورد گروگان گیری شما دارید چکارمیکنید الان یک کشور در روی کره زمین نیست که بگوید ادامه این گروگانگیری به نفع شماست.

۵۹/۶/۴

اسرار جاسوسان کشیش های انگلیس و آمریکا در ایران فاش شد.

سفیر جمهوری کره: جمهوری‌دموکراتیک کره از انقلاب ایران به رهبری امام خمینی حمایت می‌کند.

هاشمی رفسنجانی: اگر درچارچوب قانون اساسی گروهها حاضر به فعالیت‌سیاسی سالم باشند و قانون را مراعات بکنندمجلس از فعالیت آنها حمایت خواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت بکنند.

کلیه معادن کشور ملی اعلام شد.

۵۹/۶/۵

درگیری های مجددی بین ایران‌وعراق در مرزهای غرب کشور روی داد.

آیت الله بهشتی: مساله گروگانها باید یک روزی حل بشود. این موضوع برای ایران در درجه اول قرار ندارد.

وزارت خارجه آمریکا رسما" اعلام کرد در حالیکه ۳۰۰ روز از دستگیری ۵۲ گروگان آمریکائی می‌گذرد امید کمی به‌آزادی آنان می‌رود. سخنگوی وزارت خارجه گفت‌واشنگتن همچنین کانالهای مساعد برای آزادی هر چه زودتر گروگانها را دنبال می‌کند.

۵۹/۶/۹

کابینه رجائی به مجلس معرفی شد.

سفیر سوریه آمادگی کشور خود را برای همکاری در مسئله فلسطین و جنوب لبنان و مبارزه با استعمار در منطقه در هر زمینه‌ای‌اعم از فرهنگی، اقتصادی و نظامی با انقلاب اسلامی ایران اعلام داشت.

عراق و اردن در آستانه انعقادقراردادی جهت تاسیس یک شرکت حمل و نقل باسرمایه ۷/۵ میلیون دلار هستند.

وزارت بازرگانی آمریکا با فروش ۱۱جت بوئینگ به عراق موافقت کرد.

یکی از هواداران مجاهدین خلق در قائم‌شهر در درگیریها کشته شد.

۵۹/۶/۱۰

در مجلس شورای اسلامی سئوالات‌یدالله سحابی پیرامون دولتی کردن مدارس مطرح شد

۵۹/۶/۱۱

رجائی. آقای بنی صدر گفتند که من با این کابینه ای که‌تو داری کار می‌کنم، و نه به این ترتیب کار می‌کنم که شکست بخوری، بلکه کار می‌کنم که پیروز شوی زیرا من نظریه ام، نظریه توحید است، برخلاف تو.

بقیه‌درصفحه۱۰

انقلاب در آینه زمان

بقیه از صفحه ۹

مجلس به نامه کنگره آمریکا پاسخ داد.
۵۹/۶/۱۲
ستاد عملیات جنگی عراق در خانقین تشکیل شد.
امام: قوای مسلحه باید در خدمت مردم باشند. اینها از بودجه ای که اینها را اداره می‌کند از جیب مردم است نباید از جیب مردم آدم بودجه اش اداره بشود و به سرمردم تحمل بکند.
۵۹/۶/۱۵
رجائی. معلم طبیعی و دیگر معلمان اگر معتقد به مکتب اسلام نباشند پیام این مکتب را لجن مال می‌کنند برای اینکه قوانینی که آنها معتقد هستند با قوانینی که اسلام معتقد است فرق می‌کند به همین دلائل نمی‌توانند معلم خوبی برای مکتب اسلام باشند.
۵۹/۶/۱۶
۱۴ وزیر کابینه رجائی توسط رئیس جمهور به مجلس معرفی شدند

آیت الله علامه نوری برای شرکت در مراسم سخنرانی رئیس جمهور در میدان شهدا از مردم دعوت کرد.
سولیوان: دولت جیمی کارتر با بینش کم، عدم تصمیم گیری و تغییراتی بی موقع در سیاست خویش در زمانیکه رژیم سلطنتی رو به نابودی می‌رفت سیهوا" در "هرج و مرج" که در ایران بعد از انقلاب بوجود آمد کمک کرد.
۵۹/۶/۱۸
رئیس جمهور (در سخنرانی میدان شهدا): خط اصلی امام خط وحدت است وحدت مسلمانها را با مرزبندی بهم نزنید و بابهم‌زدن وحدت زمینه هجوم دشمنان‌را فراهم‌نیاورید. برادران و خواهران من، در خط امام شما، شهدای شما و خط خود شما ایستاده‌ام با استقامت ایستاده ام، من میدانم شما هیچ عجله ای ندارید، آنچه می‌خواهید یک دولت منسجم و هماهنگ و بیان کننده وحدت اسلامی ما است و من برای این دولت ایستاده ام.
رئیس جمهور: به این گروه که دل‌خوش کرده است به قبضهٔ حکومت هشدار میدهم که من نظریه تو را افشا کردم ضابطه های خودرا گفتم دفعه دیگر در صورتیکه اصلاح نشدی و اصلاح نشوی نوبت افشای با اسم و رسم میرسد ۵۹/۶/۱۹
هاشمی رفسنجانی: من دلم میخواست که ایشان (رئیس جمهور) آنقدر صداقت بخرج می‌دادند که صریح نام آن اقلیت را می‌بردند... همان اندازه که ایشان از حکومت مکتبی ها وحشت می‌کنند، ما هم به همان اندازه از حکومت لیبرالها وحشت داریم... رئیس جمهور شخصیکه وقتی از فرانسه تشریف آوردند ما بودیم که ایشان را در شورای انقلاب دعوت کردیم و حمایت کردیم.
درگیری های مرزی ایران و عراق شدت یافت.
فعالیت گروههای سیاسی در اهواز به دستور حاکم شرع اهواز ممنوع شد.
۵۹/۶/۲۰
کابینه رجائی با ۱۶۹ رای تصویب شد.
آیت الله بهشتی: چون ایشان (بنی‌صدر) از رادیو و تلویزیون استفاده کردند برای حمله به فرد و گروهی، پس بایدحتما" رادیو و تلویزیون در اختیار آن فرد و گروه هم باشد!
آیت الله دستغیب: وضعی در دهات پیش آمده که مالک جرات نمی‌کند برود سر مزرعه اش. اینها برخلاف مکتب اسلام‌عملی انجام می‌دهند. سفارش من اینست که طبق اسلام عمل کنند زیرا در اسلام مالکیت محترم است
۵۹/۶/۲۱
نیروهای عراق به مرز خرمشهر حمله کردند.
۵۹/۶/۲۲
امام: این آزادی را چه کسی بما دادو این استقلالی که الان ما داریم و کسی نمی‌تواند دخالت کند در کشور ما، این را چه کسی بما داد؟ جز این بود که این پابرهنه‌ها این زاغه نشینها، این‌دانشگاهیهای‌محروم و این مردم کوچه و بازار با هم جمع شدند و برای خدا قیام کردند و نهضت کردند وما را به این آزادی رساندند؟
امام: شما هر حکومتی را که در این ۲۵۰۰ سال دوران ظلمت در نظر بگیرید، آنوقت بروید سراغ وزرای او که از چطایفه‌ای بوده اند، آنهائیکه بهره بر می‌داشتندازاین ملتهای ضعیف چه اشخاصی بودند، پیدا نمی‌کنید یک حکومتی که برای مستضعفان‌باشد برای این کوچه و بازاریها باشد، برای این پابرهنه ها باشد، هر چه بودند برای ملک‌ـ

دارها بودند و برای قدرت دارها، برای سرمایه دارها، برای روسا و خانها، هر چه بود برای اینها بود.
امام: اگر شما به مردم کار نداشته‌باشید به مصالح مردم، به مصالح کشور کار نداشته باشید فقط مشغول این باشید که من چطور، شما چطور، من چطورم شما چطورید، مردم با من هستند، مردم با شما هستند، اگر فکر این باشید، این همان است که آمریکا میخواهد، شما از عمال آمریکا هستید.

امام (پیام به زائران بیت اللهالحرام) مهمترین و دردآورترین مسئله ای که ملت‌های اسلامی و غیر اسلامی کشورهای تحت سلطه با آن مواجهاست موضوع آمریکاست و دولت‌آمریکا بعنوان قدرتمندترین کشور برای هر چه‌بیشتر بلعیدن ذخائر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فروگذار نمیکند.
آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطرهٔ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید، او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که بوسیله صهیونیسم‌بین‌ـ الملل سازماندهی می‌گردد استثمار می‌نماید.

درگیریهای شدیدی در مرزهای غرب، بین ایران و عراق درگرفت.

تیمسار باقری فرمانده سابق نیروی هوائی هنگامیکه قصد داشت با پرواز ازفرانس از کشور خارج شود توسط گروه ضربت‌پاسداران مستقر در فرودگاه مهرآباد دستگیر شد.
۵۹/۶/۲۳
یکی از نزدیکان تیمسار باقری: سرلشکر باقری بموجب حکمی از سوی رئیس جمهور بهمراه هیاتی برای شرکت در کنفرانس هوا‌ـ پیمائی عازم خارج از کشور بود.

بازرگان: کمونیستها که بیش از هرگروه دیگر اشغال کنندگان لانه جاسوسی را تشویق به ادامه افشاگری می‌نمودند بهدف اصابت کرده، مردم را نسبت به پایه گذاران وخدمت گزاران بدبین و از روال کار مایوس ساختند.

بازرگان: دستگاه عظیم دولت که میلیاردها سرمایه مملکت صرف آن شده و با وجود زیادی بی تناسب کارمند ان ومقررات و احتیاج مبرم به تقلیل و تجدیدنظر، بخواهید نخواهید یگانه وسیله حیات وحرکت کشور می‌باشد... آنچه ضروری است سپاه انقلاب، کمیته ها، دادگاهها و جهادسازندگی ادغام در واحدهای دولتی شوند و...

مدارس لرستان در اول مهرماه باز نخواهد شد.

۵۹/۶/۲۴
رضا اصفهانی (نماینده مجلس): همان سرمایه دار رو به رشد، همان زمین‌ـ خواران بزرگ با قدرت بیشتر و این بار، در غالب کسانی که می‌خواهند خدمت به‌انقلاب کنند بر مردم سلطه پیدا کردند و اینجا بود که هر وقت مردم بی نوا از حق طبیعی‌خودشان دم می‌زدند فورا" از طرف همین عناصر خطرناک به عنوان ضد انقلاب یا وابسته‌بودن به فلان مکتب و یا فلان عقیده و یا بلندگو و آشوبگر معرفی می‌شدند.
حسن آیت (در مورد جوابیه مجلس به نامه کنگره آمریکا): نامه از طرف ۱۸۵ نماینده‌به‌کنگره فرستاده شده است. اگر

بخواهد از طرف مجلس باشد بنده بهیچوجه آنرا امضاء نخواهم کرد (جوابیه را). اگردر اینجا حکومت دکتر مصدق را ملی و قانونی تلقی کردیم یعنی اینکه اسرائیل‌راقانونی اعلام کردیم، حتی اهانت بروحانیت را نیز قانونی اعلام کردیم.
مجلس شورای اسلامی اتحاد سوریه و لیبی را تبریک گفت.
۵۹/۶/۲۵
هاشمی رفسنجانی: (درباره شرایط آزادی گروگانها): امام.تمام‌شرایط‌را نگفتند امام بطورکلی مساله را به‌مجلس واگذارکردند و بطور مختصر چیزهائی را اشاره کردند. مجلس وقتی وارد بحث شد شرایطی را ارائه خواهدداد... حداقل چیزی که قابل گذشت نیست اینست‌که آمریکا بایدسیاست گذشته‌اش را در ایران محکوم کند.
۵۹/۶/۲۶
پیشنهاد مسکوت گذاشتن رسیدگی به مسئله گروگانها در مجلس، رد شد.
۵۹/۶/۲۷
هاشمی رفسنجانی: دو ملت ایران و پاکستان دوست و برادرند و امیدوارم که دو دولت نیز دوست و همراه و همکار باشند بخصوص اینکه در مقابل تجاوز آشکار شوروی به افغانستان تا کنون موضع مشترکی را داشته ایم.
صدام حسین رئیس جمهوری عراق روز گذشته قرارداد ۱۹۷۵ (۱۳۵۴ شمسی) ایران و عراق را مبنی برمشخص نمودن حدود مرزی بین این دو کشور را ملغی اعلام نمود.
۵۹/۶/۲۹
آیت الله منتظری دانش‌آموزان را در روز اول مهرماه به راهپیمائی وحدت دعوت نمود.
درگیری های شدیدی در خرمشهر بین نیروهای نظامی ایران و عراق در گرفت.

دکتر یزدی (در توضیح ملاقات با برژینسکی): اگر رهنمود شورای انقلاب و رهبر این بوده که در همان روزها قطع رابطه کنیم خوب بایدقطع‌رابطه‌می شد (مثل جریان مصر) اما وقتی رهنمود این بوده که فعلا" کجدار و مریز کار بکنیم، معلوم است که من باید بروم و راجع به‌این مطالبات ملت ایران صحبت کنم... ما ملاقات نکردیم او عینا" مثل شمر که شب عاشورا به دیدن ابوالفضل رفت به دیدن آقای مهندس بازرگان آمد. آقای مهندس بازرگان هم گفتند چه کنیم اورا بپذیریم یا نه؟
حجت الاسلام خامنه ای: ما هیچگونه اطلاعی نداشتیم که‌ایشان قراراست با مقامات آمریکائی آنهم با برژینسکی ـ که یک مقام امنیتی است ـ تماس بگیرند.
اسماعیل فردوسی (نماینده فردوس): تلفنی از ما خواستند که از امام سئوال‌کنیم

که آیا ازملاقات اطلاع‌دارند یا نه. من سئوال را کتبا" به حضور امام دادم و امام درجواب نوشتند من از این ملاقات بی اطلاع هستم.
۵۹/۷/۱
هواپیماهای جنگنده عراقی همزمان به فرودگاههای چند شهر در ایران حمله کردند درتهران در اثر این‌حمله ۹نفر شهید شدند.

ستاد امنیت در سراسرکشورتشکیل شد.

مردم بدنبال بمباران فرودگاه مهرآباد در خیابان های اطراف با قرار دادن کیسه‌ـ های شنی سنگر درست کردند.
نهادها و گروههای مختلف مردم برای

رفتن به مرز اعلام آمادگی کردند.
امام: آنروزی‌که مسئله جدی‌شد به‌تمام اینها بطور جدا امر میکنم که عمل بکنند و عراق را سر جای خودشان بنشانند... بنا داریم که در این برخوردها طوری برخورد بشود که جواب برخورد آنها داده بشود که به ملت عراق خدای نخواسته صدمه ای وارد نشود.
براون وزیر دفاع آمریکا گفت که ایران‌و عراق باید بخاطربسپارند که‌خطراصلی متوجه هر دوی آنها از جانب یک کشور دیگری می‌ـ باشد.
ژاک کانون (سخنگوی دولت آمریکا): دولت کارتر هیچگونه نقشی در رابطه با این درگیری نداشته و بهیچوجه سعی ندارد از راههای دیپلماتیک در صدد میانجیگری بین دو کشور برآید.
جان سارهیل (وزیر انرژی آمریکا): هرگونه قطع نفت عراق یا ایران تاثیرچندانی بر ایالات متحده نخواهد گذاشت.
کارتر: درگیری بین عراق و ایران‌ممکن است مقامات ایرانی‌را وادار سازد ۵۲ گروگان آمریکائی را در ایران آزاد سازند... میتوانم بشما بگویم که اخیرا" علائمی از سوی ایران مشاهده شده که نشاندهنده تمایل شدید ایرانیان نسبت به حل مشکلات موجودبین ما وآنها می‌باشد.
پراودا: واشنگتن باپیروی از اصل تفرقه انداز وحکومت کن بدنبال‌براه‌انداختن جنگی درخاورمیانه‌اند تامیان ایران واعراب جدائی انداخته ویا ایران‌را درمقابل عراق قرارداده و یا بالعکس.
در اثر جنگ ارزش دلار و خصوصا" استرلینگ اضافه شده‌است زیرا درکشور آمریکا وانگلیس کمترین ضرر را ازافزایش قیمت نفت (ناشی از جنگ) متحمل خواهند شد.
صدای آمریکا: کارتر گفت این نبرد می‌تواند ایران قانع کند که به صلح نیاز دارد

محاکمه سعادتی تا اطلاع ثانوی بتعویق افتاد.
در ادامه جنگ ایران و عراق ۱۴ میگ عراق در تبریز، بوشهر، دزفول، ارومیه، کرمانشاه و سنندج سرنگون شد.
۵۹/۷/۲
امام: باید اشخاص و مقامات غیرمسئول از دخالت در امر فرماندهی خودداری کنندو فرمانده کل قوا به‌نمایندگی‌اینجانب و شورای فرماندهی مسئول امور جنگی هستند...
مردم مبارز ایران موظف هستند شایعه سازان را به‌دادگاههای‌انقلاب‌معرفی‌ونیروهای انتظامی همکاری کنند.
میلیونها نفر طی راهپیمائی در سراسر کشور خواستار گسترش آموزش نظامی شدند.
بنی صدر: (در پاسخ به سئوالی در مورد سرنوشت گروگانها و مسئله جنگ): ما یک ملت بالغ و رشیدی هستیم و در ارزیابی و قضاوت، مسائل دور و نزدیک را در نظر می‌گیریم اینطور نیست که یک حرکاتی در تصمیمات ما تاثیرات تعیین کننده بگذارد. با اینحال بسته به‌ابعادی‌که تجاوز پیدا میکند و روشن شدن نقشی که کشورهای دیگر در این مسئله دارند خواهی نخواهی در تصمیم مردم ما موثر واقع خواهد شد.
نامه سرگشاده جامعه‌مدرسین حوزه‌علمیه قم: درمیان این لوایح، لوایحی است که گرچه پوشش انقلابی و حمایت از مستضعفین دارد و حتی به نام اسلام معرفی شده ولی در واقع و به هنگام اجراء و عمل تاثیر سوآن روی منافع کشور و منافع مستضعفین آشکار است و هرگز نباید به لحن این لوایح و شعارهای انقلابی آن قناعت کرد و از محتوی آن غافل شد. از جمله این لوایح لایه‌اصلاحات‌ارضی است... امضاء: ناصر مکارم شیرازی، یوسف صانعی، و ....
۸ سند دیگرمرکزجاسوسی آمریکا وانگلیس فاش شد.
حبیب شطی خواستار میانجیگری "کنفرانس اسلامی" برای حل جنگ ایران و عراق شد.
سفیر لیبی در دیدار با رئیس مجلس خواهان اتحاد کلیه‌کشورهای‌اسلامی درمبارزه با آمریکا و صهیونیسم و دولت های دست‌ـ نشانده منطقه شد.
علیزاده نماینده قائم شهر: مردم ازما میخواهند که تکلیف این گروهها روشن شود و اگر اینکار انجام‌نشود مردم خودبطورقهرآمیز آنها را بدریای خزر می‌ریزند.
۵۹/۷/۳
در جلسات مجلس موافقین و مخالفین مطرح شدن مسئله گروگانها نظرات خود را ارائه دادند.
دولت یمن شمالی حمایت خود را از عراق در جنگ با ایران اعلام داشت.

۵۹/۷/۵
۲۱ میگ عراقی سرنگون شد.
ستاد مشترک ارتش: ۸۰ تا ۸۵درصداز تاسیسات‌نفتی عراق منهدم شد.

در حمله میگ های عراقی به یک‌دهکده ۱۳ تن از روستائیان شهید شدند.
۲۳ نفر از مردم مسجد سلیمان درحمله میگ های عراقی به این شهر شهید شدند.
مدیرعامل بهداری و بهزیستی تعداد شهدای اسلام آباد غرب را ۱۳۱ شهید اعلام کرد.
رجائی: چون جنگ بر ما تحمیل شده است و ما از انقلاب دفاع می‌کنیم بنابراین هیچگونه میانجیگری و مذاکره ای را نخواهیم پذیرفت.
وزرای "نفت" و "سازمان برنامه‌وبودجه" از مجلس رای اعتماد گرفتند.
مراکز آموزش نظامی سازمان بسیج در تهران به ۲۰ منطقه افزایش پیدا خواهدکرد

امام: آن چیزی که در جنگ مطرح‌است عدد نیست، آن چیزی که مطرح است، آن قدرت فکری انسان است. همان قدرتی که با اتکال بخدا در صدر اسلام یک عده کمشان لشگرهای زیادی را بهم میزد.

رئیس آموزش و پرورش و ۲۲ فرهنگی آبادان در بمباران محل اجتماعشان توسط نیروهای عراقی شهید شدند.
بنی صدر: ظرف امروز و فردا درس‌خوبی بعراق میدهیم.
حجت الاسلام خامنه ای: آمریکا و مزدورانش ایران را به جنگ تحمیلی‌کشاندند.

ملک حسین در ملاقات با صدام حسین حمایت خود را از عراق در جنگ با ایران، اعلام کرد.
عربستان سعودی، موریتانی و مراکش‌از عراق حمایت می‌کنند.
کارتر پیشنهاد تشکیل اجلاسی با شرکت قدرتهای مهم صنعتی جهان را داده است که در این اجلاس راههای تضمین کشتیرانی در آبهای تنگه هرمز مورد بررسی قرار گیرد.

والدهایم طی پیامی ضمن دعوت ایران و عراق به صلح گفت جهان عمیقا" نگران عواقب احتمالی این برخوردها در مورد صلح و امنیت بین المللی و نتایج اجتناب ناپذیر اقتصادی آن در منطقه و سایر نقاط‌جهان است.

ضیاءالحق ماموریت خود را جهت یافتن راه حل مسالمت آمیز جهت اختلافات ایران و عراق آغاز می‌کند.

امام: در هر نقطه که هستید مردم را برای جنگ و درگیری با آمریکا و اذناب‌خون‌ـ خوارش چون عراق آماده کنید که جنگ جنگ است، عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است... امروز روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگ زده کمک نمایند... امروز روزی است که ملت ما باید دست در دست سپاه و ارتش نجیب و دلیر گذاشته و به‌دشمنان بفهماند که بر فرض محال اگر وارد شهری شدند، تازه با مردمی مسلح و جنگجو مواجه خواهند شد ۵۹/۷/۷
۱۲ روستائی پیرانشهر در حمله جنگنده های عراق شهید شدند.
عرفات و ضیاءالحق با رئیس جمهور ملاقات کردند.
هانی الحسن: ما برای میانجیگری به ایران نیامده ایم.

ادامه دارد

* خودسازی انقلابی *

بر پایه شناخت ویژگی‌های انسان طراز مکتب از دیدگاه امام علی

وکان یفعل ما یقول ولا یقول مالا یفعل
بدانچه می‌گفت، عمل می‌کرد و آنچه را انجام نمی‌داد نمی‌گفت.

یکی از مهمترین وبرترین ویژگی پیشتازان راه رشد و تکامل وانقلابیون راستین مطابقت قول و فعل و یکی بودن زبان وعمل است. این زاهدان شب و شیران روز که به شناخت و ایمان عمیق و عملزا نسبت به هستی نائل آمده‌اند، خوب میدانند که چشم و گوش و قلب و دست و زبان و قلم و قدم هر انسان در قبال دیگر انسانها و حتی جنبندگان تعهد و مسئولیت دارد و در روز قیامت هر یک از اندامها به سخن درآمده، بر اعمال آدمی گواهی می‌دهند (سوره فصلت. آیات ۲۲ ـ ۲۰) بنابراین تلاش می‌کنند که اعضاء و جوارح خود را از ارتکاب گناه و خطا و حرام بازدارند.

اینان با وقوف به تاثیرات خارق‌العاده انطباق کلام و عمل بر دیگران و نیز با اعتقاد بدین مساله که "سخن گفتن عین عمل‌کردن است" خود را در برابر تک تک گفته‌ها و جملاتشان ملتزم ومسئول می‌شمارند (کافی جلد سوم صفحه ۱۷۷) و چون می‌دانند "دوصدگفته چون نیم‌کردارنیست" همواره سعی‌می‌کنند که وقتی به سخن درآیند و هنگامی شعاری را طرح‌کنند که با یک بشتوانهٔ عینی و عملی همراه باشد، یعنی خود بدان جامهٔ عمل پوشانده، نمونه و اسوه ادعاهایشان باشند.

آشکار است که وقتی فردی زبان و عمل و یا قول و فعلش توام نباشد و سخنش را از عملش نشمارد (کافی جلد ۳) از دو زاویه و جنبه اثر منفی و نادرست می‌گذارد.

الف ـ اثر بر خود:

جریان و تشکیلاتی که دائما" شعار انقلابی می‌دهد، حکومتی که دائما" از جامعهٔ قسط و حکومت عدل علی‌دم‌میزند، شخصی که هرچه به زبانش می‌آید میگوید و به تعاقبات و پیامدهای آن نمی‌اندیشد، فرد روحانی که مدام از صفات والای ائمه سخن می‌گوید، مدرس و معلمی که درس اخلاق و خودسازی میدهد و هیچیک درصدد نیستند به گفته‌هاشان عینیت بخشند، رفته‌رفته احساس دروغگویی و خیانت و ریاکاری کرده، متزلزل و دلسرد و نابابدار می‌گردند.

اینگونه جریانات وافراد وقتی سخنرانی می‌کنند، مقاله‌ای می‌نویسند، فرمانی صادر می‌کنند، تفسیر می‌گویند یا نصیحت و توصیه‌ای می‌کنند، چون خود عامل به گفته ـ هایشان نیستند، بتدریج احساس گناه و دوگانگی ودوروئی کشنده‌بدیشان دست‌میدهد، نتیجهٔ چنین‌حالتی آن است که درمواجهه با اولین برخورد تند و انتقادی از جانب دیگران با روباروئی با دشواریها و ناکامیها

چقدر دردآور است که گروهی مسلسل‌وار دم از مبارزهٔ ضدامپریالیستی و مصالح انقلاب و خلق و مکتب بزنند و در عمل از نوک بینی خود را بیشتر نبینند و حاضر نباشند مصلحت خود را فدای مصالح جمع کنند، حاضر نباشند کمبود سوخت و غذا و "برنامهٔ خاموشی" و "تقلیل مصرف" را تحمل کنند و حاضر نباشند در نبرد رودررو با امپریالیسم لباس رزم بپوشند.

و چه زیباست که آدمی حق را توصیف کند و خود بدان عمل کند (یصف الحق و یعمل به ـ خطبه ۱۸۶) و برخلاف منافقان گفتارش کم وکردارش فراوان باشد (امام کاظم "ع" ـ تحف‌العقول صفحه ۲۹۳).

وکان ان‌غلب علی‌الکلام لم‌یغلب علی ـ السکوت و کان علی ان‌یسمع احرص منه ان یتکلم: واگر در کلام بر او غلبه می‌یافتند در سکوت بر او غلبه نمی‌یافتند ودرشنیدن حریصتر از صحبت‌کردن بود.

بیش از این در مورد زبان و اهمیت کنترل آن و نیز "برنامه سکوت" بعنوان یکی از نخستین گامهای خودسازی اشاره کردیم. معلوم است که وقتی عقل آدمی به کمال رسد و بداند که گفتار او از روی کردار است، لزوما" گفتارش کم‌خواهدشد (سخنان ۶۸ و ۳۴۱ نهج‌البلاغه) در اینجا با توجه به وضوح و روشنی جملهٔ امام، در تائید و تکمیل گفته‌های پیشین صرفا" به ذکر فرازی از خطابهٔ حضرت در خطبهٔ ۱۷۵ ـ که از خطب بسیار پرمغز و پرمحتوی آن حضرت است، در مورد زبان اکتفا می‌کنیم. امام می‌فرماید: "از تغییر و تبدیل خلق‌وخوها (دورویی) برحذر باشید و زبان را یکی قرار دهید و شخص باید زبان خود را نگه دارد، زیرا زبان به صاحب خود سرکش است. سوگند به خدانمی‌بینم بندهٔ پرهیز ـ کاری را که تقوایش بدو سود بخشد تا اینکه زبانش را نگه دارد. به راستی زبان مؤمن پشت دل او است (به آنچه میگوید با تمام وجود معتقد است) و دل مؤمن پشت زبان اوست زیرا مؤمن چون بخواهد سخن بگوید در آن تامل و اندیشه کند، اگر نیکو بود، بیان کند، اگر بد و ناروا بود، بپوشاند و منافق آنچه به زبانش برسد میگوید و نمی‌داند کدام سخن به سود او و کدام سخن به ضرر اواست! و رسول خدا "ص" فرمود: ایمان بنده مستقیم و استوار نیست تا اینکه دل او استوار باشد و دل او استوار نیست، تا اینکه زبانش استوار باشد.

بسرعت اعتمادبنفس خود را از دست داده و بعلت ناتوانی در برخورد، تسلیم جریانات می‌گردند چرا که بقول‌حضرت رسول مثل ادعاکنندگان بدون عمل همچون تیراندازی است که بدون زه (کمان) تیر ـ اندازی می‌کند (الحیاه ـ جلد ۱).

از یکطرف چون تیری در چله ندارد، همواره متزلزل است و در برابر اولین هجوم تسلیم میشود و از طرف دیگر چون تیری شلیک نمی‌کند، اصابت به هدف هم در کار نیست و کلام او بی‌تاثیر می‌ماند.

ب ـ اثر بر دیگران:

سخن بدون عمل نه‌تنها اثرات مثبت ندارد (لاخیر فی‌قول‌الامع‌الفعل ـ مکارم ـ الاخلاق صفحهٔ ۵۱۷) بلکه تاثیرات منفی ناگواری نیز بدنبال دارد و بهمین دلیل مستوجب عذاب خداست (صف ۳ ـ ۲) زیرا علاوه بر اثرات منفی شخصی، از آنجا که هر برخورد و انتخاب وگفته وعمل آدمی در مفهومی وسیع بیانگر این معناست که فرد از دیگران میخواهد مثل او عمل کرده، براه او بروند. بقول سارتر "هر عمل انسان، یک درس اخلاق برای دیگران است" و خواه ـ ناخواه بر سایرین تاثیر می‌گذارد. زمانی که فردی حرفی رامی‌زند و خود بدان عمل نمی‌کند، در ذهن دیگران اینطور تداعی میشود که "پس میتوان حرفی را زد و خود بدان عمل نکرد" حال در نظر بگیرید که اگر این پدیده همه‌گیر شود و این‌عادت مذموم و بیماری خطرناک در اجتماع رایج گردد، چه خطرات عظیمی در بر خواهد داشت.

همانگونه که نصایح پدری که خود سیگار می‌کشد و از فرزندش میخواهد سیگارکشیدن را ترک کند، تاثیری بر فرزند نمی‌گذارد، طبیعتا" سخنان اینگونه اشخاص نیز همچون باران تهی از تری و طراوت از سینه‌ها زایل می‌گردد (منیه‌المرید، صفحه۴۸) و درست بهمین دلیل بود که پیامبر در روزی که خود خرما خورده بود، از منع‌کردن کودکی که مادرش از حضرت خواسته بود او را از خرماخوردن پرهیز دهد، خودداری کرد "رطب‌خورده منع رطب کی‌تواند؟".

انطباق حرف و عمل وتاثیر آن در پیشبـــرد مکتـب

اثرات فوق‌العاده یکی بودن قول و فعل در پیشبرد عقیده و رسیدن به هدف بر کسی پوشیده‌نیست. خداوند درسورهٔ فصلت آیه ۳۳ این موضوع را به پرشکوه‌ترین وجه و زیباترین شکل و در عین‌حال در قالب ساده‌ترین لغات طرح می‌کند:

ومن‌احسن قولا" فمن دعا الی‌الله و عمل صالحا" و قال‌انتی من‌المسلمین: چه کسی در گفتار نیکوتر از کسی است که بسوی خدا دعوت می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و میگوید من از مسلمانان هستم.

کدامین کلام تاثیرش زیادتر از گفتار کسی است که همزمان با دعوت به توحید خود عمل صالح انجام میدهد و بعد ازآن که در عمل اسلام و ایمان خود را نشان داد ابراز مسلمانی می‌کند.

کلیهٔ انبیاء و پیامبران و مصلحین و انقلابیون راستین افرادی بوده‌اند که‌پیش از "طرح خط" و دعوت مردم به خودسازی و حرکت و انقلاب خود در عمل نمونه و اسوه "انسان ایده‌آل" و "جامعهٔ ایده‌آلشان" را نشان میدادند.

محمد "ص" قبل از برانگیخته شدن از جانب خدا به "صداقت" و "امانت" در مکه شهره بود و صداقت او که ناشی از انطباق قول و عملش بود، تاثیر زیادی در جلب اعتماد توده‌ها و "طرح خط" داشت.

گاندی نجاتبخش هندوستان از استعمار انگلستان، پیش ازآنکه مردم را به "مبارزه منفی" و تحریم کالاهای انگلیسی بخواند خود با یک دوک نخریسی و یک بز روزگار می‌گذرانید.

امام خمینی زمانی که توده‌ها را به تداوم مبارزه تا سرنگونی پهلوی می‌خواند، خود پانزده سال تبعیدی رژیم بود و مردم تبلور گفته‌ها و اعتقاداتش را در لحظه‌لحظه زندگیش از نزدیک دیده بودند و اگر اینچنین نبود، گفته‌های ضدانقلابیونی که می‌گفتند "خمینی در پاریس نشسته و جوانان ما را به مقابل گلوله می‌فرستد" بر مردم اثر می‌کرد.

یکی از علل اصلی گسترش عقاید و تفکرات این رهبران، دقیقا" همان انطباق گفتار و کردار بوده است، زیرا از نظر روانشناسی اجتماعی، توده‌ها حقایق عینی و ملموس را بسرعت درک می‌کنند و به حمایت از آن برمی‌خیزند.

اینک ما با اعتقاد به کلام امام که هر کس می‌خواهد پیشوا و پیشتاز مردم قرار گیرد، قبل از نصیحت دیگران باید خود در عمل الگو باشد (حکمت ۷۰) عزم کنیم که بیش از فراخواندن دیگران به سجایای انقلابی و مکارم اخلاقی، نخست خود با متابعت از رسول خدا و ائمه، شهید و شاهد توده‌ها باشیم (کذلک جعلناکم امه وسطا لتکونوا شهدا علی‌الناس و یکون‌الرسول علیکم شهیدا) ـ یعنی در عمل به زهد و اجتهاد و نماز و امور خیر دعوت کنیم نه با زبان (امام صادق ـ وسایل‌الشیعه جلد ۱۱ صفحه ۱۹۴) بعبارت روشنتر پیش از هر سخن، وعظ و نصیحت، امر بمعروف و نهی از منکر خود را ارزیابی کرده، ببینیم که خودمان تاچه‌حد به گفته‌ها و شعارهایمان عمل می‌کنیم و جهد کنیم که سمت‌گیری کردار و گفتارمان در سوی ایده‌الهامان باشد. اگر شعار جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی می‌دهیم ومیگوئیم در چنین جامعه‌ای مومن بدون اجازه از جیب برادرش پول برمیدارد در شرایط کنونی سعی کنیم حداقل چنین روابطی را در خانواده با بین دوستان و یا در تشکیلات خود حاکم گردانیم. اگر مدام دم از خلق و توده و استضعاف می‌زنیم، به میان آنها رویم، در غم و شادیشان شریک گردیم، با دردها و مشکلات آن از نزدیک آشنا گردیم، به آنها بیاموزیم و از آنها آموزش بگیریم، آگاهی و تشکل آنها را ارتقا بخشیم و با عمل خود اعتماد آنان را به آرمانهای متعالی خویش جلب کنیم.

چقدر مضحک است که‌اشخاص‌وجریانات و سازمانهایی مداوما" دم از خلق و توده می‌زنند ولی حتی برای یکبار هم که شده حاضر نیستند محیطهای تنگ و محدود و بحث‌های روشنفکرانه و تمامی‌ناپذیر خود را رها کرده، در متن زندگی محرومان و مغضوبان قرار گیرند و با آنها به صحبت بنشینند.

ادامه‌دارد

درسهائی از نهج البلاغه

ویژه دانش‌آموزان

۱۰

۵

کاربرد روش شناخت برپایه توحید در امر انقلاب و سیاست و اداره امور کشور

قرآن که خود مبلغ توحید است، از روش و منطق تضاد حمایت میکند، جهاد و مبارزه را به مردم توصیه می‌نماید ـ البته کسی فراموش نمی‌کند که قرآن روش بحث و استدلال‌را هم بشدت تاکید و توصیه کرده است: "وجادلهم بالتی هی احسن"، اما اگر قرآن تابع روش شناخت بر پایه توحید می‌بود، بهیچوجه نمی‌بایست اعمال زور و جهاد را تجویز کند.

به کمک روش موردبحث باهمهٔ مخالفان انقلاب میشود کنار آمد و با همه آنان متحد شد، چنانکه گفته شد تصفیه ادارات و ارتش لازم نیست، مجازات ساواکیها غلط است، کنار گذاشتن آنان هم درست نیست، اصلا" ما نمی‌دانیم وقتی‌پیامبر فرمان‌داد نهصدنفر ازیهودان‌بنی‌قریضه رادر بازار پس از کشف توطئه سربریدند، از کدام روش شناخت پیروی نمـود، روش تضاد یا توحید؟ مسلم است که شیوه پیامبر با "روش شناخت بر پایه توحید" هماهنگ نبود و اصولا" رسول خدا در سراسر دوران رسالت خود از این روش منحرف بود و روش تضاد را بکار میبرد جنگهای پی‌درپی و دستور اعدام خائنان و جهاد با کفار و مشرکین همه نشانه‌های روش تضاد است. امام علی‌بن ابیطالب هم از روش تضاد پیروی کرد، نه فقط با معاویه که دشمن خارجی نبود، با خوارج و با طلحه و زبیر و عایشه هم جنگید. هر بار که مذاکره و بحث با مخالفان به نتیجه نمی‌رسید و کار به جنگ کشیده میشد، ضربه‌ای بود که بر روش "شناخت بر پایه توحید" وارد میشد. اگر علی می‌توانست با نصیحت و ارشاد معاویه که در این راه سعی فراوان مبذول داشت و نامه‌های بسیار نوشت، او را از دشمنی با حق بازدارد و وادار به بیعت با خود نماید، اگر علی میتوانست طلحه و زبیر و عایشه را با نصیحت و ارشاد از دست بردن به اسلحه مانع شود، اگر علی میتوانست بعد از آنهمه مذاکره و بحث و مناظره و استدلال و گفتگو و نصیحت و ارشاد خوارج، آنانرا از دشمنی با خود بازدارد و به صف مومنان وارد کرده وحدت را تامین کند، روش شناخت بر پایه توحید تائید شده بود. اما متاسفانه در کلیه موارد هم پیامبر و امام علی و هم امام حسن و امام حسین و دیگران و تاامروز که امام خمینی رهبری نهضت مردم را بدست دارند، "روش شناخت بر پایه توحید" شکست خورده است و همگی در برابر شرک از روش تضاد پیروی نموده و با دشمنان وارد جنگ مسلحانه شده و فتنه را با زور مهار کرده‌اند.

طرفداران روش شناخت بر پایه توحید از این نظر خیلی متاسف‌اند، اما چه میشود کرد، سنت الهی به میل وخواست کسی تغییرنمی‌کند "ولن تجد لسنت‌الله تبدیلا" سنت خدا راتغییرپذیر نخواهی یافت.

آنان روی روش خود اسم "توحید" گذاشته‌اند، یعنی که از اعتقاد به خداناشی میشود، تا هر کسی می‌خواند و می‌بیند، بلافاصله تصور کند این روش روی سنت‌های خدائی استوار است، آیا روش خـــدا بر اساس جذب و ادغام باطل است یـادفع آن؟ نظریه‌پردازان‌روش‌شناخت‌بر پـایه توحید، یکسره به روش جذب معتقدند، همه را میشود در هم جذب و ادغام کرد، اما قرآن هم جذب و هم دفع، هردو را توصیه می‌کند. آنان خیلی میل داشتند که اصلی در قرآن بیابند که روش برخورد را بر اساس جذب بصورت عام توصیه‌کند ولی‌قرآن سنت خدا را اینطور بیان میکند "ولولا دفع ـ الله‌الناس بعضهم ببعض لفسدت‌الارض ولکن الله ذوفضل علی‌العالمین" (بقره/ ۲۵۱) اگر خداوند بعضی مردم را به دست بعضی دیگر دفع (نابود) نمی‌کرد، زمین را فساد فرا می‌گرفت، لکن خدا نسبت به جهانیان صاحب فضل است. معتقد است اگـــر جهاد و سرکوب دشمن نباشد، اگر بعضی را به زور اسلحه و مجازات و عذاب و باانقلاب و انتقام از صحنهٔ حیات اجتماعی دفع نکنید، زندگی انسانی و طبیعت را فساد و آلودگی فرا می‌گیرد و عدل و صلح و ایمان و معنویت و امنیت همه از بین میرود. اگر توطئه‌گران و همکاران رژیم و مزدوران را دفع نمی‌کردید در توطئه‌های بعدی شرکت می‌جستند و فتنه برنمی‌انگیختند. اگر امروز دفع نکنید، فردا از صلح و عدالت، از امنیت و اسلام و معنویت خبری نخواهد بود. فرماندهی را که دستش در توطئه طبس آشکاربود براساس روش‌باصطلاح توحیدی تائیدوحمایت‌کردید، برهمان‌اساس ازافشای دست توطئه‌گران جلوگیری کردید و کسانی که در مظان اتهام‌بودند، مجددا" مسئولیت دادید و بازهم گفته شد دست به فتنه دراز کردند ـ مجددا" روش ارشاد و نصیحت را بر دفع فتنه و فتنه‌گر برگزیدید تا فتنه‌جو فرصت یابد از چنگ عدالت فرار کند، چنانکه بسیاری در سایه روش شناخت بر پایه توحید ازچنگ انتقام خلق گریختند و اکنون در خدمت امپریالیسم علیه انقلاب به تبلیغ و توطئه مشغولند.

شایدروش شناخت برپایه‌توحیدشما راواـ داشـــت تا با سرمایه‌داران وابسته از در صلح و آشتی درآئید و کارگر و سرمایه‌دار را به برادری و تعاون دعوت کنید و مالک و رعیت، فرمانده و سرباز، مدیر و کارمند را هم. روزیکه تظاهرات ضدانقلابی و ساواکی‌ها را جلوی کاخ نخست‌وزیری با نصیحت و ارشاد و بر اساس روش شناخت بر پایه توحید خاموش ساختید، شاید خوشحال بودید که در یک تجربه، این روش موفق شده است، اما قطعا" آنقدر بی‌اطلاع و یا ساده‌لوح نیستید که ندانید همه آنان بلندگوهای ضدانقلاب‌اند و این ایام باشدت و وسعت بیشتری به فتنه‌گری مشغولندوشبها به‌شکارپاسداران می‌پردازند.

البته این نکته را بگوئیم که غالب این افراد و عناصر با شما امکان وحدت و تفاهم دارند زیرا شما را "ضد" خود نمی‌یابند به عکس شما را که معتقد به تفاهم و جذب آنان هستید، یار و پناهگاه و حامی خویش می‌بینند، بهمین جهت گرد شما حلقه می‌زنند. نه! اشتباه نکنید، تفاهم و توافق آنان با شما نشانه توافق و همراهی‌شان با انقلاب نیست که آنرا دلیل پیروزی و درستی روش توحیدی ابداعی خود فرض کنید، آنان با انقلاب و مکتب و خلق در تضاداند، نه با شما ـ بهمین جهت تضادـ شان با خلق و انقلاب تاکنون علیرغم ارشادات و نصایح حل نشـــده و هر روز شدیدتر هم میشود. شاید بگوئید این وضع نتیجه اعمال روش تضادی است که از جانب دیگران بکار میرود، مثلا" سپاه پاسداران، بعضی گروهها، عناصری از دولت و شخص امام همه روش تضاد را دنبال میکنند و نمی‌گذارند جو تفاهم بوجود آید و مخالفان جذب شوند، همین جا اشاره کنیم که هر دفعی، منطبق با موازین دفع قرآنی نیست و لذا ما هر شیوهٔ دفعی را مکتبی نمی‌شناسیم و تائید نمی‌کنیم.

چه ضربه‌ها که از کاربرد این شیوه از جانب مسئولان لیبرال مسلک بر سلامت انقلاب وارد نشده است. سهل‌انگاری و تسامح در سرکوب ضدانقلاب وتصفیهٔ قاطع عناصر دشمن، مماشات با سرمایه‌داران وابسته، با فئودالها و خوانین و مالکان، مماشات با مزدوران سیا و ساواک، آزاد گذاشتن و حتی جلب همکاری آنان، و در نتیجه اتلاف گرانبهاترین اوقات عمر انقلاب، حاصل پیروی از این شیوهٔ برخورد با مسائل است.

مدافع این روش، اعمال هر قاطعیت انقلابی از جانب افراد سپاه یا جهاد سازندگی علیه مالکان و سرمایه‌داران و ضد انقلاب را تحت عنوان اعمال زور رد و محکوم میکند و یکی از دلایل مخالفت وی با این نهادها دقیقا" همان است که معتقد است آنان بر اساس تضاد عمل میکنند نه توحید. راست است آنان با دشمن، با شیطان و لشکریان شیطان بر اساس روش تضادی برخورد می‌کنند.

باید پرسید چگونه مدافع این روش میخواهد شیطان را سر عقل آورد و با نصیحت و ارشاد با او به وحدت و تفاهم برسد؟ شیطان نصیحت و ارشاد الهی را

بقیه‌درصفحه۱۶

مقدمه‌ای بر: (۱۶)

مسئلهٔ تشکیلات و سازماندهی

تشکیلات از دیدگاه جهانبینی توحیدی

یک تشکیلات توحیدی در وهلهٔ اول باید افراد را در رسیدن به مرحلهٔ خود ـ آگاهی و کسب بصیرت یاری کند. تشکیلات باید محل پرورش انسانهای آزاد و صالح باشد، انسانهائی که‌صالح برای پیشتازی انقلابات توحیدی باشند، انسانهایی که انگیزهٔ مبارزه و عملشان و غایت تلاشها و فعالیتهایشان خدا باشد.

تشکیلات باید بتواند "خود" فردا را در "خود" جمعی و در مسیر الله تعالی

> *انسان مکتبی باید آگاهانه بداند برای چه منظور مبارزه میکند و به تشکیلات می‌پیوندد. علت و فلسفهٔ مبارزه را در فطرت و خویشتن انسانی خویش بیابد، در نیازهای معنوی در روح تشنه و تعالی‌جوی خود، در روح انسانی جدا شده از مطلق هستی که اکنون درد هجران و دوری وجدائی او را رنج میدهد و بسوی معشوق می‌کشاند. انگیزهٔ مبارزه و کار تشکیلاتی باید از درون فطرت انسانی فرد بجوشد.*

حند، و بین فرد و جمع و جمع و مسئولیتهای الهی جمع وحدت و یگانگی بوجود آورد. با توجه به اصول و مبانی اعتقادات توحیدی، خصوصیات زیر را میشود برای یک سازمان مکتبی در نظر گرفت

پذیرش بر اساس آگاهی و انتخاب آزاد

تشکیلات مکتبی که بر جهان‌بینی توحیدی استوار است، باید چنان شرایطی پدید آورد که‌افراد آزاد از هر نوع فشار و جبر اجتماعی، روانی و تبلیغاتی و با آگاهی‌کامل نسبت به اهداف و عملکرد تشکیلات بسوی آن جذب و قبول همکاری نمایند. باید از هر نوع فشار اجتماعی چه از طریق تبلیغات نادرست و اغواکننده یا تحریک عواطف و احساسات و یا سایر عواملی که بنحوی شخص را از تفکر و تعمق بازدارد، پرهیز شود. داوطلبان باید دور از هر نوع وابستگی خاص و آزاد از هر جو عاطفی با مواضع یک سازمان سیاسی آشنا شده، به مطالعه‌وقضاوت درآن‌باره‌بپردازند. تشکیلات مکتبی در موقع پذیرش افراد باید به این نکته یعنی انگیزه و علت جذب افراد دقت کند که صرف رفاقت و آشنائی، خویشی و یا تحت تاثیر برادر و خواهر و معلم و قوم و خویش موجب علاقه به کار در آن تشکیلات نشده باشد. این پیوندها باید انگیزه شخص را به جستجو و حرکت، مطالعه و تحقیق، مبارزه و کار تشکیلاتی برانگیزد و بیدار کند، اما پیش از کسب آگاهی و تشخیص و قدرت انتخاب نباید به وابستگی شخص بیک سازمان خاص بیانجامد. از این رو اگر کسی خواهر و برادر کوچکتر خود را بدلیل تسلطی که از لحاظ معلومات و یا حالت روانی و عاطفی بر آنان دارد، بهتشکیلاتی که خود در آن فعالیت دارد بکشاند، قبل‌از آنکه فرصت‌دهد آنان با مسایل اجتماعی و سیاسی و دیدگاهها و جریانات مختلف همانگونه که هستند آشنا شوند، تبعیت و تقلیدی کورانه را به آنان تحمیل کرده است. وقتی گام اول تقلیدی بود، این حالت تا آخر ادامه می‌یابد. و یا اگر افرادی بعد ازکوش‌دادن بیک سخنرانی تهییجی و فقط یک سخنرانی با احساسات و عواطفی برانگیخته، اعلام همکاری کنند، نباید مورد قبول قرار گیرند، بلکه از آنان باید خواسته شود تا پیش از ورود، دید ـ گاهها و عملکرد آن تشکیلات و دیگرسازمانها و جریانات سیاسی فعال در جامعه را مطالعه کند و هنگامی که توانست بیک تشخیص نسبی در برتری یکی بر دیگران برسد، تقاضای همکاری بنماید.

پس دقت در چگونگی جذب‌شدن به تشکیلات از این نقطه‌نظر اهمیت زیاد دارد اگر قرار است افراد در یک تشکیلات مکتبی به مقلدینی بی‌اطلاع و دنباله‌روهایی وفادار تبدیل نشوند، از همان‌آغاز باید کار بر اساس آگاهی و استقلال در تصمیم ـ گیری و انتخاب استوار گردد.

تنها در بدو ورود به تشکیلات نیست که فرد باید دارای آگاهی کافی نسبت به ماهیت و عملکرد آن سازمان ودیگرجریانات سیاسی جامعه باشد، بلکه از آن پس هم آموزش و روابط تشکیلاتی باید بنحوی باشد که جلوی کسب آگاهی همه‌جانبه و تشخیص و انتخاب آزاد عضو را نگیرد. یعنی افراد تحت این عنوان که هوادار یا عضو یک تشکیلات یا حزب هستند، از مطالعه و آشنائی با دیدگاههای دیگر بطور مستقل منع نشوند. تشکیلات مکتبی نباید اعضاء رامکلف کند که جز نشریات سازمان و یا آنچه آن سازمان مجاز می‌داند، مطالعه نکنند، این رویه که در بسیاری سازمانها متداول است، به استقلال فکری اعضاء شدیداً لطمه وارد می‌آورد.

تحریم نشریات سایر گروهها و مطالعهٔ سایر دیدگاهها بهیچوجه باموازین مکتب سازگار نمی‌باشد. در چنین وضعیتی، یعنی هنگامی که اعضاء مجبور به مشاهده، مطالعه و خواندن چیزهائی هستند که سازمان مجاز شناخته است، به‌آسانی میشود حقایق مسخ شده و اطلاعات دست‌چین‌شده را از همان کانالهای انحصاری وارد مغز اعضاء کرد، میشود تصاویر نادرست از واقعیتها و از دیدگاهها و عملکرد سایر سازمانهاو احزاب به اعضاء ارائه داد، میشود اعضاء را از برخورد مستقیم با واقعیت‌ها بازداشت و هر اندیشه و تفکر یا قضاوت خاصی را به‌آنان تلقین نمود. این شیوهٔ عمل که باعث میشود شخص از تفکر آزاد ممنوع و درنتیجه از انتخاب و تصمیم‌گیری آگاهانه و آزاد محروم گردد، با جوهر انسانی و رسالت و مسئولیت خدائی افراد مغایر است.

انسان متعهد است که فقط از اموری تبعیت کند که دربارهٔ آنها اطلاع وآگاهی کافی و درست دارد، یعنی بشدت به‌آنها علم دارد، علم از نظر مکتب آن دسته از آگاهیهاست که با واقعیتهای مستقل از ذهن منطبق باشند. قرآن هرنوع دنباله‌روی و تقلید کورکورانه را نهی می‌کند *"لا تقف مالیس لک به علم ان السمع والبصر والفواد کل اولئک کان عنه مسئولا"* ـ از چیزی که نمی‌دانی پیروی مکن، بدرستیکه گوش و چشم و قلب همگی نسبت بدان مسئولیت دارند.

انگیزه کار تشکیلاتی

در یک تشکیلات مکتبی انگیزهٔ اصلی هر فرد در یک کلام "تقرب به خدا" ست. لازمهٔ تقرب به خدا تلاش و مبارزه در مسیر الله و جهاد با موانع و نیروهای بازدارنده است. لازمه آن آگاهی بر هدف نهایی و ایمان بدان و قانونمندیها و سنت‌ها و به دیگرسخن قضا و قدر الهی است. اهمیت این ویژگی از آنجاست که هر فرد در حال عادی ممکن است تحت تاثیر انگیزه‌های مختلفی جذب یک تشکیلات سیاسی شود، این انگیزه‌ها معمولاً به دو دستهٔ مادی و غیرمادی قابل تقسیم‌اند، از انگیزه‌های مادی میتوان نفع‌طلبی و سودجوئی، خدمت به منافع طبقاتی، کسب مقام و موقعیت برای جلب ثروت و افزایش قدرت و نظایر آن نام برد. انگیزه‌های غیرمادی از این دست عبارتند از: کسب وجهه یا حیثیت و موقعیت، شهرت‌طلبی، خود ـ نمائی، محبوب واقع‌شدن، از غافله عقب نماندن، لجبازی و چشم‌هم‌چشمی، رقابت یا حسادت، عصیان و ستیز کور، سرگرمی و تفنن و تفریح، و به عنوان وسیلهٔ گذران اوقات فراغت.

تشکیلات مکتبی باید با این انگیزه‌ها بطور جدی برخورد کند و آنها را از انگیزه های اصیل و توحیدی بازشناسد. بدیهی است شناخت انگیزه ورود افراد در وهلهٔ اول بطور کامل همیشه میسر نمی‌باشد، اما سازمان مکتبی نباید وفاداری فرد را با تقویت و با حفظ همان انگیزه‌هاجلب‌نماید. اگر سازمانی توانست افرادی با این نوع انگیزه‌ها را درون خود جای داده و در همان‌حال‌نگاهدارد، مسلماً سازمانی مکتبی نیست، سازمان باید در اولین برخوردها، انگیزهٔ فرد را برای مبارزهٔ تشکیلاتی تعیین کند. اهمیت این مساله بخاطر آنست که در یک تشکیلات توحیدی، محور و مبنا، انسان خودآگاه و بینهایت‌طلبی است که باید برای خداگونه‌شدن خود جهاد کند. در دیدگاه قرآن اینکار میسر نیست مگر آنکه افراد به خودآگاهی دست یابند. خودآگاهی متضمن بصیرتی است عمیق در چگونگی و چرائی هستی و موقعیت شخص در جهان و مسئولیتهایش، خود ـ آگاهی سبب بیدار شدن محرکها و نیازهایی میشود که عامل حرکت و تلاش انسان بطرف کمال هستند. تا کسی به ضرورت مبارزه نرسیده باشد، نمی‌تواند در یک مبارزهٔ و تشکیلات مکتبی شرکت جوید. این ضرورت باید در اعماق قلب وی حس شود، آنرا با تمام وجود درک کند، بصورت یک نیاز، یک عطش که فرد در پی آن یک لحظه آرام نخواهد ماند. انسان مکتبی باید آگاهانه بداند برای چه منظور مبارزه میکند و به تشکیلات می‌پیوندد، علت و فلسفهٔ مبارزه را در فطرت و خویشتن‌انسانی خویش بیابد، در نیازهای معنوی، در روح تشنه و تعالی‌جوی خود، در روح انسانی جدا شده از مطلق هستی که اکنون درد هجران و دوری و جدائی‌او را رنج میدهد و بسوی معشوق می‌کشاند. انگیزهٔ مبارزه و کار تشکیلاتی باید از درون فطرت انسانی فرد بجوشد، نه از تمایلات و هوسهای نفس که بوسیلهٔ عوامل و وسوسه‌های خارجی تحریک شده‌اند.

شناسائی و تصحیح انگیزه‌های مبارزه و کار تشکیلاتی باید پس از ورود فرد به تشکیلات ادامه یابد و تا خالص‌شدن کامل آن متوقف نگردد، تا جائی که فرد محرکی جز نزدیک‌شدن به خدا،آن مطلق وجود نداشته باشد و جز به‌ندای وجدان انسانی و روح الهی خویش برای رفتن و شدن جواب ندهد. خالص‌کردن انگیزه و فلسفهٔ مبارزه و کار تشکیلاتی بدین معنا نیست که فرد خود را از هر نیاز و محرک و تمایل بشری خالی کند. انسان با تمام ابعاد وجودیش ـ بعد بشری و بعد انسانی ـ انسان کاملی میباشد. در دیدگاه توحیدی، کشتن نفس و تمایلات نفسانی، رهبانیت و ریاضت، نفی و نهی شده است. وقتی نفس کشته شود، یعنی یک بعد یک قوه از قوای متضاد درون انسان نابود شده و با اینکار زمینهٔ ابتلاء از بین رفته است و کشمکشی نیست و حرکتی هم نه و لذاتکامل و تعالی هم نخواهد بود، بلکه این تمایلات و محرکها هر یک در حفظ حیات جسمانی و ادامهٔ زندگی ضروری میباشند. اما هدف نهایی حیات فرد، خیلی بالاتر از صرف حفظ حیات جسمانی یا طولانی کردن عمر است، تسلط بر نفس و فداکردن خواستهای نفسانی در وقتی که مبارزه برای اهداف عالی انسان ایجاب می‌کند، کاری است که باید انجام شود.

اگر انگیزه‌های افراد در تشکیلات خالص نشوند و همه در جهت قرب به خدا قرار نگیرند، وحدت تشکیلات بخطر می‌افتد *"ان الصلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین"* باید نصب‌العین و راهنمای عمل و حرکت فرد و مجموعه یک تشکیلات مکتبی باشد. وقتی انگیزه‌هاخالص نباشد، بسته به اینکه این نوع افراد در چه موضعی در تشکیلات قرار گیرند، نتایج و آثار متفاوتی ببار می‌آید. اگر تشکیلات مکتبی با حاکم کردن ضوابط و معیارهای مکتب مانع از ورود افرادی با انگیزه‌های ناخالص نشود و یا در جریان خودسازی به تصحیح و خالص‌کردن انگیزه‌ها موفق نگردد و افرادی با تمایلات و محرکهای غیرخدائی نظیر رهبری‌طلبی، فرصت‌طلبی،خودنمایی و ریا و نظایر آن در رهبری تشکیلات نفوذ کنند، دراینصورت سلامت حرکت تشکیلاتی بخطر می‌افتد و سازمان از خط اصیل خود منحرف میشود.

اما اگر رهبری یک تشکیلات زیر نفوذ و ید افرادی باشد که جز رضایت خدا و اجرای خواستهای وی نخواهند و ضوابط و اخلاقیات حاکم بر تشکیلات دقیقاً" این اصول را آموزش و تبلیغ و توزیع کند، در اینصورت اگر فردی با انگیزه‌های غیر ـ توحیدی وارد شود، یا در جریان عمل و خودسازی خود را بامعیارهای توحیدی هماهنگ می‌کندو محرکهای خود را تعالی می‌بخشد و با رسیدن به خودآگاهی و بصیرت، نیاز واقعی وجود خویشتن را درک و در پی آن راه می‌افتد و یا در غیر این ـ صورت ناچار از جریان حرکت به کناری می‌افتد و طرد میشود.

در سازمانهائی که ضوابط و معیارهای حاکم بر آن بر جهان‌بینی توحیدی مبتنی نیست و پیروزی منحصراً" در کسب قدرت سیاسی خلاصه میشود، کمیت اهمیت زیادی پیدا می‌کند و لذا در جذب افراد به تشکیلات، به انگیزه‌ها چندان اهمیت داده نمی‌شود. این نوع سازمانها از فرد وفاداری و تبعیت می‌خواهند، کار ندارند که در فلسفهٔ مبارزه تشکیلاتی فرد، "خدا" چه جایگاهی دارد و او تاچه پایه به خودآگاهی رسیده و نیاز معنوی و روحی خویش را احساس کرده است.

کمیت و کیفیت در تشکیلات مکتبی

در همین‌جا تفاوت دیدگاهها نسبت به کمیت و کیفیت نیروها روشن میشود. در سازمانهائی که بجای انسان، به قدرت و تشکیلات اصالت می‌دهند، تاکید زیادی روی کمیت افراد بعمل می‌آید و برای جذب هرچه‌بیشتر نیروها، از همه‌نوع وسایل و ابزار تبلیغاتی و تشکیلاتی استفاده میشود. اصالت دادن به کمیت سبب میشود که انگیزهٔ افراد و فلسفهٔ مبارزه وکارتشکیلاتی مورد توجه دقیق قرار نگیرد و در حذف افراد ناباب و یا تصحیح انگیزه‌ها دقت و وسواس بخرج داده نشود. جدائی افراد در این سازمانها یک مصیبت محسوب میشود و لذا برای جلوگیری از آن بهر اقدامی متوسل میشوند. چنانکه در یکی از سازمان های معروف، یکی از گردانندگانی که به تشکیلات اصالت بیشتری می‌دهد تا به ایدئولوژی، وقتی می‌شنود که یکی از کادرهای برجسته از مواضع ایدئولوژی سازمان عدول کرده است و تغییر ایدئولوژی داده، برای آنکه جدائی او ضربه‌ای به وحدت و انسجام و قدرت وحیثیت تشکیلات وارد نیاود، از وی میخواهد تا بخاطر سازمان (نه‌ایدئولوژی) جریان را مخفی دارد و به‌عکس تظاهر به مسلمانی کرده و حتی امامت جماعت را در نماز بعهده گیرد. این نحوهٔ برخورد، مسلماً" راهرا برای نفاق باز می‌کند یعنی به افراد می‌آموزد که برای حفظ انسجام و وحدت تشکیلات، اختلافات خود را پوشیده نگاه ـ دارند. رشد جریان فوق عملاً" وحدت آگاهانهٔ افراد را روی ایدئولوژی از بین می‌برد، و برخورد آزاد آراء و عقاید و طرح تضادهای ایدئولوژیک و سیاسی در درون سازمان منع میشود و افراد ناچار میشوند از دستورات و مواضع اعلام‌شده بی‌چون و چرا تبعیت نمایند و بدون تفکر و تحقیق و درک عمیق آنها، به دفاع طوطی‌وار بپردازند. ازاین‌پس‌انتخاب‌آزاد و آگاهانهٔ راه مطرح نیست، افراد غالباً" از عمق مسایل بی ـ اطلاعند وجملات و شعارها و شنیده‌ها و آموخته‌ها را طوطی‌وار تکرار می‌کنند، یعنی عملاً" به عروسکهای کوکی تبدیل میشوند که مسئولان آنها را در جهت معینی و برای دفاع و یا تبلیغ از مواضع معینی براه می‌اندازند. و آنان در برخورد با دیگر افراد یا هواداران سایر گروهها و احزاب، وقتی شروع به صحبت می‌کنند، تا پایان معلوم است چه خواهند گفت. در این بحث و مناظره اگر سوالی طرح شود، قادر به جواب نیستند و باز همان جملات و توجیهات را تکرار می‌کنند. هیچ واقعیتی حتی درخشانتر از آفتاب قادر نیست آنها را به تفکر و تجدید نظر در آن محفوظات القاءشده وادارد. مسلم است که با این شیوه جذب افراد سریعتر و آسانتر انجام و رشد کمی بهتر تامین میشود در صورتیکه اگر قرار باشد هر فرد پس از آگاهی کامل و بخصوص رسیدن به خودآگاهی و تعالی یافتن انگیزهٔ مبارزه و خلوص نیت جذب شود و یا در طی عمل و کار تشکیلاتی این معنا همچنان مورد توجه قرار گیرد و تصفیه و جذب بطور دائم ادامه یابد، خواه‌ناخواه باید کمیت فدای کیفیت شود. در اینصورت رفت‌وآمد، جذب و دفع افراد در تشکیلات ابتدا زیاد و بعداً" به‌سرعت بسیار کم ادامه پیدامی‌کند. البته جذب و دفع در یک تشکیلات بشرطی مفید و نشانه قدرت و انسجام درونی است که سازمان خود مثابه دریا یا رودخانه‌ای عظیم حرکتی استوار و مطمئن داشته باشد، یعنی عناصر اصلی و پیشتاز آن از وحدت کامل برخوردار باشند بطوریکه این رفت‌وآمدها تاثیری در مسیر فکری ـ سیاسی آن سازمان برجای نگذارد. بنابرآیهٔ *"کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن‌الله"* سازمان مکتبی در همه‌حال باید به رشد کیفی اعضای خود بهای لازم بدهد و هرگز تحت تاثیر وسوسهٔ قدرت کمی، کیفیت آموزشی و تربیتی افراد را فدا ننماید. تشکیلاتی که از لحاظ فکری و سیاسی و خصلتی از کیفیت بالایی برخوردار باشد، هراندازه از لحاظ کمی، اندک ـ قدرت عمل گسترده‌ای دارد و طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی را در اطراف خود نگاه می‌دارد.

> *سازمان مکتبی درهمه‌حال باید به رشد کیفی اعضای خود بهای لازم بدهد، و هرگز تحت تاثیر وسوسهٔ قدرت کمی، کیفیت آموزشی و تربیتی افراد را فدا ننماید و تشکیلاتی که از لحاظ فکری و سیاسی و خصلتی از کیفیت بالائی برخوردار باشد، هراندازه از لحاظ کمی، اندک ـ قدرت عمل گسترده‌ای دارد و طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی را در اطراف خود نگاه می‌دارد.*

عامل مهمی که به مقدار زیاد از جذب افرادی با انگیزه‌های غیرتوحیدی و یا اهداف مغرضانه به تشکیلات جلوگیری می‌کند، برنامه‌های آموزشی و عملی فشرده و سازنده‌ایست که باید از ابتدای ورود به مرحلهٔ اجرا گذاشته شوند. این برنامه‌ها که بمنزلهٔ "ابتلاء" در درجهٔ اول آشکار کنندهٔ ماهیت افراد است، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارند. در قرآن به این موضوع اهمیت زیادی داده شده، خداوند به کرات اعلام میکند که تصور نکنید بدون آزمایش و ابتلاء، حرف و ادعائی از شما پذیرفته می‌شود. ادعاها باید در عمل ثابت شوند و آزمایشهای مکرر و سخت برای آنستکه معلوم شود چه کسانی در گفته‌های خود صادق‌اند و چه کسانی کاذب *"احسب‌الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون"* عنکبوت/۲ ـ آیا مردم پنداشتند که رها میشوند که بگویند ایمان آوردیم و امتحان نمی‌شوند؟

اگر برنامه‌های تشکیلات درمرحلهٔ جذب بنحوی باشد که داوطلبان را در معرض امتحان و ابتلاء قرار دهد، هم انگیزه‌های واقعی آنان از ورود به سازمان آشکار میشود و هم در ارتقاء و تعالی محرکها و روحیه‌شان سخت مفید واقع میشود. بندرت اتفاق می‌افتد که افرادی با انگیزه‌های مغرضانه و توام با سوءنیت و یا از روی فرصت‌طلبی حاضر باشندآن‌امتحانات دشوار را با علاقه از سر بگذرانند. جزئی عدم صداقت و خودخواهی و فرصت طلبی سرانجام در جریان این ابتلائات خود رانشان می‌دهد. البته بشرطی که بر روابط افراد و نیز در تنظیم برنامه‌های عملی و آموزشی اصول و ضوابط مکتبی و معیارهای اخلاقی آن حاکم باشد. کسی که در پی نام و نشان یا مال و قدرت، یا رهبری و سروری و یا بمنظور پیشبرد هدفهای مغرضانه‌ای بسود بعضی جریانات دیگر وارد تشکیلات مکتبی میشود، به آسانی حاضر نیست از جان و مال خود برای مدتی طولانی مایه بگذارد و یا در تمام لحظات و فرصتها نقش بازی کند و تظاهر نماید. سرانجام در یک فرصت پردهٔ نفاق از چهره اینگونه افراد کنار زده میشود و عدم صداقت وی رو میشود. با اینحال نباید احتمال باقیماندن بعضی عناصر بسیار پیچیده و هوشیار از این دست را در یک تشکیلات مکتبی بکلی منتفی دانست. بهمین جهت باید امتحان و ابتلاء در تمام سطوح یک تشکیلات و به عنوان برنامه‌ای دائمی و مستمر اجرا شود. بخصوص که لازمه رشد و تکامل دائمی و قلاب هرچه بیشتر به خدا، درگیرشدن دائمی در ابتلائات سخت و آزمایشهای دشوار است ـ امتحان بعد از امتحان ـ جهادی بعد از جهاد لازم است.

قرآن یادآور میشود که آزمایشی که هجرت را بدنبال داشت، مسلماً" بسیاری افراد ضعیف و ناخالص و با انگیزه‌های غیر توحیدی را از مومنان جدا کرد. عناصر فرصت‌طلب یا مغرضان و جاسوسان دشمن به آسانی حاضر نبودند دست از خانه و کاشانه و مال و فرزند وآسایش و راحتی و سرمایه و کسب و کار خود بشویند. و راه دشوار و پرخطر بین مکه و مدینه را پیاده و سواره درنوردند، و مرگ و رنج وسختی‌را استقبال کنند، با اینحال که مهاجرین یک‌چنین امتحان دشواری را پشت سر گذاشتند، باز هم به ابتلائات سخت‌تری آزمایش میشوند و تا آخرین لحظهٔ حیات از آزمایش و درگیری و انتخاب فارغ نیستند. بعضی از هجرت نوبت جهاد است، جهاد با جان، با مال و جهاد علیه نفس *"ثم ان ربک للذین هاجروا من بعد مافتنوا ثم جاهد واو صبروا ان ربک من بعدها لغفور رحیم"* نحل آیه ۱۱۰ ـ همانا پروردگارت برای کسانی که پس از دچارشدن به آزمایش، هجرت کردند، و سپس جهاد کردند، و مقاومت ورزیدند، همانا پروردگار تو پس از آن آمرزنده و مهربان است.

ادامه دارد

بقیه‌ازصفحه۱

تحقق نظرات ذهنی خویش حاکمیت کنونی را نفی کرده و بدنبال آن برای اثبات نظریهٔ خویش به نفی دستآوردهامیپردازند و دیگری از جانب کسانیکه‌خودشان در طول دو سال گذشته در مسند قدرت و مسئولیت در تضعیف واز دست دادن این دستآوردها کوشیده‌اند و اکنون تنها جهت مبارزهٔ سیاسی خودشان و پاک‌کردن مشارکتشان در عملکردهای غیرانقلابی گذشته چنین روشی را پیش‌گرفته‌اند و جهت کسب حمایتهای سیاسی، مدعی میشوند که وضع با زمان شاه هیچ فرقی نکرده، بلکه بدترهم شده است!

هرچند نیروهای فرصت‌طلب، قشری، قدرت‌طلب و خودخواهان جاه‌طلب، سرنوشت انقلاب را ببازی قدرت‌گرایانهٔ خویش گرفته‌اند، و هرچند عدم‌برخورداری مسئولان از بینش‌ها و خصلتهای انقلابی مشکلات بسیار اقتصادی و سیاسی رادامنگیر انقلاب کرده است و هرچند عملکردهای انحصارطلبانه و قشری به حذف و طرد بسیاری از عناصر بیگناه و انقلابی‌ازصحنهٔ فعالیتهای اجتماعی منجرشده‌است، و... اما هیچکدام از اینها با وجودیکه هر یک هشداری و توجهی برای نیروهای مکتبی و انقلابی است، نباید مانع‌ازدیدن‌واقعیاتی شوند که توده‌ها در صحنهٔ جدال باخصم

عدار و دیرینهٔ خویش تحقق بخشیدند و بپای آن جان عزیزترین کسان خویش را داده‌اند. در اینجا سعی میکنیم عمده‌ترین دستآوردهای انقلاب را با همهٔ نقاط ضعفی که دارند، برشمرده و درضمن توجهی که از جانب مسئولان جهت ارتقاء و رشد و گسترش این دستآوردها ضروری میدانیم، از روشنفکران جامعه و نیروهائی که بکلی تمام دستآوردهای انقلاب را نفی میکنند، خواستار تامل و تعمق بیشتری در این زمینه میباشیم و امیدواریم با پیشگیری راههای اصولی و شیوه‌های انقلابی، علاوه بر حفظ این دستآوردها به پیشبرد و ارتقاء آنها در جهت تداوم انقلاب بپردازیم.

اصلی‌ترین دستآوردهای انقلاب را میتوان در چهاردسته ارزیابی نمود که به ترتیب در ذیل به بررسی آنها میپردازیم:

دستاوردهای سیاسی

الف ـ در زمینهٔ داخلی: انقلاب اسلامی ایران، به همت توده‌های جان‌برکف و باهدایت و رهبری سازش‌ناپذیر و قاطع امام طومار حیات یکی از ننگین‌ترین رژیم‌های استبدادی را که بحمایت از امپریالیسم و با تغذیه از استثمار مردم و با تکیه بر سازمان جهنمی ساواک اقتدار داشت، در هم‌پیچید. توده‌های مردم با برخورداری از زمینهٔ عینی استضعاف و با آگاهی از رهنمودهای رهبری و کسب آمادگی ذهنی، توان خویش را با اتحاد و حضور فعال خویش در صحنهٔ پیکارهای خیابانی و خانگی جهت درهم‌شکستن استبداد نشان دادند. نکتهٔ امام بر چنین مردمی و پیوند ناگسستنی آنها با یکدیگر که خود از ویژگیهای مهم انقلاب بشمار میرفت ومیرود توانست پیروزی خلق را بثمر بنشاند و حیات رژیم و دستگاه جاسوسی سیاهش ساواک را هم درهم‌بپیچد.

با درهم‌شکستن رژیم، توده‌های انقلابی بیاری نهادهای جوشیده از انقلاب سران نظامی و غیرنظامی رژیم را در دادگاه های خلق به جوخهٔ عدالت سپرده، با تشکیل نهادهائی چون کمیته‌ها، سپاه، جهاد، بسیج و دادگاههای انقلاب و...، ضربه‌های محکمی بر نظام دیوانسالاری ساخته و پرداختهٔ دست رژیم وارد آوردند و جوانان پرشور با حضور فعال خویش در این نهادها، به حل مشکلات مردم و هدایت آنها و افزایش آگاهیهای سیاسی در تداوم مبارزهٔ خویش پرداختند. هرچند وجود عناصر فرصت‌طلب و انحصارطلب و قدرت‌گرا در نهادهای انقلابی و فقدان معیارهای مشخص راهنمای عمل، گهگاه آنان را از رسالت اصلی‌شان بازداشته‌اند، بعنوان مثال در دادگاههای انقلاب، ضمن خطاهای متعددی که بوقوع پیوسته است، عناصری چون تیمسارباقری و.. از تیغ عدالت فراری داده شده‌اند و در عوض بسیاری از افراد صرفا" بخاطر فروش جزوه و یا کتابی دستگیر و زندانی و گاه به جزای بیشتری محکوم گشته‌اند، و یا در سپاه یا در جهاد و تصفیه‌های غیراصولی توسط نیروهای ارتجاعی و واپس‌گرا و نفوذ عناصر "ضدبهائیت" در آنها موجب دل‌آزاری بسیاری از انقلابیون راستین شده است، و جدالی که رئیس‌جمهور وحزب برسر رهبری سپاه داشته‌اند، باوجودیکه سپاه‌نهادنظامی جوشیده از انقلاب است و باید که بازوی نظامی انقلاب باقی مانده و در جهت حفظ دستآوردهای انقلاب بکار رود، نه آنکه صحنهٔ‌درگیریهای‌سیاسی‌ونهایتا"عامل‌تقویت یکی از دو جناح صاحب قدرت گردد. و یا شرکت کمیته‌ها در برخی از درگیریهای غیراصولی و دامن زدن به جو تشنج و سوء استفاده‌هائی که از امکانات و قدرت موجود توسط بعضی عناصر کمیته‌ها در زمینه‌های متفاوت شده است،موجب نگرانی مردم و ایجاد جو بدبینی گردیده، اما چه کسی در زحماتی که جوانان پرشور محلات درکمیته‌ها کشیده‌اند، بیداریهائی که در شبها تحمل کرده‌اند، مبارزات و از جان‌گذشتگیهائی که سپاهیان از جان‌گذشته با ضدانقلاب و هم اکنون در جبهه‌های جنگ از خود نشان داده و میدهند و تلاش شبانه‌روزی برادران و خواهران انقلابی در روستاهای اقصی ـ نقاط کشور در ارگانهای‌جهادسازندگی و عملکردهای دادگاههای انقلاب در محاکمه و اعدام سران خائن و سرسپردهٔ رژیم و عناصر ساواکی دارد، چه کسی میتواند اینهمه دستآورد را در این‌زمینه، بیکباره نفی‌کرده و نادیده انگارد؟ اشتباهات و انحرافات و انحصارطلبی‌ها و اعمال نظرها و تصفیه‌ها...، در این نهادها از یکسو متوجه نفوذ عناصر رژیم گذشته و فرصت ـ طلبان در آنها و از سوئی دیگر بعلت عملکردهای سازشکارانه و ارتجاعی مسئولان و مجریان میباشد.

ب ـ در زمینهٔ خارجی: شعار بعد از شاه نوبت امریکاست، در حین سقوط رژیم و پس از آن در میان توده‌ها مطرح شد و بخوبی روشن بود که پس از سردمداران رژیم، امپریالیستها و در راس آنهاامریکاست که ضربه خواهد خورد و از انقلاب زیان خواهد دید و بواقع‌نیز چنین خطی تا حدودی بخصوص پس‌از اشغال جاسوسخانهٔ امریکا، ادامه یافت و از جانب نیروهای ضد امپریالیست دنبال گردیدند. پایگاههای اقتصادی امریکا تا حدودی ضربه خوردند و پایگاههای نظامی امریکا برچیده شدند، مستشاران نظامی امریکا، و سایر دول امپریالیست اخراج گردید، قراردادهای خرید تسلیحات نظامی و قرارداد دوجانبهٔ نظامی ایران وامریکا لغو گردیدند. انقلاب همچنین رابطهٔ خود را با اقمار امریکا و کشورهای مرتجعی چون اسرائیل، افریقای جنوبی، مصر، شیلی، اردن و مغرب قطع کرد و خروج خویش را از پیمان نظامی ـ امپریالیستی سنتو اعلام کرد.

صدور نفت به ممالک امپریالیستی قطع گردید و با اشغال جاسوسخانه، اسطوره شکست‌ناپذیری امپریالیسم و در راس آنها امریکا شکسته شد و اسناد بزرگترین سازمان جاسوسی جهان ـ سیا ـ افشا گردید و توده های مردم با توطئه‌های بیشمارامپریالیستها آشنا گردیدند و چهرهٔ کریه و جهانخوار آنرا شناختند. شعلهٔ امید در دلهای مستضعفان جهان و بخصوص منطقه مشتعل گردید و مبارزات توده‌های تحت ستم اوج گرفت و پس از اشغال جاسوسخانهٔ امریکا در تهران، در چند کشور مرتجع و وابسته به امپریالیسم، نیروهای مردمی به چنین حرکت اصیل و انقلابی دست زدند. انقلاب، طرحی را که امریکا برای اتحاد ارتجاع منطقه با حضور سه ستون و پایهٔ آن اسرائیل، مصر وایران داشت، بر هم ریخت وموازنهٔ قوا را در منطقه بنفع نیروهای ضدامپریالیست و جنبش‌های آزادیبخش و بضرر ارتجاع منطقه و بخصوص رژیمهائی که به سقوط نزدیکتر بودند، تغییر داد. توطئه‌های بیشمار امپریالیستها و مرتجعین مانند کودتا، حملهٔ نظامی، عملکردهای ضدانقلاب و ساواکیها در جای جای کشور انقلابی ایران و در لحظه‌لحظهٔ انقلاب خونبار که با حضور توده‌ها در صحنه و ایثار آنها خنثی شده است، دلیل توان فوق‌العادهٔ انقلاب در مقابله با دشمنان خویش بوده است.

انقلاب با مواضع ضدامپریالیستی، صف‌بندی مشخصی از نیروهای ضدامپریا ـ لیست و ارتجاعی بوجود آورد و هرقدر میزان اوج‌گیری شور و شعور ضدامپریالیستی انقلاب بالا رفته، این‌صف‌بندی مشخص‌تر شده است، دوستان و دشمنان انقلاب بخوبی شناخته شدند. حمایت نیروهای مترقی مانند لیبی، الجزایر و سوریه و جنبش فلسطین و کرهٔ شمالی و بطور کلی جبههٔ پایداری و صف‌بندی مرتجعینی چون عربستان، اردن، شیخ‌نشینها، مصر، اسرائیل، مغرب، و عمروعاصهائی چون پاکستان با تعمیق مبارزهٔ ضدامپریالیستی مردم، هر روز مشخص‌تر شده است.

از سوی دیگر مشخص‌تر شدن‌صف انقلاب و توده‌ها و نیروهای انقلابی با سازشکاران داخلی بخصوص پس از اشغال جاسوسخانه، و شناختی که توده‌ها در پرتو مبارزهٔ ضد امپریالیستی و افشای اسناد جاسوسخانه از خط سازش در انقلاب ـ هرچندبطورناقص ـ بدست آورند، از دستآوردهای بسیار مهمی است که در تعمیق و رشد انقلاب کمک شایانی نموده و امید که از این پس نیز با حضور توده‌ها و تداوم خط سازش‌ناپذیر انقلاب و افشای هرچه بیشتر چهره‌های سازشکار و مرتجع در نزد مردم، کمکهای لازم و روشنگریهای ضروری را نموده، در اتخاذ مواضع قاطعی از سوی مردم و رهبری درامر تداوم مبارزه نماید. بدون شک نفوذ مسئولان سازشکار و عناصر مرتجع در مسئولیتهای حساس تاکنون باعث شده است که از شور ضدامپریالیستی توده‌ها استفادهٔ لازم بعمل نیاید و ضمن هرز رفتن این نیروها به انفعال و یاس اقشاری نیز منجر شده است.

***

دستاوردهای فرهنگی

روح مصرف‌گرائی و اتکاء به غرب و اصالت به خارج از خود و تفاخرات پولی و ابزاری، در پرتو حرکت شکوهمند انقلاب در هم شکست و روحیهٔ عالی اتکاء به خود و بازگشت به خویشتن اصیل انسانی و تکیه

> *پایگاههای اقتصادی امریکا تا حدودی ضربه خوردند و پایگاههای نظامی امریکا برچیده شدندانقلا بعمچنین رابطهٔ خود را با اقمار امریکا و کشورهای مرتجعی چون اسرائیل، آفریقای جنوبی، مصر، شیلی، اردن و مغرب قطع کرد و خروج خویش را از پیمان نظامی ـ امپریالیستی سنتو اعلام کرد.*

بر ویژگیهای توده‌ای و خلقی و فارغ شدن از روحیهٔ مصرف‌پرستی بخصوص در دوران انقلاب، اوج و افزایش بسیار یافت. توده‌ـ های مردم در متن مبارزات خویش، با سختیها و ناملایمات و کمبودهای مختلف روبرو شدند و هرچند عدم تعمیق این ویژگیها پس از انقلاب و بخصوص باگذشت دو سال از انقلاب، در بعضی اقشار رو به سستی گرائیده است، که آن نیز معلول عملکردهای سازشکارانه و ارتجاعی مسئولان است، اما هنوز بر مجموع مردم این روحیه و تمایل، به علل گوناگون حاکم میباشد. ارزشهای ارتقاء رشد و تکامل و پیشرفت بکلی دگرگون شدند و تفاخرات پوچ به ابزارو ثروت و تجملات جای خود را به زندگی انسانی و اسلامی و اخلاق و سابقهٔ مبارزاتی و روحیهٔ تعاون و همکاری و ایثار بخشیدند و موانع و دیوارهای شیشهای میان مردم شکسته شد، و ارتباطات و تماسهای مردم افزایش پیدا کرده و در اثر این تماسها روحیه‌ها و آگاهیها بسوی تمایلات انقلابی و مکتبی سوق‌پیداکردند.

بجای اتکاء به نیروهای خارجی و فرهنگ غربی، نیروهای اصیل انسانی شناخته‌شده وارزشهای فرهنگی و تاریخی توده‌ها زنده گردید و در پناه آزادی بدست آمده، استعدادها و نیروها و قوای بالقوه، بفعل درآمد و اختراعات متعدد و سازندگی های گوناگون در رشته‌های صنعتی و غیره تحقق یافت. اخلاق فاسد و مبتذل و کردار های غیراسلامی و غیرانقلابی از افراد بدور ریخته شد، و هنرهای مردمی رشد نموده، و بعنوان مبارزه با فساد نیروها برای مبارزه با زمینه‌های عینی فساد مانند مواد مخدر و فحشا و زمینه‌های ذهنی آن بخصوص رشته های گوناگون هنری متمرکز شد و بجای آن روابطی بر مبنای اخلاق و ویژگیهای انقلابی ـ مکتبی بر هنر حاکم گردید.

جریان حاکم بر وسایل ارتباط جمعی بخصوص رادیو و تلویزیون و سینماها که شب و روز تبلیغ روحیهٔ مصرف‌پرستی و تجمل‌گرائی و فساد را ترویج می‌دادند، بکلی دگرگون گردیده و این وسایل با عمق تاثیری که در توده‌ها دارند، با استفاده از امکانات صدا و تصویر در جهت آگاهی توده ها و آشنائی آنها با تجربیات انقلابی در سایر نقاط جهان پرداختند. روحیهٔ جدائی در خانواده‌ها که در اثر جو حاکم بر جامعه ایجاد شده بود و تنها در روابط کار و تفریح و خور و خواب محدود بود و منجر به عدم شناسائی افراد خانواده‌ها از یکدیگر میشد، تبدیل به روحیهٔ همزیستی آگاهانه و شناخت ویژگیها و استعدادها و خلقیات و روحیات یکدیگر گردید و فواصل بین فرزندان و پدران و مادران تا حدود زیادی برداشته شد و روحیهٔ وحدت و تعاون در خانواده‌ها حکمفرما شد.

هرچند پاره‌ای از این دستآوردها دستخوش تغییرات انحطاطی شده‌اند و مجددا" مناسبات و روابط و روحیات و جهت‌گیریهای مبتذلی در هنر و سینما و گاه تلویزیون و روحیهٔ جدائی در روابط خانوادگی، حاکم شده است، اما اینهمه دستآورد را با چند نمونه که هرچند نباید باشند، نمیخواهند انکار نمود.

افزایش سطح آگاهی توده‌های مردم و افزایش سواد عمومی بخصوص با تشکیل نهضت سوادآموزی در شهرها و بخصوص روستاها، تاسیس مدارس، کتابهای متعدد در روستاها و شهرها و ایجاد و تقویت و رشد جو انقلابی در روستاها، با توان و همت نیروهای مومن به انقلاب رو به افزایش بوده و همچنان ادامه دارد.

دستاوردهای اقتصادی

بدنبال مبارزهٔ ضدامپریالیستی، درهم شکستن پایگاههای اقتصادی امپریا ـ لیسم تا حدودی در زمینهٔ صنعت‌وکشاورزی تحقق بخشیده شد، و بجای آن شیوهٔ استقلال و اتکاء به نیروهای خود و تلاش و کوشش شبانه‌روزی در جهت ایجاد کشاورزی و صنعت خودکفا و مستقل شیوهٔ حرکت مردم و نیروهای انقلابی گردید. در زمینهٔ کشاورزی، شرکتها و تاسیسات کشت وصنعتی که متعلق به کشورهای امپریالیستی و سران رژیم بود، ملی اعلام شده و املاک وابستگان به رژیم مصادره و با تصویب قانون واگذاری زمین، مبارزه با فئودالها اوج گرفت و مقداری از زمینها بین صاحبان اصلی آن تقسیم گردید و بهمت جوانان انقلابی و جهاد سازندگی و هیئت‌های هفت‌نفره، شوراهای دهقانی تشکیل وامر مبارزه با فئودالها را در بسیاری از روستاها سازمان دادند.

در زمینهٔ مبارزه باسرمایه‌داران وابسته بسیاری از کارخانجات ملی اعلام گردید و

> *به‌صحنه‌آمدن‌میلیونهازنی‌که‌درطول‌سالیان‌سال‌حیاتشان‌درفاصله بین مطبخ و فراش می‌گذشت، و حضور فعال آنان در صحنهٔ فعالیتهای اجتماعی و مبارزه با دشمن، و شکسته شدن بسیاری از قیود و دگماتیسم‌ها و محجوریت‌ها که در مورد زنان مرعی میشد، گوشه‌ای از دستآوردهای انقلاب خونبار خلق ماست.*

بقیه‌درصفحه۱۴

درحاشیه لایحه بازسازی

بقیه‌ازصفحه۱

دیدگاههای خود را در این‌رابطه مطرح سازیم :

چنانکه می‌دانیم یکی از پایگاههای مهم امپریالیسم ، سیستم بوروکراتیک و غریض و طویل ادارات و وزارتخانه‌ها است که بنا به ماهیت و فرهنگ غربی حاکم بر این نهادها ، در جهت منافع امپریالیسم عمل می‌کنند و هیچ سنخیتی با آرمانهای مکتبی و رفع نیازها و مشکلات انقلاب و توده‌های مردم را ندارند .

خصوصیات عمدهٔ این نهادها :

اولا" بوروکراسی و کاغذبازی حاکم بر این سیستم که انجام یک کار کوچک و سادهٔ اداری را به ماهها و حتی سالها به تعویق می‌اندازد که تناسبی با عملکردها و نیازهای انقلابی توده ندارد .

ثانیا" وجود شغلها و بخشهای بی‌مورد و اضافی که عدهٔ کثیری را بدون اینکه کار مثبتی چه در جهت رشد جامعه و چه در جهت رشد خودشان انجام دهند ، جذب می‌کند (کار کاذب) .

ثالثا" وجود عناصر وابسته به رژیمهای صدمردمی وامپریالیستی ، وابسته به ساواک ردههای بالای حزب رستاخیز و . . . بخصوص در قسمتهای بالای این ادارات و وزارتخانه‌ها .

رابعا" وجود فرهنگ غربی و مصرفی و رفاه‌طلبی و امنیت‌خواهی و روحیهٔ غیر ـ انقلابی حاکم بر کارکنان این نهادها که ناشی از سمت‌گیری و ماهیت درونی خود این سیستم است که این فرهنگ را پرورش و ترویج می‌نماید .

بدنبال پیروزی مرحله‌ای انقلاب و حرکت انقلابی توده‌های مستضعف روشن بود که سیستم اداری گذشته بنا به ماهیتش توانائی برآوردن خواستهای مکتبی مردم و بارورکردن جوهر مکتبی انقلاب وتداوم آن را ندارند و امید میرفت که با حاکمیت بینش انقلابی و مکتبی بر مسئولین و تداوم انقلاب . دگرگونی بنیادی در این نهادها بوجود بیاید چنانکه ضرباتی نیز بر این نهادها وارد آمد ، مثل فرار یا کنار گذاشتن مدیران و رؤسای ادارات و . . . و نیز شاهد بودیم که نهادهائی انقلابی و متناسب با جوهرانقلابی‌از جمله سپاه ، جهاد ، دادگاه های انقلاب‌و . . . در برابر این سیستم با شرکت عناصر جوان ، صادق و انقلابی بوجود آمدند که کشش مبارزات ضد ـ امپریالیستی را دارا بودند (در این جا بحث از سیر این نهادهاو حاکمیت بینش ـ های انحرافی ، قشری و تنگ‌نظرانه بر این نهادها نداریم) .

متاسفانه با ماهیت لیبرالی و سازش ـ کارانهٔ دولت موقت ، نه‌تنها سعی در جهت تثبیت این نهادهای امپریالیستی بعمل آوردند ، بلکه موانع زیادی بر سر راه نهادهای انقلابی بنام اخلال در امور ، مراکز خودکامه و . . . بوجود آوردند . از طرف دیگر با بینش قشری و تنگ‌نظرانه و انحصارطلبانهٔ جناح دیگر با اینکه خواستار تغییر در این سیستم بودند ولی عمدتا" خواستار تغییر در روبناها و تغییرات رفرمیستی "مانند حجـــاب ، تغییر آرمها و . . . " بودند ، و شعار تقویت نهادهای انقلابی را می‌دادند ولی با شرط حاکمیت خودشان و کسب قدرت کامل برای خود و حذف نیروهای مخالف ، گروهها وعناصر مؤمن و صادق و انقلابی و . . .

طی پیامی که امام در رابطه با سیستم ادارات و وزارتخانه‌ها دادند و مسئولین را شاهنشاهی معرفی کردند و چندین بار نیز روی این امر تکیه داشته‌اند ، امید میرفت تا مسئولین با این موضوع برخورد قاطعتری بکنند . بعد از آن فرمان ، شاهد تشکیل هیئت‌های پاکسازی بودیم که فی‌نفسه عملی انقلابی و ضدامپریالیستی در جهت منافع مردم بود ، مخصوصا" با ترکیبی که تعدادی از این هیئت‌ها داشتند ، امیدوارکننده بود ولی این‌هیئت‌ها دارای اشکالاتی بودند :

۱ ـ حاکمیت بینش قشری و تنگ‌نظرانه و انحصاری بر اکثر هیئت‌ها که بجای تصفیه و پاکسازی عناصر ضدانقلاب ووابسته و برخورد با سیستم ادارات و وزارتخانه‌ها نیروهای انقلابی و مومن را تصفیه کرده و در تغییر سیستم به تعویض آرمها و حجاب بسنده کردند . چنانکه تصفیهٔ خیلی از عناصر به جرم خواندن نشریه گروهی و یا اعتقاد به فکری خاص از ادارات و موسسات و کارخانه‌ها و . . . را شاهد بودیم .

صرفنظر از کارهای انقلابی ، بعضی از هیئت‌ها در جهت برخورد با عناصر ضد انقلاب و سیستم ادارات که مورد تائید میباشند) .

۲ ـ تحت فشار بودن هیئت‌های پاکسازی از طرف لیبرالها و عناصر سازشکار که بهیچ‌وجه اعتقاد به برخورد با سیستم و تصفیه نداشتند از یک‌طرف و از طرف دیگر قشریون سعی در یکدست‌کردن هیئت‌ها و حاکمیت مطلق برآنها را داشتند که حتی به اخراج عده‌ای از عناصر فعال و مترقی منجر گردید .

درهرصورت با حاکمیت لیبرالها و قشریون بر نهادها و تضاد قدرت آنها ، این هیئت‌ها نیز نتوانستند بطور شایسته در دگرگونی سیستم عمل کنند و هر دو جناح یکی بعلت ماهیت لیبرالی کهاصولا" تضادی با سیستم اداری گذشته ندارد و یکی بعلت عدم شناخت درست از ماهیت سیستم و دیدگاههای تنگ‌نظرانه وانحصار ـ طلبانه ، که هیچ‌نیرویی غیر از خود را شایسته برای ادارهٔ امور نمی‌داند ، عملا" هر دو در جهت تحکیم سیستم عمل می‌نمایند .

اخیرا" نیز که لایحهٔ بازسازی تقدیم مجلس شده است ، اگرچه هدف را بر تغییر سیستم و پاکسازی عناصر ضـــد انقـــلاب و وابسته به رژیم سابق مطرح کرده اســـت که امیدوار کننده‌میباشد ،ولی اصـــول و موادی که در رابطه با تصفیه و معیارهـــا ی پاکسازی عناصر آمـــده است کامـــلا " واضح نبوده و عمدتا" تصفیهٔ عناصر منحرف و مخالف مطرح گردیده که با توجه به ماهیت قشری و تنگ‌نظرانه موجود مورد سوءاستفاده قرار گرفته وهرعنصری حتی انقلابی و صادق را که در جهت انتقاد بر دولت باشد ، میتوانند براحتی از تیغ تصفیه بگذرانند . جملات دوپهلو و کلی و مبهم میتواند میدان را برای تصفیهٔ هر عنصری که تن به تبعیت بی‌چون‌وچرا ندهد شامل شود و منجر به حذف و طرد و یا حداقل بازنشستگی و بازخریدی و جریمه‌اش گردد .

ما چنانکه بارها نوشته و اعلام کرده‌ایم معتقدیم که بنا به ماهیت سیستم ادارات و وزارتخانه‌ها درجهت‌حفظ منافع امپریالیسم و نیز کوشش عناصر لیبرال و سازشکار در جهت تثبیت و تحکیم این سیستم ، بدون برخوردی انقلابی و قاطع در دگرگونی این نهادها و تصفیهٔ قاطع عناصر ضدانقلاب و وابسته به رژیم سابق به هر نحو موفق نخواهیم بود و می‌دانیم که دگرگونی صرفا" شکل و رفرمها نیست ، بلکه یک تغییر و انقلاب ماهیتی است که در این‌تغییر باید هرگونه بینش قشری و تنگ‌نظری و انحصار ـ طلبی را کنار گذاشته و با کمک‌گیری از عناصر صادق و مومن به انقلاب که حاکمیت سیاسی انقلاب را پذیرفته باشند ، در هر یک از این نهادها با تشکیل شوراهای اصیل در جهت بازسازی بنیادی ادارات و تصفیهٔ عناصر وابسته و ضدانقلاب و تقویت نهاد ـ های انقلابی عمل نمائیم . اگر بجز این برخوردی با مسالهٔ ادارات و موسسات دولتی شود ، نتایج‌سوئی ببارخواهد آورد .

معتقدیم که بدون برخورد با افکار قشری و تنگ‌نظریها و تکیه بر توده‌های انقلابی ادارات و بکارگیری عناصر صادق و مؤمن به انقلاب قادر به انجام چنین مهمی نخواهد بود .

امری که بر برخی از دولتمردان مشتبه گردیده ، تفاوت استفاده از فن و تجربه و تخصص و سپردن رهبری و مدیریت بدست متخصصین و اهل فن میباشد ، بسیاری از شغل‌های دولتی صرفا" احتیاج به کارشناسی دارد که بوظیفهٔ خود آگاه بوده و بتواند نیازهای فنی و تکنیکی خاصی را برآورده کند . اینگونه شغل‌ها و پست‌ها دخالتی در امور سیاست وادارهٔ مملکت نداشته و ندارند . این مجموعه سیستم و مدیریت آن است که باید تحت نظارت انقلاب اداره شود وگرنه اگر قرار بود در هر انقلابی تمامی افراد را عوض‌کرده و "مؤمنین" را بجای گذشتگان بگمارند ،هیچ انقلابی شکل نمی‌گرفت و قوام نمی‌یافت . از ابتدای انقلاب تاکنون بسیاری افراد بی‌جهت بنام پاکسازی طرد و حذف شدند و ترس و دلهره بنحوی بر باقیماندگان سایه افکند که با جان و دل بکار نپرداختند . بی‌جهت نیست که مقامات کانادائی از انقلاب ایران اظهار رضایت می‌کنند زیرا در سایهٔ همین انقلاب بوده که بگفتهٔ خود آنان ۳۵۰۰۰ کارشناس و مهندس و دکتر و . . . به کانادا عزیمت کرده‌اند و یکی از علل‌اصلی‌اینگونه فرارها ، گذشته از عامل ضعف درون و وابستگی برخی از آنان ، به نحوهٔ برخورد دولتمردان با این مساله برمیگردد . در انقلاب الجزایر هم بر سر نحوهٔ‌ادارات و موسسات مشکل وجود داشت‌و آنان بدین طریق به حل این معضل اقدام کردند که در کنار هر کارشناس و یا چند کارشناس یک مجاهد الجزایری را گماردند تا خط‌انقلاب را او کنترل و حفظ کند و کارشناس و متخصص مربوطه نیز خط اجرائی کارها را .

آنچه که بر لایحهٔ بازسازی دولت حاکم است ، روحیهٔ ضعف و بینش تنگی است که در مجموعهٔ آن بچشم میخورد . اگر انقلاب با قدرت و توان به بازسازی چرخ‌های اقتصـــادی ، اجتماعـــی ، سیـــاسی مملکت بپردازد ، هیچ‌ترسی ازعقیده و نظریهٔ یک فرد در یک‌اداره و موسسهٔ دولتی نخواهد داشت که این‌چنین با ذره‌بین بدنبال درجه "ولایت" شخص باشد و اینچنین معیارهائی که در بندهای مختلف لایحهٔ بازسازی بچشم میخورد ، چه نتیجه‌ای جز رواج تظاهر و فریب واخلاق دوگانه خواهد داشت؟ فردی که می‌بیند که ممکن است بعلت بالا نبودن آلیاژ اعتقاد او به "ولایت فقیه" از اداره حذف و طرد شود ، هرچند اعتقادی هم به این امر نداشته باشد ، برای حفظ موقعیت خود به تظاهر و فریب و تقدس ظاهری و اعتقاد جزمی و مادرزادی! به ولایت‌فقیه و یا فروع‌دین و دیگر قیودی که در لایحهٔ بازسازی دولت عنوان شده ، دست خواهد زد . اینگونه وسواس و برخورد قشری آدمی را بیاد دوران صفویه می‌اندازد در عهد صفویه سردمداران تشیع صفوی کوشیدندبا حفظ ظواهر شرع به احیای آئین و مکتب اقدام کنند ، از جمله آن اقدامات حاکم‌گیلان شنیدنی است که هر شب دستور میداد شیپورها از نصف‌شب بصدا درآیند و ملت را از خواب بیدار کنند تا همگی تا صبح به گرفتن وضو برای نماز صبح اقدام کنند ، تا اگر خدای نکرده! وضوی آنان در بارهای اول و دوم و . . . درست نبود ، بالاخره در طول مدت شب تا صبح ، یکی از آنها درست درآید ! اجبار به حفظ رعایت ظواهر شرع تا وقتی فرد از درون متحول نشده باشد ، جنبهٔ موقت و تصنعی خواهد داشت و بمحض آنکه اجبار برداشته شد ، دوباره فرد به حالت سابق برخواهد گشت . انقلاب وظیفه دارد تا با تحول درونی اشخاص با رسانیدن آنان به خودآگاهی وجودی ، معیارها و ضوابط مکتبی را به فرد تفهیم کند و در عین‌حال او را در پذیرش و عدم پذیرش عقیده آزاد بگذارد . خدای رحمان نیز بر بندگانش تبعیت از خودش را به اجبار دستور نداده "لااکراه فی‌الدین قدتبین‌الرشد من‌الغی " این خود فرد است که بعد از ارائهٔ طریق باید در راهی که انتخاب کرده ، گام بگذارد (*انا هدیناه ـ النجدین اما شاکرا" اما کفورا"*) .

این همه عتاب و خطابی که در لایحهٔ بازسازی دولت راجع به کالبدشکافی عقاید اشخاص شده است ، ازآن روست که در برخورد با عقیدهٔ مخالف موضع ضعف اتخاذ شده ، براستی اگر انقلاب بمفهوم واقعی آن تحقق یابد ، وجود فردی که بفرض درجهٔ "ولایتش" بالا نباشد ، می‌تواند خدشه‌ای بر پیکرهٔ انقلاب وارد کند؟ نه ، زیرا شرایط عینی جامعه انقلاب را می‌طلبید و شرایط ذهنی آن میبایست توسط انقلابیون تقویت میشد ، کار رژیم جز کند کردن زمان این امر نقش دیگری نداشت . از این روست که میگوئیم ابتدا انقلاب باید حضور خود را در صحنه و در پیکرهٔ جامعه نشان دهد تا با حذف عناصر ناصالح امکان رشد و اعتلای اشخاصی که تن به حاکمیت انقلاب داده‌اند فراهم آید وگرنه حذف اینچنینی جز افکندن اینگونه اشخاص به‌صف ناراضیان نقشی نخواهد داشت .

> *اینهمه عتاب و خطابی که در لایحهٔ بازسازی دولت راجع به کالبدشکافی عقاید اشخاص شده است ، از آن روست که در برخورد با عقیدهٔ مخالف موضع ضعف اتخاذ شده ، براستی اگر انقلاب بمفهوم واقعی آن تحقق یابد ، وجود فردی که بفرض درجهٔ "ولایتش" بالا نباشد ، می‌تواند خدشه‌ای بر پیکرهٔ انقلاب وارد کند؟*

> *بنا به ماهیت سیستم ادارات و وزارتخانه‌ها در جهت حفظ منافع امپریالیسم و نیز کوشش عناصر لیبرال و سازشکار در جهت تثبیت و تحکیم این سیستم ، بدون برخوردی انقلابی و قاطع در دگرگونی این نهادها و تصفیهٔ قاطع عناصر ضدانقلاب و وابسته به رژیم سابق به هر نحو موفق نخواهیم بود و میدانیم که دگرگونی صرفا" شکل و فرمها نیست ، بلکه یک تغییر وانقلاب‌به‌ماهیتی‌ست که در این تغییر باید هرگونه بینش قشری و تنگ‌نظری و انحصارطلبی را کنار گذاشت .*

دستاوردهای انقلاب را بارور سازیم

بقیه‌ازصفحه۱۳

با قطع واردات کالاهای مصرفی غربی ، و ملی کردن تجارت خارجی ، ضربهٔ محکمی بر بازارهای امپریالیستی و سودجویان و سرمایه‌داران وابسته وغیروابستهٔ داخلی وارد آمد . شور و شعور مبارزه با سرمایه ـ داران در کارگران اوج گرفت و در بسیاری کارخانجات شوراهای کارگری علیرغم حمایتهای مسئولان از سرمایه‌داران ، تشکیل و امر مبارزه با سرمایه‌داران و تولید را سازماندهی نمود . بسیاری سران سرمایه‌دار وابسته اعدام شدند . با ملی کردن بانکها و موسسات بیمه و صنایع مونتاژ ، ضربه‌های بسیاری بر این طبقه وارد آمد . با قطع رابطهٔ پولی ایران و امریکا ، از توطئه‌های امپریالیسم در جهت ضربه‌زدن به اقتصاد و منابع پولی و مالی کشور جلوگیری بعمل آمد و با فروش مستقل نفت و قطع ید انحصارات نفتی و سایر شرکتهای انحصاری‌وچندملیتی و با خالی‌شدن بازارهای امپریالیستی از ارزها و سرمایه‌داران ایرانی ، هم ضربهٔ مهلکی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی وارد آورده و بحران بیکاری و تورم را در آن کشورها افزایش داد ، و هم به وابستگان به اینگونه درآمدها که سرمایه‌داران وابسته یا غیروابسته ، بورژوازی تجاری بود ، ضربه وارد آمد . جمع‌کردن صرافان و سفته‌بازان که با عملکردهای ظالمانه و استثمارگرانهٔ خویش به گرانی و تورم کمک می‌نمودند ، قدم بسیار مثبتی در راه مبارزه با سرمایه ـ داران زالو صفت بوده است .

در زمینه‌های خدماتی ، ایجاد راههای بسیار که بر طبق آمار سه برابر کل راههایی است که در طول ۵ سال رژیم سابق کشیده شده بود ، ایجاد ریل‌های ارتباطی ، تاسیسات آب و برق و ارتباطات و لایروبی قناتهای متعدد در سراسر کشور ، همگی محصول تلاش شبانه‌روزی توده‌های زحمتکش روستا ، نیروهای انقلابی در جهاد و سپاه و موسسات و نهادهای مربوطه میباشد .

برای نمونه بیک مورد از عملکرد فعالیت‌های عمرانی ۱۹ ماههٔ جهادسازندگی در این‌جا اشاره میکنیم و بدیهی است نهادهای دیگر همچون هیات‌های هفت‌نفره زمین ، سپاه ، بسیج و . . . ، نیز اقدامات انقلابی و عمرانی بسیاری دارند که در این زمینه میتوان به آمارهای منتشره از سوی مؤسســات ذیربــط مراجعه نمــود . جهاد ـ سازندگی آمار کلی فعالیت‌های ۱۹ ماههٔ خود در سطح کشور را به این شرح اعلام کرده است :

ایجاد حمام ۱۱۲۳ واحد و ۷۶۲ واحد در دست اجرا مدرسه ۱۵۴۴ واحد و ۸۲۸ واحد در دست اجرا درمانگاه ۸۷ واحد و ۵۶ واحد در دست اجرا مسجد ۳۷۰ واحد و ۱۷۸ واحد در دست اجرا خانه برای مستضعفین ۱۶۹۵ واحد و تعداد ۲۸۷ واحد در دست اجرا منبع آب ۱۰۳۳ واحد و ۱۴۹ واحد در دست اجرا پل ۴۲۰۸ دهنه و ۱۰۴۸ دهنه در دست اجرا توالت بهداشتی ۱۱۹۰ واحد و ۱۵۴ واحد در دست اجرا غسالخانه ۲۱۴ واحد و ۱۱۸ واحد در دست اجرا متفرقه ۱۹۳۹ مورد و در دست اجرا ۶۴ مورد میباشد همچنین تعداد ۳۳۴۰۱ واحد حمام، مسجد، درمانگاه، مدرسه، غسالخانه، خانه برای مستضعفین، پل، توالت و منبع آب تعمیر و یا تکمیل شده است. فعالیت‌های تاسیساتی جهاد در ۱۹ ماهه به این شرح اعلام شده است: برق رسانی ۱۰۵۵ روستاو در ۲۲۰ روستا در دست اجرا، لوله کشی آب در ۸۷۱ روستا و در ۶۵۷ روستا در دست اجرا سدخاکی و سیل بند ۲۰۱۹ واحد و ۶۸ واحد در دست اجرا، راه شوسه ۲۴۷۴ کیلومتر و ۲۵۲۸ کیلومتر در دست اجرا، راه روستائی ۸۷۳۵ کیلومتر و ۱۴۰۳ کیلومتر در دست اجرا، نهرسازی و کانال کشی ۲۰۲۰ کیلومتر و ۱۵۶۴ کیلومتر در دست اجرا، موارد متفرقه ۱۷۷۸ مورد و ۱۱۹ مورد در دست اجرا فعالیت‌های ۱۹ ماهه کشاورزی جهاد سازندگی باین شرح است:

حفر چاه عمیق، نیمه عمیق و معمولی ۲۷۹۵ حلقه، لایروبی و احیای قنات ۷۵۵۰ رشته، تهیه و توزیع کود ۷۳۸۶۲ تن، سطح زیر کشت جهاد ۴۲۱۹۱ هکتار تعمیر ماشین آلات کشاورزی ۲۸۶۰ دستگاه، تهیه و واگذاری تراکتور و کمباین ۱۳۲۲ واحد تهیه و واگذاری سایر ماشین آلات ۳۱۶۶ واحد، تهیه و توزیع سم ۶۴۷۸۶ کیلو، تهیه و توزیع انواع بذر ۱۳۳۷ تن، فعالیتهای طبیعیزیکی و دامپروری جمعا از این قرار است: واکسیناسیون دام ۱۱۰۴۶۰۰۰ رأس، درمان رایگان دام ۵۳۶۰۰۰ رأس، واگذاری دام ۷۲۰۰ رأس، سمپاشی اسطبل ۱۴۰۰۸ واحد، واکسیناسیون طیور ۹۵۳۱۸۴ قطعه، توزیع علوفه ۱۳۲۲ تن، آموزش افراد ۳۶۰۹ نفر.

فعالیتهای بهداشتی و درمانی ۱۹ ماهه جهاد سازندگی بدین شرح است: توزیع داروی رایگان در ۱۹۴۰ روستا، تزریقات و پانسمان ۳۲۰۰۰ نفر درمان رایگان ۱۸۰۰۰ نفر، واکسیناسیون ۱۵۰۰ نفر، اعزام گروه پزشکی به ۸۶۸ روستا، آموزش بهداشت ۷۷۷ روستا، آموزش کمک‌های اولیه ۱۲۵ روستا، بستری نمودن بیمار ۵۶۲۴ نفر.

فعالیتهای فرهنگی جهاد: تشکیل کلاس ایدئولوژی ۴۱۲۸ مورد، تشکیل کلاس سوادآموزی ۲۵۵۴ مورد ایجاد کتابخانه ۷۳۱۳ واحد، واحد نمایش فیلم و اسلاید ۹۷۳۹ مورد برگزاری سخنرانی ۳۲۶۵ مجلس، تشکیل شوراهای اسلامی روستاها ۲۶۶۴ مورد، تشکیل نمایشگاه ۱۹۱۱ مورد، توزیع کتاب رایگان ۳۲۶۷۰۰۰ جلد و توزیع پوستر و نشریات ۲۸۵۱۰۰۰ عدد

رشدوآگاهی توده‌ها

شکسته شدن حصار جدائی بین توده‌ها و روشنفکران و شکسته شدن سانسور و استبداد حاکم ، مجالی بسیار گرانبها را برای تعمیق و رشد و گسترش ایدئولوژی اصیل اسلامی در بین توده‌ها و همچنین بین روشنفکران مسلمان و طلبه‌های جوان ایجاد کرده ، زمینه‌های همبستگی و اتحاد و ارتقاء آنان را در این بستر فراهم نموده است . رشد اندیشهٔ اسلامی و انتشار کتب متعدد سیاسی و ایدئولوژیک در تعمیق مبارزات سیاسی و ایدئولوژیک مردم و نیروهای مترقی مکتبی نقش بسیار داشته است .

رشد و خودآگاهی توده‌های میلیونی مردم ، و شکسته شدن حصار جهل و خرافه و طبیعی است که عملکردهای سازشکارانه در جلوگیری از تحقق انقلابی بسیاری از موارد یادشده مانند ملی‌کردن بانکها و صنایع و مبارزه با سرمایه‌داران و اعدامها و . . . ، و عملکردهای ارتجاعی وتنگ‌نظرانه و فرعی در رابطه با دادگاهها و . . . ، قابل ذکر و تعمق و بررسی میباشند . اما مردم و نیروهای انقلابی در خط‌انقلاب ، در تحقق اهداف راستین خویش لحظه‌ای از مماشات سازشکاران ، سستی بخود راه نداده و از عملکردهای اشتباه و تنگ‌نظرانه و ارتجاعی نیز طرفی نبسته و همچنان به راه خویش استوار و پای‌برجا ادامه داده و امید که ادامه دهند .

ردوده‌شدن نسبی زنگارهای تحجر و بینش ـ های تنگ‌نظرانه و قشری ، به صحنه آمدن میلیونها زنی که در طول سالیان سال حیاتشان در فاصلهٔ بین مطبخ و فراش می‌گذشت ، و حضور فعال آنان در صحنهٔ فعالیت‌های اجتماعی و میدانهای مبارزه با دشمن ، و شکسته شدن بسیاری از قیود و دگماتیسم‌ها و محجوریت‌ها که در مورد زنان مرعی میشد ، گوشه‌ای از دستآوردهای انقلاب خونبار خلق ماست . مطرح شدن اسلام در سطح جهانی بعنوان ایدئولوژی رهائی‌بخش محرومین و مستضعفان و جهت ـ گیری ضدامپریالیستی آن ، طرحی نو در اذهان جهانیان و روشنفکران جهان زیر ستم ، ترسیم کرد .

تبیین بسیاری از آیات و سنتهای الهی در رابطه با عینیتهای اجتماعی و در تجربه های متعدد مردم و نیروهای انقلابی ـ مکتبی ، خود به دستآوردی گرانبها تبدیل شده و در تاثیر عمیق و درونی سنتها و آیات مکتبی در توده‌ها و نیروهای مکتبی ـ انقلابی ، نقش بسیار اساسی و حساس داشته است . زنده‌شدن سنتهای اصیل مکتبی مانند شهادت ، ایثار ، گذشت ، تعاون ، فداکاری ، جهاد ، اتکاء به خود ، اخلاق اسلامی ، . . . ، همگی در پرتو مبارزات مردم و در صحنه‌های خون و شهادت و مبارزات سیاسی ـ ایدئولوژیک قبل و پساز انقلاب کسب و اندوخته گردیده است .

شناخت نظریات متعدد و برداشتهای گوناگون مکتبی و نقد و انتقاد و تعمیق برداشتهای مکتبی بخصوص پس از پیروزی

بقیه‌درصفحه۱۵

در پیامدهای کنفرانس غیرمتعهدها

شرکت هیئتی از جانب ایران درکنفرانس اخیرغیرمتعهدها و مواضع اتخاذشده از جانب این هیئت، تذکر چندباره‌ای بود در ضعف سیاست خارجی و نداشتن مشی واحد و منسجم و هدفدار تا در عین حال که بتواند معرف و شناسانندهٔ اهداف‌ودستآورد ـ های انقلاب در "خط انقلاب" بوده، از سوی دیگر توانائی آنرا داشته باشدتوطئه ـ های امپریالیسم و متحدان و هم خطان آن و فشارهای وارده از جانب آنان به جبههٔ انقلاب را بطور مستند افشا و آشکار نموده و با قطع رابطهٔ کامل با متحدین و مرتجعین وابسته به امپریالیسم ونزدیک‌شدن‌وبرقراری رابطه با دول دوست و ضدامپریالیست، خط صریح خود را در میان خطوط موجود و در قبال مسائل مختلف اعلام و ابرازدارد.

بطور قطع هدف نخست این هیئت از شرکت در کنفرانس دهلی، میباید بر افشای ماهیت امپریالیستی•جنگ تحمیلی کنونی و نیز با ارائهٔ مطالب مستند از قبیل عکس و فیلم و آمارهای دقیق از خسارات و تلفات و غیره که بتواند نشاندهنده و بیانگر ماهیت ضد مردمی مهاجمین باشد، برای ابراز واقعیات در این امر استفاده بعمل آید. چرا که تنها ترک جلسه بهنگام سخنرانی نمایندهٔ دشمن متجاوز، نمی‌تواند دال بر محکومیت وی باشـــــــد.

در چنین اجلاسیه‌ای که جو غالب آن با کشورهائی ضدامپریالیست میباشد، براحتی استفاده از چنین جوی با بهره‌گیری از تریبون موجود وانعکاس آن در میان کشورهای جهان‌سوم جهت محکومیت مستند متجاوزین و حامیان آنان وجود داشت.

عدم کوچکترین استفادهٔ تبلیغاتی از این مجمع، مرادف با تبلیغات سوء و گسترده‌ای است که عراق جهت محکوم جلوه دادن ایران در شروع جنگ، در سطح منطقه و حتی بیش از آن بعمل می‌آورد. "استفادهٔ تبلیغاتی عراق از کنفرانس طائف با پخش کتب و جزوات دراین‌زمینه".

برخورد از موضع ضعف در خصوص جنگ تحمیلی، تنها ضعف قابل ذکر این هیئت نبود، عمده‌کردن بیش از حد مساله افغانستان و مداخلهٔ شوروی در آن بحدی که بعنوان عمده‌ترین و فوری‌ترین محور قابل بحث در اجلاسیه‌ها قلمداد شود در حالیکه اکثریت نقاط و کشورهای جهان سوم از جمله خود ایران با توطئه‌های پی‌گیر و رو به رشد و رودرروی امپریالیسم مواجه بوده و کشورهای مرتجع و وابسته بویژه در سطح منطقه بصورت پایگاههای نظامی مطمئن امپریالیسم امریکا درآمده‌اند، میبایست در اولویت قرار میگرفت و مورد تقاضای هیئت ایرانی میبود.

درخواست حضور نمایندگان واقعی هر کشوری در چنین مجامعی، خواسته‌ای منطقی و بجاست، اما هیئت اعزامی در مورد نمایندگان افغانی که میباید در کنفرانس حاضر باشند، حداقل مرزبندی هم قائل نشده و نیروهای مستقل را از جریانات وابسته به فئودالها و یا به پاکستان و امریکا و چین جدا ننموده است و تنهاخواستار حضور نمایندگان گروهی از احزاب افغانی در کنفرانس گردیده که وابستگی آن به امپریالیسم مسلم است و این مایهٔ تاسف است. زیرا امثال برهان ـ الدین ربانی و حزب اسلامی که تنها در صدد کسب قدرت بوده و در این راه از همکاری با مرتجعینی چون محمدظاهرشاه و پاکستان و عربستان و امریکا و در مواردی چین ابا ندارد، چگونه میتواند نمایندهٔ واقعی خلق ستم‌دیدهٔ افغانستان باشد. نیروهای مبارز و مسلمان افغانی بخوبی آگاهند کدحاکمیت یافتن و یا سهیم‌شدن امثال برهان‌الدین ربانی در قدرت نه‌تنها هیچ باری از مشکلات آنان برنخواهد داشت، بلکه بر آنها اضافه نیز خواهد کرد. ممکن است با خبرهائی که میرسد، شوروی حاضر شود از افغانستان با شروطی خارج شود و در نتیجه سهیم‌شدن افرادی چون برهان‌الدین ربانی در قدرت، بشرط پذیرش حاکمیت دولت، محتمل بنظر می‌رسد. چون با شناختی که از ایشان و احزاب نظیر حزب اسلامی وجود دارد، آنها داعیهٔ دفاع از محرومین و زحمتکشان خلق افغان را بسینـــه نمی‌زننـد، بلکه بیشترین انگیزهٔ آنان از مبارزه با رژیم، کنونی افغانستان، شرکت در قدرت میباشد و جنبه‌های حمایت از موضع طبقاتی، فئودالی در حرکت آنان نقش اساسی را بازی میکند. در این میان حق آن بود که اگر بناست نماینده‌ای از مبارزین افغانی در کنفرانس شرکت کند، از نیروهای مترقی و گروههای مسلمان انقلابی‌آن در کنفرانس شرکت داده میشدند، زیرا شرکت احزابی نظیر حزب اسلامی هیچ‌گره‌ای از مشکلات خلق افغان را نخواهد گشود، بلکه بر آن خواهد افزود.

با توجه به توقعات و انتظارات بجا ومنطقی که‌جریانات دوست و حامی انقـــلاب،از سیاست خارجی کشور ما دارند، برخوردهای چند باره از موضع ضعف و بدون در نظـــر گرفتن دشمن اصلی، در آینده میتوانـــد ضرباتی چند بر نوع نگرش و طرز تلقی ایـــن جریانات از انقلاب اسلامی‌ایـــران‌وارد آورد همچنانکه در موارد بسیاری تاکنون چنیـــن بوده و قدمی جهت اتخاذ مواضع صریـــح و قاطع و یکدست در خصوص سیاست‌خارجی بر داشته نشده است.

دستاوردهای انقلاب را بارور سازیم

بقیه‌ازصفحه۱۴

انقلاب از دستاوردهـــــــــا میباشد. اتکاء مردم به درون و ساخت ویژگیها و استعدادهای انسانی در برنو آموزشهای مکتبی و حرکت توده‌هاونیروهای انقلابی در این جهت و راستا، از یکسو تا کنون از موفقیت توطئه‌های دشمن جلوگیری کرده و از سوی دیگر خطوط سازشکار و ارتجاعی و انقلابی و اصیل را از هم بازشناخته و با صف‌بندی مشخصی که هر یک از جریانات سیاسی ـ ایدئولوژیک در جامعه یافته‌اند، در شناخت جبههٔ واقعی ضدامپریالیست و انقلابی از یکسو و نیروهای مکتبی اصیل از سوی دیگر کمک شایانی کرده است.

شک نیست که در تمامی موارد یادشده آثار عملکردها و تصمیمات سازشکارانه و ارتجاعی پیداست و بازهم وجود نارسائیها و ضعفها و عدم انسجام و عدم برخورداری از استراتژی مشخص در نهادهای انقلابی و عملکردهای انقلابی، مورد تائید و توجه است، اما چگونه میتوان انکار کرد که خط انقلاب و همین نیروهای انقلابی، باهمهٔ ضعفها و نارسائیهایشان، با همت توده‌های همیشه در صحنه، همچنان با امپریالیستها و مرتجعین منطقه‌ای و توطئه‌های بیشمار آن جدال میکنند و در ستیز و نبرد با آنها با هرقدم پیروزی مکتبی جدیدی را بثمر می‌نشانند و در رشد و تعالی و ارتقاء مکتبی انقلابی خویش همچنان می‌کوشند. چه کسی می‌تواند اینهمه‌ایثار توده‌ها و جانبازی نیروهای انقلابی را انکـــار کند؟ تنها کوردلان و نفاق‌افکنان و قدرت‌طلبان، که صحنه را عرصهٔ تاخت و تاز خویش میخواهند، قادر نیستند اینهمه دستآوردی را که از میان مبارزه‌ای بی‌امان بدست آمده است، ببینند و ذهنیتهای آنان در چار ـ چوبهای تنگ خودبینی محصور گشته و بجز خود و آنچه خود میخواهند و می‌پندارند چیزی نمی‌بینند.

از سوی دیگر چگونه مسئولان با اینهمه دستآورد، باز بر سربازی خویش بر صحنهٔ تاخت‌وتاز بر سر قدرت ادامه میدهند و بدون توجه به توده‌ها و نیازهای آنان، براه خویش ادامه میدهند. تجربیات دو سال گذشته، آموخت که چگونه این عملکرد های سازشکارانه و ارتجاعی، حرکت سریع توده‌ها و نیروهای انقلابی را کند کرده و با ادامهٔ این عملکردها، ممکن است به خروج توده‌ها از صحنهٔ مبارزه بیانجامد. هر روزی که بر این روال می‌گذرد، بدون شک این دستآوردهای گرانبها در خطر و تهدید قرار می‌گیرند و زمینهٔ رشد نیروهای ضد ـ انقلاب و یاس توده‌ها بیشتر و بیشتر می‌گردد و ناچار انقلاب در تناقض نظر و عمل محصور گردیده و زمینهٔ حاکمیت امپریالیستها فراهم خواهد شد.

تمهیداتی که برای حفظ دستآوردهای انقـــلاب باید بعمـــل آوریـــم:

ضروری است تا با توجه و بکاربستن ویژگیهائی که ابتداءً به آن اشاره شد، مرحلهٔ جدید انقلاب را از مرداب‌سازشکاری و رکود و ماندن نجات دهیم. در این نقطه همگی نظر مشترک دارند که بدون حفظ و تعمیق این دستآوردها تداوم انقلاب غیر ـ ممکن و خواه‌ناخواه دچار حصارهائی‌خواهد شد که شکستن آن کار آسانی نخواهد بود چنانکه در مواردی چنین نتایج زیانباری بدست آمده است. آنچه میماند اینکه:

۱ ـ در ابتدا همهٔ نیروها و عناصر و جریانات مکتبی و انقلابی و عناصری که خود تا حدی به اشتباهات خویش اقرار دارند، لازم است با برخورداری از صداقت انقلابی و روش انتقاد از خود، عملکردهای گذشتهٔ خویش را به نقد گرفته و نسبت به معیارهای اصیل انقلاب، جهت‌گیری وبرنامه آیندهٔ خویش‌رابطورمشخص‌وصریح‌روشن‌سازند و با اتحاد و پیوستگی خویش جبههٔ متحدی از نیروهای مؤمن به انقلاب و به رهبری امام خمینی، برای حفظ و بارور ساختن دستآوردهای انقلاب تشکیل دهند.

۲ ـ بدون شک حضور فعال توده‌ها در صحنه تاکنون اصلی‌ترین نیروی حافظ انقلاب بوده وامام نیز با برخورداری از ویژگیهائی که در مراحل متفاوت انقلاب را از خطر سقوط مانع شده‌اند، همواره تاکید بر این نیروی حاضر و فعال و ازجان‌گذشته داشته و در تصمیمات خویش روی این نیرو تکیه نموده‌اند. خروج توده‌ها از صحنه، انفعال و یاس آنها و دلسردی نسبت به مسئولان و زمامداران میتواند فاجعه‌ای دردناک را بدنبال داشته باشد. واضح است که سازشکاران ومرتجعین با عملکردهای خویش به دلسردی و یاس توده‌ها کمک نموده و کمـــک‌کـــار توطئه‌های دشمن در داخل بوده‌اند. امپریالیستها همهٔ تلاش خویش را از ابتدا بر بی‌محتوی کردن انقلاب گذاشتـــه و سعـــی در جدا کـــردن توده‌ها از حاکمیت انقلاب و امام داشته‌ـ اند، و سازشکاران و مرتجعین، بر مبنای وابستگیهای خصلتی و قدرت‌طلبی‌های خویش و بینشهای وابس‌گرایانه و ارسطوئی و با غرب‌گرایانهٔ خویش، در خط امریکا و خواست امپریالیستها تاکنون به خروج توده‌ها از صحنهٔ فعال مبارزه کمک شایانی نموده‌اند، بخصوص در این مهم رهبری انقلاب توجه دارند که تحقق این خواست امپریالیستها چه پی‌آمدهائی بدنبال دارد و انتظار توده‌ها و نیروهای انقلابی نیز تمهیدات اساسی و قاطع در این زمینه میباشد.

۳ ـ لازمهٔ حضور فعال توده‌ها در صحنه، حذف و طرد سازشکاران و مرتجعین و فرصت‌طلب‌ها و باندهای قشری است که تاکنون با عملکردهای خویش، چوب لای چرخ انقلاب گذاشته و از تسریع آن جلوگیری کرده‌اند. حاکمیت انقلاب از آن کسانیست که پیروزی را از میان خون و آتش و مبارزه و جهاد و در میدانهای شهدا و سرچشمه، ... و در کوچـــه‌ها و خیابانـــهای تهـــران و شهرستانها، دهات و روستاها بدست آوردند و پیروزی را موجب‌گشتند. حاکمیت از آن کسانیست که در مبارزهٔ با مزدوران رژیم در ۲۱ و ۲۲ بهمن نهال پیروزی را به گل نشاندند وآخرین دژهای حاکمیت استبداد را درهم‌شکستند. اما متاسفانه از فرنگ‌برگشته‌ها و در لانه‌خزیده‌ها بلافاصله پس از انقلاب وارث این سفرهٔ رنگین شدند و به چیدن گلهای سرخ و نهال‌های کاشته‌شده با خونهای جوانان، پرداختند. پیروزی انقلاب بهمت نیروهای مردم تحقق یافت وتداوم آن نیز تنها با حاکمیت همین نیروها و حذف عناصر سازشکار و مرتجع عملی خواهد شد. هنوز هم توده‌ها و جوانان انقلابی برای فداکاری و جانبازی آماده‌اند و هنوز توان مقابله با توطئه‌های گوناگون وکشش در برابر سخنیهاوناملایمات انقلابی را دارند و تنها مرزبندی مشخصی از خط‌انقلاب و سازش و انقلابیون و سازش‌ـ کاران، همچنانکه در طول انقلاب در شعارهای مردم و مواضع و تصمیمات رهبری مشهود بوده، میتواند این موتور پرتوان را بحرکت درآورد.

۴ ـ متاسفانه اثر عملکردهای مسئولان از یکسو و توطئه‌های متعدد دشمن در مغشوش کردن اذهان توده‌ها از سوی دیگر، و فقدان معیارهای مشخص در روشها و برنامه‌ها و عملکردها، توده را دچار سرگردانی نموده و نیاز حضور یک نیروی منسجم و انقلابی و مکتبی را همچنانکه در ابتدای انقلاب حس میشد، حس کرده و خواستار اتخاذ و اجرای تصمیمات قاطع میباشند. فراز و نشیبهای متعددی که در طول دو سال گذشته بر انقلاب گذشته است در هر مقطع نیاز یک تشکل قوی و انقلابی و مکتبـــی را نمایـــان ساختـــه و عدم توان سازشکاران و مرتجعین را در هدایت انقلاب بازگو ساخته است.

اگرچه این نیاز در قبل نیز طرح و از جانب عناصر و نیروهای انقلابی حس میشد اما بعلل گوناگون، بسیاری از این نیروها یا جذب کارهای عملی گردیده و بدور از این ضرورت عمل‌زده شدند و یا در اثر عدم برخورداری از بینش تاریخی و ضرورتهای تشکیلاتی و ضربانی که از این ناحیه آمده است، به توجیه افتادند و از یکسو بعضی از نیروهای انقلابی نیز با جدا کردن صف خـــود از تـــوده‌ها، عمـــلاً" امکانی را که میتوانستند از آن بهره‌گیری کرده و در تعمیق و رشد انقلاب کمک نمایند، از دست دادند. اما هم‌اکنون این ضرورت بسیار مبرم و اساسی حس شده و وظیفهٔ اصلی نیروهای آگاه و مکتبی است تا با انسجام، کسب صلاحیت، بازنگری در خود، زمینه های یک تشکل مکتبی را فراهم آورده و به تقویت جبههٔ انقلاب در مقابل امپریالیسم بپردازند. مسلماً" بافشاری‌بر دهنیتها و مطلق‌گرائیها، از هر دوسو، ضربه‌های شکننده را بر انقلاب تحمیل نموده و با انقلاب را بدست سازشکاران در گل و لای سازشکاری مدفون میسازد.

اگر حضور فعال توده‌ها•در صحنه شرط ابقای انقلاب وتداوم آنست، اگر بسیج مردم و افزایش آگاهیهای سیاسی و مکتبی توده‌ها ضرورت اجتناب‌ناپذیر است، اگر مبارزه با سرمایه‌داری و فئودالیسم شرط تعمیق و گسترش انقلاب و رضایت توده‌های دهقان و کارگر است، اگر مبارزه با شیطان بزرگ و سایر امپریالیستهای متحد امریکا و ارتجاع منطقه تداوم انقلاب را تضمین میکند، و اگـر اتکاء به نیـــروهای خود و بازگشت به خویشتن اصیل و پرهیز از طرح ضرورت به‌اصطلاح کمک!! آنهم فقط از امپریالیستها و برای تداوم مبارزه با خود آنها، تنها راه استقلال واقعی انقلاب است و....، و هزاران !گر دیگر تنها و تنها در گرو حاکمیت عناصر انقلابی است که با بکار بستن تجربیات خویش و با کسب صلاحیت در پیکار با امپریالیسم و خطوط سازشکاری و ارتجاعی، آمادگی برای هدایت توده‌ها در این مسیر پرخطر را بدست آورده و توان مبارزه با دشمن حیله‌گر را داشته باشند.

> *متاسفانه اثر عملکردهای مسئولان از یکسو و توطئه‌های متعدد دشمن در مغشوش کردن اذهان توده‌ها از سوی دیگر، و فقدان معیارهای مشخص در روش‌ها و برنامه‌ها و عملکردها، توده‌ها را دچار سرگردانی نموده و نیاز حضور یک نیروی منسجم و انقلابی و مکتبی را همچنانکه در ابتدای انقلاب حس میشد، حس کرده و خواستار اتخاذ و اجرای تصمیمات قاطع انقلابی می‌باشند.*

توده‌ها در انتظار چنین نیروئی هستند و انقلاب نیازمند این الگو و اسوه میباشد و حل معضلات و مشکلات کنونی و شکستن حصارهای فعلی تنها با تشکیل چنین امتی که رسالت هدایت توده‌ها را در مبارزهٔ ضدامپریالیستی بعهده بگیرد و اسطورهٔ توانمنـــدی خویشتـــن آنها گردد، ممکن میباشد. برنامهٔ انقلابی را که برای تداوم و بارورسازی انقلاب در جهات گوناگون اقتصادی ـ سیاسی ـ نظامی و فرهنگی و اجتماعی لازم است، بارها و بکرات ذکر شده است. بارورشدن دستآوردهای انقلاب تنها در سایهٔ اجرای آن برنامه‌های انقلابی میسر و ممکن میباشد.

★ ★
★

بقیه‌ازصفحه۱۶

شهید ۲۲ بهمن ۵۹

هزار شهید راه استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی را بمیان توده‌ها برد.

آنان که با انگیزهٔ غیرتوحیدی به بستر مبارزه کشیده میشوند، خیلی زود جذب قدرتهای پس از پیروزی شده و میوه‌چین انقلاب می‌گردند، اما محمد بارها امتحان خلوص و تقوی داده بود و درس فداکاری و ایثار آموخته بود. کمتر کسی بود که در برخوردهای اول ایثار را از چهره و کردار او نبیند و اثر حیات‌بخش این رفتار را با تبسم‌های محمد در خویش حس نکند.

او در دورانیکه قدرت‌طلبان، سرمایه ـ داران و لیبرالها و مرتجعین بر اریکهٔ قدرت تکیه می‌زدند، راه مکتبی خویش را همچنان ادامه داد و با درک ضرورت کار تشکیلاتی در تداوم یک مبارزهٔ مکتبی، در مهرماه ۱۳۵۸ جنبش مسلمانان مبارز را برگزید و در اردیبهشت ۵۹ بعنوان نماینده دانشجویان هوادار ج، م، م، در شورای دانشجویان دانشکدهٔ ادبیات انتخاب شد.

از دست دادن محمد برای یاران ـ اش ضربه‌ای جبران‌ناپذیر است. از دست دادن سمبل تقوی و خلوص، کسی که از شدت ایمان به خدا و مکتب او ذره‌ای کاسته نشده و تا صبح‌دم شهادت، دعا بر زبانش جاری بود، روح بزرگی که گرفتاریها و رنجهای موجود که در عمق استخوانش نفوذ کرده بودند، نگاه گرم و مهربان و تبسم همیشگی‌اش را تحت‌الشعاع قرار نمی‌داد، بسیار سخت است. محمد در حین انجام وظیفهٔ انقلابی بدرجهٔ شهادت‌رسیدوخون‌پاک‌خویش را بپای نهال انقلاب که اکنون از سوی امپریالیستها و سازشکاران و مرتجعین درتهدید است، ایثارکرد.

مراسم تشییع جنازه و بزرگداشت محمد نجابت در ۲۳ بهمن‌ماه، با شرکت مردم مبارز شیراز و همفکران و دوستانش برگزار گردید. امید که زندگی و شهادت او برای ما تجربه و عبرت باشد و راه وناش‌جاودانه گردد.

بیانیه
جنبش مسلمانان مبارز
به مناسبت دومین سالگرد انقلاب

بسام خدا

"فاصبر ان وعدالله حق ولا یستخفنک الذین لا یوقنون" (روم/آیه ۶۰)
مقاومت و سرسختی‌کن، وعدهٔ خدا حق است، آنها که به پیروزی راه خدا یقین ندارند، ترا سست و مایوس نسازند".

مردم مبارز و آگاه ایران دومین سالگرد انقلاب خونبار خود را در شرایطی جشن می‌گیرند که استکبار جهانی بسرکردگی امریکا با تمام وسایل و شیوه‌های ممکن برای شکست‌کشاندن آن در تلاش است. در جبههٔ نظامی، فشار عراق به نیروهای رزمنده و جان‌برکف ما در ارتش و سپاه پاسداران و بسیج و دیگر نیروهای داوطلب مردمی ادامه دارد. در جبههٔ سیاسی، نفرهٔافکنی، حادثه و تشنج‌آفرینی و تحریکات و تبلیغات گستردهٔ سیاسی و جنگ روانی رو به تزاید است. در داخل، جبهه‌های متحد و دوگانه سازشکار و فشریون انحصارطلب از دو سو انقلاب را زیرفشار قرار داده‌اند و بدین‌ترتیب دشمنان‌رنگارنگ و همهٔ نیروهای سازشکار و واپس‌گرا و منحرف و قدرت‌طلب خواسته و ناخواسته می‌کوشند با تشدید بحران سیاسی، اقتصادی و نظامی، ملت قهرمان و مبارز ما را خسته و مایوس و پراکنده و منفعل و صف متحد آنها را تجزیه و درهم‌بشکنند و بدین ترتیب انقلاب را پیش از آنکه بتواند به هدفهای بزرگ خود جامهٔ عمل بپوشاند، خفه و متوقف و یا بسازش بکشانند. در همان‌حال زمامداران کشور از جناحهای مختلف، غالبا" زیر تاثیر بینشهای نادرست و جزمیت‌های فکری یا خصلتهای استکباری و تحت فشار جریانات ارتجاعی و سازشکاری قادر به هدایت انقلاب در مسیر اصلی خود نبوده، از مقابلهٔ جدی با امپریالیسم و محو پایگاهها و سرکوب عوامل داخلی و تغییر بنیادهای ظالمانه و استعمارزده و قطع وابستگیهای اسارت‌آور عاجزمانده‌اند. ضعفهای بینشی و خصلتی و کشمکشهای رو به افزایش آنان فرصتی برای اقدامات انقلابی سازنده برجای نمی‌گذارد، بطوری که در کنار دستآوردهای مثبتی نظیر سرنگونی رژیم منفور پهلوی، فروپاشی ساواک، افشاء شبکه‌های جاسوسی امریکا، اعدام سران رژیم، بوجودآمدن نهادهای انقلابی مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، خنثی‌شدن توطئهٔ کودتا و حمله نظامی، افشای جریانات وابسته و سازشکار و جدا شدن تدریجی نیروهای مردمی از نیرو های سازشکار و مرتجع، پیدایش شور و شعور انقلابی در جهت تحقق اصل اصلاحات ارضی، ضربه به سرمایه‌داری وابسته با ملی شدن بخشی از صنایع، رشد و تعمیق مبارزهٔ ضدامپریالیستی و ارتقاء شعور سیاسی ـ مکتبی توده‌های ستمدیده نصیب انقلاب شده است. فرصتهای گرانبهائی تلف و بعضی آزادیها و حقوق فردی و اجتماعی پایمال و در اثر اعمال خلاف و سوداگرانه ضربات سختی بر حیثیت انقلاب وارد آمده است.

با وجود این ضعفها، مردم محروم و ستمکشیده همانند سالهای پیش از انقلاب و چون دو سال اول، با جان و مال وخون پاک فرزندان دلاور خویش و با جنگ و دندان، از دستآوردهای انقلاب و از استقلال و آزادی خود دفاع می‌کنند. آنان به انگیزهٔ ایمان به خدا و به عشق پیروزی حق و استقرار حکومت‌الله‌ووراثت مستضعفان هنوز هم ایستاده پایمردی و مقاومت نشان می‌دهند. ولی افسوس که مسئولان و میوه ـ چینان انقلاب بجای حرکت در خط اسلام محمدی و تشیع علوی، غالبا" به روابط و مناسبات و توجیهات و برداشتهای کهنه و مسخ‌شده جنگ انداخته، می‌کوشند بر قامت استوار انقلاب اصیل و اسلامی ملت ایران، یکبار دیگر پوستین اسلام راوارونه بپوشانند.

در این روز تاریخی بر ما و همهٔ افراد و نیروهای مبارز و انقلابی فرض است که بی اعتنا به کشمکشها و تضادهای جناحهای درگیر، با اتکاء به سنت و نصرت‌الهی و متحد و مصمم، برای خنثی‌کردن توطئه‌های سیاسی امپریالیسم و دفع تجاوز نظامی، مقاومتی توده‌ای را سازمان داده، خود را برای یک مبارزهٔ طولانی با دشمن آماده سازیم.

بر ماست که از ارزشهای اصیل مکتب در برابر هر انحراف و مسخ و تحریف و سوء برداشت، ایستادگی نشانداده اجازه ندهیم روابط و مناسباتی طبقاتی بنام اسلام بر جامعه حاکم شود. بر ماست که دسیسه‌هائی را که برای تضعیف و شکستن وحدت رهبری بعمل می‌آید، افشا کرده، رهبر انقلاب امام‌خمینی را در مبارزه با شیطان بزرگ و متحدین امپریالیست و متجاوز و نیروهای وابستهٔ داخلی آن یاری و حمایت کنیم.

بر ماست که یک لحظه از تلاش برای نشر آگاهیهای سیاسی و مکتبی در میان توده‌ها و افشای همهٔ جریانات انحرافی از هر نوع‌و در هر لباس و تشکل و بسیج‌توده‌ها در خط اصیل انقلاب بازنایستاده و کوشش خود را برای کسب صلاحیت مکتبی و تشکیلاتی جهت ارتقاء به سطح انسانهای طراز صالحان و متقین پیشتاز بکار بریم و مطمئن باشیم شعلهٔ انقلاب بشرط حضور فعال خلق در صحنه، بنیان استبداد و استعمار و استثمار را خواهد سوزاند، چرا که بنا به وعدهٔ الهی پیروزی قهری حق بر باطل حتمی است.

ما این روز تاریخی را به ملت قهرمان ایران و خلقهای مستضعف جهان، به رزمندگان دلیر و جان‌برکف انقلاب و به رهبر بزرگ انقلاب امام‌خمینی تهنیت می‌گوئیم.

۵۹/۱۱/۱۹

نقش امام در راستای مبارزهٔ ...

بقیه‌ازصفحه۵

و رئیس‌جمهور، از روحانیون راس دادگاهها و کمیته‌ها، از وزراء و مسئولان در ارتش و سپاه و وزارتخانه‌ها خواسته‌اند که معیارهای مکتب و مصالح مبارزهٔ ضدامپریالیستی را رعایت کنند، از تنگ‌نظری و استکبار، از تجاوز و اعمال خلاف قانون وعدالت، از تضاد وکشمکش‌های‌غیراصولی، از سازشکاری و مماشات، از انحصارطلبی و خودخواهی و قدرت‌طلبی دست بردارند و همه مردم را در نظر بگیرند. خود یا گروه را محور قرار ندهند ـ ولی می‌بینیم در عمل چیزی عوض نمی‌شود، انحصارطلبی، تنگ‌نظری، خودبینی و استکبار، حرص به قدرت و شهرت، تجاوز و ظلم و خلافکاری، آزادی ـ کشی و چماق‌کشی و حمله به گروهها و دفاتر و... ازناحیهٔ روحانی و غیرروحانی حزب و دفتر رئیس‌جمهور و باندها و گروههای قدرت‌طلب از مرتجع تا لیبرال از به اصطلاح‌مترقی تا انقلابی! ادامه دارد. آیاراه‌دیگری‌وجودندارد؟ آیاهمراه با ارشاد ونصیحت اقدامات‌قاطع‌تری ضروری‌نیست تا ماهیت دستگاه رهبری و حاکمه کشور را در جهت هماهنگی با خواست توده‌ها وبینشهای مکتبی و مصالح انقلاب و راستای مبارزهٔ ضدامپریالیستی تغییر دهد؟ مردم این ضرورت را تدریجا" درک کرده، خواهان رفع ضعف فوق هستند و دائما" سوال می‌کنند با وجودیکه تناقض عملکرد جناح ـ های حاکم ـ روحانی و ـ غیرروحانی ـ با رهنمودهای امام و ویژگیهای این خط باقی مانده است، پس چرا اقدام موثری انجام نمی‌گیرد؟

ما در عین حال که طرح این سوال را غیرمنطقی نمی‌دانیم، معتقدیم بر اساس اصالتی که برای قدرت و عمل توده‌ها قائلیم، باید از مردم خواست تا با تشکل خود ابتکار عمل را بدست گیرند و پیشتاز واقعی انقلاب و مکتب را پرورش داده، به قدرت برسانند، پیشتازی که جز بر مبنای ایدئولوژی توحیدی تحقق پیدا نخواهد کرد.

بر مردم است که مستقل از "سیاست بازها" مستقل از درگیریهای جناحهای قدرت‌طلب یا انحصارطلب و دیگر گروههای منحرف، از مبارزهٔ ضداستکباری، حرکت اصیلی بوجود آورند، حرکتی که پاسدار آزادی و استقلال و دیگر دستآوردهای انقلاب بوده، به مبارزهٔ درازمدت و قهر ـ آمیز مکتبی علیه استکبار جهانی ووابستگان داخلی آن اعتقاد و ایمان داشته باشد.

با این توضیحات خط اصیل انقلاب که مبتنی بر مشی مبارزه درازمدت مکتبی و قهرآمیز با همهٔ انواع چهره‌های استکبار است، بخوبی از خطوط دیگرمتمایزمیگردد. دنبال‌کردن این خط مشی سبب حذف همهٔ عناصر و نیروها و جریانات غیرمکتبی و غیر انقلابی از رهبری و از متن حرکت توده‌ها خواهد شد.

وظیفه نیروهای انقلابی ـ مکتبی در این میان روشن است. اینکه از برخوردهای مقطعی وافتادن در دام دنباله‌روی از این یا آن جریان انحرافی و یا دچارشدن به انفعال و یاس و یا دلخوش‌کردن و سرگرم شدن به خرده‌کاری پرهیز کرده و در عوض ضمن تلاش در راه خودسازی‌وکسب‌صلاحیت از طریق واردشدن در یک مبارزهٔ تشکیلاتی و مکتبی، همراه با همهٔ توده‌های مبارز و در پیکار درازمدت و انقلابی با امپریالیسم و همهٔ مظاهر و نیروهای وابسته بدان، در همه‌جبهه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شرکت کنند. بر این اساس موضع این نیروها در برابر تجاوز عراق هم روشن است، با تاکید روی جنگ مردمی‌وفرسایشی و درازمدت تا کسب پیروزی کامل و نابودی قطعی دشمن که ضمن آن وحدت تعالی‌بخش بین سپاه پاسداران، نیروهای مؤمن ارتش و سایر نیروهای رزمندهٔ مردمی تامین میگردد و همهٔ عناصر ناخالص، مستکبر و غیرانقلابی حذف خواهند شد.

شهید ۲۲ بهمن ۵۹

بقیه‌ازصفحه۱

بمنزلهٔ حفظ حیات بود، و حقیقتا" بدون مبارزه لحظه‌ای توان حیات نداشت.

در دوران دبیرستان، عزلت‌گزینان انجمن "ضدبهائیت" سعی در جذب او به خود داشتند، اما روح توانا و پرخروش او، چنین حصار تنگ و تاریکی را هرگز تحمل نمی‌کرد و لذا برای مکتب خویش در مبارزهٔ مستمر با رژیم وابسته به‌امپریالیسم‌لحظه‌ای از پای ننشست.

تداوم مبارزهٔ برادر محمد نجابت که دانشجوی سال سوم رشتهٔ زمین‌شناسی بود، در دانشگاه شیراز بهمراه برادران همرزمش صورت گرفت، و دوستان او بخاطر دارند که لحظه‌ای آرامش و قرار نداشته و همواره در جستجوی او میبایست به کوچه‌ها و خیابانها و تظاهرات مردم مراجعه می‌کردند تا روح بیقرار او را در میان توده هائی که به‌آنها عشق می‌ورزد، بیابند.

او که ضرورت پاسداری از دستآوردهای انقلاب و تعمیق و گسترش‌آنرا بخوبی درک کرده بود، پس از پیروزی در این مسیر لحظه‌ای غفلت نکرده، زندگی پررنج خویش را وقت مبارزهٔ مکتبی نمود و آنرا بر زندگی آسوده ترجیح داد. او راه پیشوای خویش امام علی(ع) را دنبال کرد، و پرچم خونین انقلاب و شهدای ۲۲ بهمن را تا آخرین لحظات حیات پرغرور خویش، همچنان در اهتزاز نگهداشت و پیام دهها

بقیه‌درصفحه۱۵

درونی این عاشقان راه و صیرورت، دعای آنان را استجابت میکند، و ندای هل من ناصر ینصرنی آنان با ایثار جان بگوش رهروان درپی میرسد، که"شهادت دعوتی است به همهٔ عصرها و به همهٔ نسلها".

سپیده‌دم ۲۲ بهمن، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی، شهیدی دیگر به صف شهیدان خدا پیوست و تلاش شبانه‌روزی دوسالهٔ او پس از پیروزی انقلاب که بهمت خونهای گرانبهای خلق تحقق یافت، با شهادتش به ثمر نشست.

او نه از دو سال پیش که از زمانی که بیاد داشت و خود را شناخته بود، در صف مبارزین قرار داشت و در دامان خانواده‌ای پرورش یافت که تلاش و مبارزه برایش

کاربرد
روش شناخت..

بقیه‌ازصفحه۱۱

نپذیرفت و بر دشمنی و تضاد خود با انسان باقی ماند و از مهلت داده شده تنها و تنها برای اغوا و گمراه کردن انسان استفاده کرد. داستان ابلیس باید برای نظریه‌پردازان پیرو روش توحیدی عبرت ـ انگیز باشد. اگر ابلیس نصیحت و ارشاد خدا را پذیرفت و اگر از مهلتی که خداوند بوی داد، بر اساس صداقت و صلح و عدالت و برای تفاهم و کمک به انسان و گام برداشتن در راه خدا سود برد، شما هم میتوانید مطمئن باشید دشمنان و شیاطینی که با آنان سر میز مذاکره به نصیحت و ارشاد می‌نشستند، از توطئه و فریب دست بردارند و براه حق بپیوندند. ابلیس که اینکار راکرد، با وجودیکه طرفش خدا بود، شاید شیطان بزرگ زمان ما سر عقل آمده و براه راست هدایت شود!

ادامه‌دارد

هموطنان مبارز

لطفا" وجوه نشریهٔ "امت" و همچنین کمکهای مالی خود را به حساب جاری ۴۰۰ بانک صادرات شعبهٔ شمارهٔ ۲۸۶۳ خیابان استاد مطهری چهارراه مبارزان واریز و یک نسخه از فیش کمک مالی را به دفتر امت ارسال دارید

متشکریم

خواهران و برادران مبارز خارج ازکشور برای ادامهٔ نشر و توزیع امت وجوه نشریات ارسالی را هر چه زودتر پرداخت نمایند.

باتشکر ـ امورمالی وتوزیع

نشریه امت
جنبش مسلمانان مبارز
سال دوم
شماره ۹۶
زیرنظرشورای نویسندگان

خیابان بهار شمالی نبش نامجو منطقه ۱۵
بستی ۸۲۳۹۸۲

پیرامون رهنمودهای امام
در پیام سالگرد انقلاب

بمناسبت بزرگداشت دومین سالگرد انقلاب، امام‌خمینی پیامی فرستادند. امام طی این پیام ضمن یادآوری دستآوردهای انقلاب در این شرایطی که از هر طرف، چه از طرف جبههٔ داخلی و چه جبههٔ خارجی به جو اغتشاش دامن زده میشود، خطر توطئهٔ امریکا را گوشزد کردند و یادآور شدند که: "من بار دیگر خطر امریکا را در جهان، بخصوص منطقه و ایران گوشزد می‌کنم".

امام بار دیگر با اصالت دادن به توده های محروم متذکر شدند که انقلاب بدست توده‌های زحمتکش و محروم صورت گرفته و نقش اصلی مبارزه را آنها بعهده داشته‌اند امام‌با افتادگی و تواضع تمام توده‌ها و جانبازان فداکار را "رهبر" معرفی کردند:

"انصاف دهید که ما برای اسلام و کشور اسلامی چه کرده‌ایم و این جوانان عزیز از خودگذشته از دانشگاهی و روحانی و از روستائی تا شهرستانی و از کارگر تا بازاری چه کرده‌اند؟ از اول انقلاب تاکنون تمام رنجها و زحمت‌ها بر دوش این طبقات بوده است و آنان ولی‌نعمت ما بوده‌اند. رهبر ما آن طفل ۱۲ ساله‌ایست که با قلب کوچک، خود را زیر تانک دشمن انداخت و آنرا منهدم نمود و خود نیز شربت شهادت نوشید. خداوندا، من از پیشگاه مقدس تو عذر میخواهم که کودکان و عزیزان ما خود را فدا نمایند و ما بهره‌کشی نمائیم".

امام در این قسمت از بیاناتشان در حقیقت از زبان مسئولین و مجریان امور حرف میزنند و وظیفهٔ خطیر آنان را یادآور میشوند و حرمت خود شهدا و جان‌بازان میهن را یادآوری میکنند.

امام در قسمت دیگری از صحبتهایشان از دخالت‌های بی‌جای برخی روحانیون که موجب بدبین‌شدن ملت به روحانیت میشود یاد می‌کنند و این امر را از گناهان نا ـ بخشودنی بحساب می‌آورند. امام ضمن تائید اشکالات و انحرافات موجود در بعضی موسسات و نهادها، خاطیان و منحرفین را دو دسته میکنند: یکدسته آنهائی که از لباس و جامهٔ روحانی و حمایت از اسلام استفاده کرده ولی در حقیقت ضدانقلاب هستند و دستهٔ دیگر بر اساس بینش غلط خود و عدم صلاحیت در قسمتی که مداخله میکنند، موجبات انحراف و اشکال می‌گردند که میبایست از عمل هر دوگروه جلوگیری بعمل آید.

امام خمینی هوشیارانه تمامی آنهائی را که اکنون علیه جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند مستقیم و غیرمستقیم در خط امریکا می‌دانند و تشدید بحران داخلی را قسمت دیگری از نقشهٔ جدید امپریالیسم پس از خنثی‌شدن تهاجم نظامی عراق معرفی می‌کنند.

هرچند امام بدنبال خطر استکبار جهانی نسبت به خطر توسعه‌طلبی شرق هشدار میدهند اما همچنان فتنه‌ها را از جانب امریکا و دو متحد آن یعنی صهیونیسم و ارتجاع منطقه می‌دانند. و ضرورت پیوستگی و اتحاد جنبشهای آزادیبخش و حمایت از آنان را گوشزد کرده و راه غلبه بر این مستکبرین را اتحاد و یکپارچگی ملل مستضعف و استقامت آنان می‌دانند.

امام در انتهای پیامشان خطاب به توده‌های مردم کرده و مجددا" یادآور میشوند که انقلاب مرهون گذشت و ایثار و مبارزات پی‌گیر آنان بوده و قشرهای مرفه و سرمایه‌دار وابسته به رژیم گذشته را بعنوان کسانی که می‌کوشند باپاشیدن تخم یاس و ناامیدی انقلاب را ساکن کنند و وارد کانالهای انحرافی بنمایند، انگیزه‌های معنوی و مکتبی و ادامهٔ مبارزه و رویاروئی با مشکلات تا پیروزی نهائی را برای مردم یادآور میشوند.

* * *

امام همواره پیام می‌فرستند و رهنمود می‌دهند، اما بواقع چه کسانی باید به رهنمودهای امام عمل نمایند؟ از مقامات و قوای سه‌گانه مملکتی کدامیک مسئول اجرای رهنمودهای امام میباشند؟ دولت، مجلس قوهٔ قضائیه؟ این اولین بار نیست که امام راه‌حل‌ها را متذکر میشوند، سوال اساسی مردم این است که چرا به رهنمودهای امام عمل نمی‌شود؟ تا کی باید امام رهنمود بدهند و خطر تشدید بحران داخلی و خط عملکرد امریکا را یادآور شوند و در عمل همهٔ آنها بوسیلهٔ خود مجریان و مسئولین نقض شود؟

درود برشهیدان ـ سلام برخمینی ـ پاینده بادانقلاب اسلامی ایران